

سلام افلا

www.marhazdaneesh.ir



وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری  
مرکز آموزش علمی کاربردی بهزیستی و تامین اجتماعی برازجان  
کارشناسی اصلاح و تربیت

## موضوع :

بررسی عوامل مرتبط با کم توجهی به نماز  
در دانش آموزان مدارس متوسطه ی شهر برازجان

## استاد راهنما :

جناب آقای داوود بحرینی منفرد

## پژوهشگر :

مهدی اسپوتین

تیرماه ۱۳۹۴

## تقدیم به :

- الق بی نیاز نماز ، که رخ ت دی
- حضرت حجة بن الحسن (عج) ، منادی و قائم به نماز
- استاد گرامی جناب آقای بحرینی منفرد ، یا تحقیق
- پدر بزرگوارم ، راه تمام زندگی ، دلخوشی همیشگی
- مادر عزیزم ، چشمه سار مهربانی ، غمگسار جاودانی
- همسر مهربانم ، نشانه لطف الهی و اسوه ی همراهی
- نازنینم مه ، به طراوت شبانم

## فهرست مطالب

شماره صفحه

عنوان

### فصل اول: طرح تحقیق

۲.....	مقدمه.....
۴.....	بیان مسأله.....
۵.....	اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۶.....	اهداف تحقیق.....
۶.....	فرضیه های تحقیق.....
۷.....	روش تحقیق.....
۷.....	تعریف عملیاتی.....

### فصل دوم: پیشینه ی تحقیق

۹.....	پیشینه ی نظری تحقیق.....
۷۲.....	پیشینه ی عملی تحقیق.....

### فصل سوم: روش شناسی

۷۸.....	روش تحقیق.....
۷۸.....	روش نمونه گیری.....
۷۸.....	روش جمع آوری اطلاعات.....

## فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

- آمار توصیفی..... ۸۰
- آمار استنباطی و بررسی فرضیه ها..... ۸۲

## فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

- نتایج توصیفی..... ۹۳
- نتایج استنباطی..... ۹۴
- بحث و نتیجه گیری..... ۹۹
- محدودیت های تحقیق..... ۱۰۰
- پیشنهاد های تحقیق..... ۱۰۱

- منابع و مآخذ..... ۱۰۳

## پیوست ها

- پرسش نامه..... ۱۰۶

## بررسی عوامل مرتبط با کم توجهی به نماز در دانش آموزان مدارس متوسطه ی شهر برازجان

پژوهشگر : مهدی اسپوتین

### چکیده

در این پژوهش ، که با هدف بررسی عوامل مرتبط با کم توجهی به نماز در دانش آموزان مدارس متوسطه ی شهر برازجان در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ صورت گرفته ، تلاش بر آن بوده است که ضمن آشنایی با دیدگاه ها و نظرات دانش آموزان نسبت به اقامه ی نماز ، موانع و محدودیت های موجود در اجرای اقامه ی نماز در مدارس متوسطه را شناسایی و راه های جذب و ترغیب دانش آموزان به اقامه ی نماز را بررسی نماییم . هم چنین تاثیر عوامل محیط خانواده ، مکان نامناسب ، زمان نامناسب ، عدم حضور مربیان در اقامه ی نماز ، برخورد نامناسب افراد مذهبی را بر کم توجهی به نماز در دانش آموزان دختر و پسر مورد تحلیل قرار دهیم . روش انجام تحقیق از نوع توصیفی و همبستگی می باشد . نمونه مورد بررسی شامل تعداد ۳۶۰ دانش آموز پسر و دختر بود که با استفاده از نمونه گیری طبقه ای و خوشه ای از میان ۲ دبیرستان دولتی و ۲ دبیرستان نمونه ی دولتی انتخاب شدند . جمع آوری اطلاعات به وسیله پرسشنامه و پاسخ با مقیاس لیکرت پنج گزینه ای بوده است . نتایج پژوهش نشان می دهد که عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی با بالاترین میانگین و عنصر عدم حضور مربیان در اقامه ی نماز با پایین ترین میانگین از عناصر تاثیرگذار بر کم توجهی به نماز در دانش آموزان پسر و عنصر محیط خانواده با بالاترین میانگین و عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی با پایین ترین میانگین از عناصر تاثیر گذار بر کم توجهی به نماز در دانش آموزان دختر هستند .

**کلید واژها :** نماز ، دانش آموزان متوسطه ، کم توجهی ، شهر برازجان

# فصل اول:

## طرح تحقیق

[www.markazemesh.ir](http://www.markazemesh.ir)

## مقدمه

نیاز به پرستش و نیایش یکی از نیازهای اساسی و عمیق است که در عمق روان بشر وجود دارد . استاد شهید مطهری در این باره می فرمایند: یکی از پایدارترین و قدیمی ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل ترین ابعاد وجود انسانها حس نیایش و پرستش است .

مطالعه ی آثار زندگی بشر نشان می دهد که در هر زمان و هر کجا که بشر وجود داشته ، نیایش و پرستش نیز وجود داشته است . امروزه بیش از هر زمان دیگر نیازمند تفکر و اندیشه درباره ی اتخاذ مؤثرترین روش های تقویت احساس مذهبی و رفتارهای خداجویانه در میان شکوفه های جامعه ی فردا هستیم . همچنین نهاد مقدس آموزش و پرورش به دلیل جایگاه رفیع و با اهمیت تعلیم و تربیت که در مکتب اسلامی وظیفه ای بس مهم دارد و یکی از این ارزش هایی که از آن به عنوان رکن و ستون دین نام برده شده است نماز می باشد .

نهادهای تعلیمی و تربیتی باید نوجوانان و جوانان را از کودکی با محتوا و مفاهیم نماز آشنا کنند . اگر در این زمینه فعالیت شود و جوان ها متوجه نماز شوند و نماز را بشناسند ، آن وقت جوان ها به نماز عشق می ورزند و عاشقانه به آن عمل میکنند .

نماز و نیایش ، ارتباط صمیمانه ای است میان انسان و خدا ، آفریده و آفریدگار تسلی بخش و آرامش گر دل های مضطرب و خسته ، برنامه ای است برای بازیافتن و آگاه ساختن خویش .

در اهمیت نماز همین بس که امام علی علیه السلام فرموده اند: نماز را در هر وقتی که برای آن تعیین گشته به جا آور و از جهت بی کاری یا کار داشتن آن را به وقت دیگری موکول نکن و بدان هر چیز از عمل تو ، پیرو نماز توست .

از آن جایی که نماز فریضه ای است که خداوند مهربان از باب عشق و محبت از انسان خواسته و به عنوان ریسمان اتصالی است که همه هستی را به ملکوت پیوند می دهد و مانند این رشته ی پر ارزش برای ایجاد ارتباط بین بشر و حقیقت مطلق نمی توان یافت . هیچ شریعتی از شرایع آسمانی بدون نماز نبوده و این موضوعی است که در طول تاریخ به اثبات رسیده است .



همه بر این باوریم که نماز در احکام الهی از رفیع ترین جایگاه برخوردار است . نماز پرچم عبادت و سرور آزادی است و کامل ترین پاسخ به عالی ترین نیاز بشر است . نماز یک نیاز فطری است که در نزد همه ی ادیان الهی و حتی برخی مسلک های ساخته بشر وجود دارد ، اما شکل آن متفاوت است . در زندگی عقلایی ، عبودیت و بندگی خداوند رکن اساسی دست یابی به قرب الهی است . منظور از عبادت ، ایجاد نوعی رابطه ی خاشعانه و خاشعانه ی انسان با خالق هستی است .

امروزه با توجه به این که تربیت دینی و نماز یکی از ارکان و مصوبه های آموزش و پرورش کشور می باشد و تأکیدات زیادی در این زمینه صورت می گیرد ولی متأسفانه احساس می شود که علاقه به نماز در بین نوجوانان و جوانان کاهش یافته و مساجد به نحو مطلوب مورد استفاده برای نماز قرار نمی گیرد . وضع موجود آموزش و تعلیم اسلامی در مدارس ، از جهات مختلف و به دلایل گوناگون از جمله : عدم برنامه ریزی صحیح ، کمبود نیروی انسانی ، عدم امکانات کافی و کم توجهی ، به هیچ وجه رضایت بخش نیست و رشد بعد معنوی دانش آموزان را در حد مطلوب محقق نمی سازد . یکی از نیاز های اساسی نوجوانان و جوانان ، مذهب و داشتن یک فلسفه ی حیاتی ارضا کننده است که هم زمان با سنین بلوغ به اوج خود می رسد .

امروزه نهاد مقدس آموزش و پرورش به دلیل جایگاه رفیع تعلیم و تربیت در مکتب اسلام وظیفه ای بس مهم به جهت احیای ارزش های اصیل اسلامی بر عهده دارد و یکی از این ارزش هایی که از آن به عنوان رکن و ستون دین نام برده شده است نماز می باشد که همه ی دست اندر کاران موظفند که در جهت احیای این ارزش مقدس اسلامی نهایت تلاش و کوشش خود را به کار گیرند . در این بین هدایت نسل جوان به سوی معنویت با توجه به این که این زمان را دوران پایه گذاری می دانند ، خیلی مهم و تأثیر گذار است . با توجه به مشکلات و موانعی که در این دوران وجود دارد ، سعی شده در این پژوهش ضمن بررسی اهمیت و ضرورت این فریضه ی الهی ، به علل بی توجهی به آن و نقش سایر عوامل در آن پرداخته شود .

توجه به نماز و نحوه ی برگزاری آن در مدارس از اساسی ترین محورهای تربیت دینی و از موضوعاتی است که ذهن مسئولان و متولیان تعلیم و تربیت را به خود مشغول داشته است به گونه ای که پژوهش علمی پیرامون اهمیت و جایگاه نماز و معرفی کارکردهای مهم آن در جامعه و شناسایی موانع و محدودیت های اقامه ی نماز در مدارس از اهمیت خاصی برخوردار است .

با توجه به آن که دانش آموزان بخش عظیمی از افراد جامعه هستند که در آموزش و پرورش اسلامی رشد می یابند ، تلاش در جهت تعمیق ارزش های فرهنگ اسلامی و تقویت باورها و اعتقادات دینی در بین آن ها و افزایش علاقه و دل بستگی آنان به اجرای فریضه ی مهم نماز از اهداف و اولویت های مهم تعلیم و تربیت اسلامی است . لذا توجه به بحث نماز که بزرگ ترین عبادت و سفارش همه ی انبیاست و درخشندگی و برجستگی آن در بین اعمال عبادی و کارکرد مهم آن در کنترل درونی رفتار انسان و جلوگیری از انحطاط اخلاقی جامعه ، از زوایا و ابعاد گوناگون قابل تأمل و بررسی است .

مشاهدات و تحقیقات نشان داده است تا وقتی که اعضای جامعه پای بند اعتقادات مذهبی خود باشند به فساد و بزه کاری روی نمی آورند . راس (Rass) نیز در کتاب خود تحت عنوان کنترل اجتماعی ، دین را یکی از اساسی ترین وسایل کنترل اجتماعی درونی می داند . بنا به اظهار وی ، هنگامی که آدمی دور از چشم آشنایان ، همسایگان و دیگران است ، نه قانون و نه افکار عمومی و نه هیچ چیز اجتماعی دیگر ، اعمال وی را مهار و کنترل نمی کند ، بلکه در این مورد کنترل عمل در پرتو ایمان به قدرتی صورت می گیرد که در همه ی مکان ها و زمان ها شاهد اعمال آدمیان است و رفتار مطلوب و نیک را پاداش می دهد و بدی و گناه را مجازات می کند .

لذا هر گونه کم توجهی به موضوع نماز در بین دانش آموزان ، سلامت و سعادت آن ها را به خطر می اندازد و در روابط فردی و اجتماعی آن ها تأثیرات منفی ایجاد می کند و در نهایت بنیان های دینی ، اخلاقی و فرهنگی جامعه را متزلزل خواهد ساخت .

بنابراین ، شناخت عوامل مؤثر در کم توجهی دانش آموزان به اقامه ی نماز ، ما را در مرتفع کردن موانع و اعتلای برنامه های اجرایی نماز در مدارس کمک خواهد کرد و نتایج و یافته های این قبیل پژوهش ها برای نهادهای دینی ، آموزشی و تربیتی ، مسئولان و خانواده ها مفید و مؤثر خواهد بود .

## اهمیت و ضرورت تحقیق

در دین مبین اسلام ، تزکیه مقدم بر تعلیم است به طوری که هدف از بعثت انبیاء الهی تزکیه و تعلیم است . امام خمینی (ره) فرمودند : اگر تزکیه نباشد حتی علم توحید هم به درد نمی خورد .

لذا بر پایه تعلیم و دستورات دینی مهمترین رکن تزکیه (تربیت) همانا اقامه ی نماز می باشد ، فریضه ای که در طول حیات انسان تحت هیچ شرایطی سلب نشدنی است .

با توجه به اهمیت و جایگاه رفیع نماز در فرهنگ اسلامی و کارکردهای مهم آن که از استوارترین و بهترین راه برقراری ارتباط انسان با خالق و بازدارنده ی انسان از اعمال بد و منکر و وسیله ی نزدیکی و قرب به خداوند و کامل ترین پاسخ به عالی ترین نیاز انسان است ، پرداختن به موضوع نماز از ضرورت های اساسی است .

علامه ی طباطبایی (ره) در همین باره فرمودند : از آن جا که نماز مشتمل بر ذکر خدا بوده ، لذا این ذکر اولاً ایمان به وحدانیت خداوند ، رسالت پیامبر (ص) و روز جزا را به نمازگزار تلقین می کند و او را وادار می کند که از خداوند استعانت بجوید و با روح و بدن خود متوجه او شود و انسان را از فحشا و منکر بازداشته و پایداری در امر نماز سبب به وجود آوردن ملکه ی پرهیز از فحشا و منکر در انسان می شود .

بنابراین ، با توجه به برجستگی و اهمیت نماز در بین اعمال عبادی و تأثیرات مثبت و سازنده ی آن در پیش گیری از آسیب ها و انحرافات اجتماعی ، پرداختن به شناسایی عوامل مرتبط با کم توجهی به اقامه ی نماز در دانش آموزان مدارس متوسطه ی شهر برازجان ، ارائه ی پیشنهادهایی در جهت رفع موانع و راه کارهایی در راستای توسعه و ترویج اقامه ی نماز در میان دانش آموزان مدارس شهر برازجان از اولویت های اساسی این پژوهش است .

## اهداف تحقیق

### هدف کلی

بررسی عوامل مرتبط با کم توجهی به اقامه ی نماز در دانش آموزان مدارس متوسطه ی شهر برازجان

### اهداف جزئی

- ۱ - شناسایی رابطه ی بین عنصر محیط خانواده و کم توجهی به نماز .
- ۲ - شناسایی رابطه ی بین عنصر مکان نامناسب و کم توجهی به نماز .
- ۳ - شناسایی رابطه ی بین عنصر زمان نامناسب و کم توجهی به نماز .
- ۴ - شناسایی رابطه ی بین عنصر عدم حضور مربیان در اقامه ی نماز و کم توجهی به نماز .
- ۵ - شناسایی رابطه ی بین عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی و کم توجهی به نماز .

### فرضیه های تحقیق

- ۱ - عنصر محیط خانواده بر کم توجهی به نماز ، از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر تاثیر گذار است.
- ۲ - عنصر مکان نامناسب بر کم توجهی به نماز ، از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر تاثیر گذار است.
- ۳ - عنصر زمان نامناسب بر کم توجهی به نماز ، از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر تاثیر گذار است.
- ۴ - عنصر عدم حضور مربیان بر کم توجهی به نماز ، از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر تاثیر گذار است.
- ۵ - عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی بر کم توجهی به نماز ، از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر تاثیر گذار است.

## روش تحقیق

روش انجام تحقیق از نوع توصیفی و همبستگی می باشد و برای جمع آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است . روش توصیفی ، به سبب ارائه ی عینی نظر دانش آموزان و روش همبستگی ، به جهت بررسی عوامل مرتبط با کم توجهی به اقامه ی نماز به کار گرفته شده است .

## تعریف عملیاتی

### اقامه ی نماز

منظور از اقامه ی نماز ، خواندن و برپا داشتن نمازهای یومیه ، به ویژه نماز ظهر و عصر است که با اوقات حضور در مدرسه مصادف می شود .

### دانش آموزان مدارس متوسطه

در این پژوهش مد نظر از دانش آموزان مدارس متوسطه ، دانش آموزان پسر و دختر مدارس مقطع دوم متوسطه است .

## فصل دوم:

### پیشینه ی تحقیق

[www.markazehanesh.ir](http://www.markazehanesh.ir)

## پیشینه ی نظری تحقیق

### تاریخچه نماز:

تاریخ نماز و پرستش به قدمت تاریخ ادیان و سابقه ادیان به موازات پیشینه پیدایش حیات انسان است. نماز نخستین عبادتی است که بر بندگان واجب شده است.

خداوند تبارک و تعالی در آغاز سوره بقره در توصیف اهل تقوی فرموده اند:

« الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ » (آیه ۳ سوره بقره)

آن کسانی که به جهان غیب ایمان آرند و نماز به پا دارند و از هر چه روزیشان کردیم به فقیران انفاق کنند. یکی از چیزهایی که همه ی پیامبران الهی به آن دعوت می کردند «پرستش خداوند» است. قرآن کریم از زبان پیامبران نقل می کند که به امت هایشان می گفتند: (عبدوا الله)؛ خدا را پرستش کنید (سوره مائده ، آیه ۷۲ و ۱۱۷ ؛ سوره اعراف ، آیه ۵۹ و ۶۵ و ۳۷ و ۸۵ ؛ سوره هود ، آیه ۵۰ و ۶۱ و ۸۴ و...) .

افزون بر این از رسول گرامی اسلام (صلی ا.علیه و آله) روایت شده است که فرمودند:

« اول ما فرض علی العباد الصلوه و اخر ما یبقی عند الموت الصلوه و اول ما یحاسب به العبد یوم القیامه

الصلوه فمن اجاب فقد سهل ما بعده و من لم یجب فقد اشتد ما بعده » ( سنن ترمذی، صلات، ۱۸۸).

نخستین پرستشی که بر بندگان واجب شد ، نماز است و آخرین عملی که به هنگام مردن بماند ، نماز است و اولین چیزی روز قیامت از آن بپرسند، نماز است. پس هر کس بخوبی جواب گوید و پاسخش را بپذیرند و در حساب رسی های پس از نمازش آسان گیرند و آن که پاسخ نیکو ندهد ، در اعمال دیگرش به سختی حساب کشند.

## نماز در ادیان الهی

### نماز در اسلام:

بر حسب بعضی روایات ، سه سال پیش از بعثت ، جبرئیل وضو و نماز را بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آموخته است. ولی آنچه مسلم است از آغاز بعثت ، خدیجه (سلام الله علیها) و علی بن ابیطالب (علیه السلام) با پیغمبر نماز می خواندند و در نماز ایشان ف عمل رکوع و سجود انجام می شده است. بتدریج بر مسلمانان نمازگزار افزوده شد و دیگران به این جماعت می پیوستند.

### نماز در شریعت حضرت موسی (علیه السلام):

اصل عبادت و پرستش خداوند در همه شریعت های الهی وجود داشته، ولی شکل و کیفیت آن متفاوت بود. از قرآن کریم استفاده می شود که نماز در امت های پیشین هم بوده است؛ همه پیامبران از حضرت آدم تا حضرت خاتم نماز می خواندند ، اما از چگونگی آن اطلاع دقیقی در دست نیست. خداوند متعال خطاب به حضرت موسی (علیه السلام) می فرماید: « إِنِّی أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِی وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِی » من «الله» هستم، معبودی جز من نیست؛ مرا بپرست و نماز را برای یاد من بر پا دار. (سوره طه ، آیه ۱۴). یکی از آداب گفتگو ، معرفی خود است که خداوند خود را به حضرت موسی (علیه السلام) معرفی می کند و اعتقاد به توحید و انجام عبادات ملازم یکدیگرند. توحید در راس همه عقاید و نماز در راس همه عبادات است.

### نماز در شریعت شعیب (علیه السلام):

هم چنین قرآن کریم به نقل از حضرت عیسی (علیه السلام) می فرماید: « وَجَعَلْنِی مَبَارَكًا أَیْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَنِی بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَیًّا » (سوره مریم ، آیه ۳۱). و مرا وجودی پر برکت قرار داده، در هر کجا باشم و [خداوند] مرا به نماز و زکات توصیه کرده مادامی که زنده ام. از این آیات شریف روشن می شود که نماز در مکتب دو پیامبر بزرگ الهی - موسی و عیسی (علیهما السلام) - وجود داشته همانگونه که در مکتب دیگر پیامبران بوده است، چنان که درباره حضرت شعیب (علیه السلام) آمده است:



(قالوا يا شعيب أصلوتك تأمرک أن تترك ما یبعد ءابأؤنا) گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم... (سوره هود، آیه ۸۷).

نماز در ادیان گذشته مثل دین شعیب هم بوده است. نماز واقعی انسان را به ارشاد دیگران و امر به معروف و نهی از منکر و میدارد. (رشیدی علیقی، سیمای نماز در قرآن، ص ۴۰).

و نیز از زبان حضرت اسماعیل، می‌فرماید: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» او همواره خانواده خود را به نماز و زکات دعوت می‌کرد و همواره مورد رضایت پروردگارش بود. (سوره مریم، آیه ۵۵).

بنابراین هیچ شریعت و دینی، از نماز جدا نبوده، گرچه صورت ظاهری آن، تفاوت داشته است.

زرتشتیان، پنج نماز دارند که در هنگام طلوع آفتاب و ظهر و عصر و اول شب و هنگام خواب، بپا می‌دارند.

(خزائلی محمد، همان، ص ۴۰).

### نماز یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان :

یهودیان در ساعت سوم و ششم و نهم روز و اول و آخر شب و هنگام تناول غذا، دعاهایی دارند. (خزائلی محمد، همان، ص ۴۰).

نماز یهودیان و مسیحیان به دعا نزدیکتر است، نماز یهود از رکوع خالی است.

مسیحیان، روز یکشنبه و برخی روز شنبه در کلیسا جلسه دعای دسته‌جمعی تشکیل می‌دهند. اما باید توجه داشت که آنچه امروزه، پیروان حضرت موسی (علیه السلام) (یهودیان) و پیروان حضرت عیسی (علیه السلام) (مسیحیان) به عنوان نیایش در کلیسا و کنیسه به جای می‌آورند، با مناسکی که به وسیله این پیامبران الهی آورده شده بود، بسیار متفاوت است، زیرا آیین و کتاب‌های آسمانی این دو پیامبر الهی دچار تحریف و دست‌خوش انحرافات پیروان آنها شده است. (آیت‌الله مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۶۳ و ۱۶۴).

در واقع نماز فعلی یهودیان و مسیحیان به دعا، نزدیک‌تر است تا به مجموعه‌ای از اعمال. از این‌رو کیفیت و کمیت نماز در شریعت اسلام با شرایع پیشین متفاوت است، لکن در بیشتر آن آیین‌ها، سجده‌جزئی از این عبادت محسوب می‌شود. علاوه بر تشریع نماز در ادیان الهی، بت‌پرستان نیز در برابر بت‌هایشان، وردهایی می‌خوانده‌اند. (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۹۱).

زرتشتیان را پنج نماز است که در هنگام طلوع آفتاب و ظهر و عصر و اول شب و زمان خفتن اجرا می کنند. بعلاوه برای هر یک از شبها و روزهای ماه، سرودهای ویژه ای دارند که مجموعه آنها را در خرده اوستا وسینا میتوان یافت.

جان ناس در تاریخ جامع ادیان خود میگوید: افراد زرتشتی در هر وقت روز بخواهند میتوانند منفردا به درون آتشکده بروند قبل از ورود به مقید دست و روی خود را با آب شسته ، قسمتی از اوستا را تلاوت کرده و دعا و مناجات بخوانند ، سپس کفشها را از پا در آورده به اتاق معبد داخل می شوند و در برابر آتشدان مقدس نماز خواند و هدیه و نیازی با مقدار ی چوب صندل به موید تقدیم می دارند . ( تاریخ جامع ادیان جان ناس، ص ۴۸۱).

### اهمیت نماز:

رسول اکرم ( صلی الله علیه وآله ) می فرمایند: « اول ما افترض الله علی امتی ، الصلوات الخمس و اول ما یرفع من اعمالهم ، الصلوات الخمس و اول ما یساءلون عنه ، الصلوات الخمس » اولین چیزی که خداوند بر امت من واجب کرد ، نمازهای پنج گانه است و اولین چیزی که از اعمال ایشان بالا برده می شود ، نمازهای پنج گانه است و اولین چیزی که نسبت به آن مورد سؤال واقع می شوند ، نمازهای پنج گانه است.(کنز العمال ، ج ۷، حدیث ۱۸۸۵).

حضرت عیسی(علیه السلام) در گهواره می گوید: « و اوصانی بالصلاه و الزکاه ما دمت حیا»

خداوند مرا تا زنده هستم به نماز و زکات سفارش کرده است.( آیه ۳۱ ، سوره مریم).

حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: « اوصیکم بالصلاه و حفظها، فانها خیر العمل و هی عمود دینکم »

شما را به نماز و مراقبت از آن سفارش می کنم ، زیرا نماز برترین عمل و ستون و اساس دین شما است.

(میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۶۸، بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۹).

امام حسین (علیه السلام) حتی ظهر عاشورا در میدان مبارزه و در برابر تیرهای دشمن هم نماز را رها نکرد. پیشوایان معصوم ما هنگام نماز، رنگ خود را می باختند و می فرمودند: وقت ادای امانت الهی و حضور در پیشگاه الهی است. ( بحارالانوار ، ج ۸۱ ).

امام موسی کاظم (علیه السلام) می فرمایند: «افضل ما يتقرب به العبد الى الله بعد المعرفة به ، الصلوة»  
بهترین چیزی که بنده بعد از شناخت خدا به وسیله آن به درگاه الهی تقرب پیدا می کند ، نماز است .  
(تحف العقول ، ص ۴۵۵).

از نظر اسلام نماز ارتباط بنده با خداست، ارتباط موجود ضعیف و نیازمند به خداوند قادر و بی نیاز.  
«ياايها الناس انتم الفقراء الى الله » هان ای مردم شما فقیران در گاه خداوند هستید. (سوره فاطر ، آیه ۱۵).  
اگرچه بعضی نماز را به طمع از بهشت یا ترس از عذاب جهنم می خوانند، اما امیرالمومنین (علیه السلام)  
نماز را نه برای تجارت و نه سپری برای آتش، بلکه به خاطر شایستگی خدا برای عبادت ، انجام می دهند.  
( نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷ ).

## دیدگاه اندیشمندان در باره نماز

### نظر اندیشمندان اسلامی:

دکتر شهید بهشتی (رحمه الله...) نقش نماز را این طور بیان می کنند:  
در آن لحظه که انسان خود را به کمک یک نیروی برتر از ماده نیازمند می یابد دل بسوی آفریدگار دانا و  
توانا می آورد، راز و نیاز خود را با او در میان می نهد و او را به کمک می خواند ، این دعا است .نماز ما و  
نیایش روزانه ما بسوی [ خدای یکتا ] خدای پر مهر نیایشی که هر فرازش بیانگر اصلی از اصول جهان بینی  
است و هر حرکتش نمایشگر پیوند عمیق انسان با خداست. نیایشی که انسان را بسوی خدا می کشاند و او را  
به همه شایستگان روی زمین در طول تاریخ چه در گذشته و چه آینده و حال پیوند می دهد.  
نماز از دیدگاه امام خمینی رحمه الله :

امام خمینی رحمه الله در کتاب «آداب نماز» نخست به بیان انس و حضور قلب پرداخته و در ادامه احادیثی  
را در این مورد نقل می کند. ایشان بعد از این که اهمیت و جایگاه حضور قلب را به بحث می کشد ،  
مؤمنان را به حضور قلب فرا می خواند .امام رحمه الله تشّت خاطر و کثرت واردات قلبیه را مانع انس و  
حضور قلب دانسته و هرزه گی خیال و حبّ دنیا را دو منشأ تشویش خاطر می داند که برای درمان آن، عمل  
به خلاف [خواهش های نفسانی]حبس خیال را در نماز توصیه می کند.

امام خمینی رحمه الله در کتاب «چهل حدیث» فراغت، قلب، رقت در عبادت، مراتب حضور قلب، راه دست یابی به حضور قلب و نقش نوافل را بررسی می کند و در کتاب «سرالصلاه» نیز به معانی باطنی نماز می پردازد.

نماز از دیدگاه میرزا جواد آقا ملکی تبریزی :

ایشان در کتاب «اسرار الصلاه»، انس قلبی را حقیقت نماز می دانند و اسباب شش گانه تحقق حقیقت نماز را این چنین برمی شمارد:

۱. حضور قلب

۲. تفهیم و دریافتن معانی

۳. تعظیم ذات اقدس حق و بزرگداشت عبادت

۴. هیبت (ترسی که از تعظیم و اخلاص حاصل شود).

۵. رجاء و امید به فضل خداوند

۶. حیا (تأمل در هر چیزی که مخالف با توحید ذات اقدس و معرفت اوست).

ایشان بهترین درجه انس را در این می دانند که قلب نماز گزار در تمام اعمال و گفتار و ذکرهای نماز متوجه همان عمل و گفتار باشد و او مراعات حضور پروردگارش را بنماید.  
نماز از دیدگاه فیض کاشانی:

فیض کاشانی در جلد سوم کتاب محجه البیضاء ابتدا برخی آیات و روایات را بیان می کند که در آن ها انس و حضور قلب و عبادت، شرط اصلی قلمداد می شود. سپس در مورد این که انس قلبی شرط صحت نماز است یا شرط قبول آن، بحث می کند. بعد از آن، راه درمان تشویش قلبی را که یکی از موانع حضور قلب است، بررسی می کند.

## نظر اندیشمندان غیر اسلامی در رابطه با نماز:

در قرن حاضر، اندیشمندان به طور گسترده تری درباره نماز و نیایش بحث کرده اند. به ویژه برخی از روان شناسان امروزه به این نتیجه رسیده اند که توجه به خدا و نماز و دعا، بسیاری از امراض روانی را درمان می کند.

دکتر الکسیس کارل فرانسوی که برای درمان جنبه های ویرانگر تمدن جدید راهی نمی یابد. (آلکسیس کارل، انسان موجود ناشناخته، ص ۲۷۵).

در نوشته های بعدی برای معالجه یأس های ناشی از تمدن جدید می گوید: «نیایش، به آدمی نیروی تحمل غم ها و مصیبت ها را می بخشد، انسان را امیدوار می سازد و قدرت ایستادگی و مقاومت در برابر حوادث بزرگ را به او می دهد». (آلکسیس کارل، راه و رسم زندگی، ص ۱۳۷).

به راستی وقتی پس از خاتمه نماز، نمازگزار به سجاده می نشیند و به تعقیب و دعا می پردازد، در آن وقت به قدرت کامله حضرت حق پی می برد، در نتیجه کسی را جز او حلال مشکلات خویش نمی شناسد و تمامی مشکلات زندگی خویش را با پروردگارش در میان می گذارد و به غیر او اعتماد نمی کند و خداوند است که مهم او را کفایت نموده و او را مقابل ناملایمات صبور و شکیبا می نماید، که اگر بعضی خواسته هایش مقرون به مصلحتش نباشد، مقاومت و پایداری را شیوه او می سازد. بنابراین، نماز مکتب مقاومت و ایستادگی در مقابل حوادث بزرگ است چرا که اتکاء و اتکال نماز گزاران همیشه به ذات اقدس حضرت باری تالی می باشد.

دکتر توماس هیس لوپ می گوید :

با این قید که من پزشکم، این سخن را می گویم که نماز، بهترین وسیله ای است که تاکنون برای توسعه اطمینان و تسکین اعصاب و آسایش و نشاط، شناخته شده که زمینه بی خوابی را برطرف می گرداند. (دیل کارنگی، آیین زندگی، ص ۲۴۹).

سرل برت، روان شناس انگلیسی، با تأکید بر نظریه ویلیام جیمز درباره تأثیر نماز، می گوید :

ما به واسطه ی نماز می توانیم وارد انبار بزرگی از نشاط عقلانی شویم که در شرایط عادی، یارای وصول بدان را نداریم.

ماهاتما گاندی رهبر بزرگ هند

در تبیین استقامت روحی اش می گوید: «اگر نماز نبود و با خدا ارتباط برقرار نمی کردم، به طور حتم سال ها بود که دیوانه شده بودم.» (گاندی، همه مردم برادرند، ص ۱۰۷؛ مرواریدهای پراکنده، ص ۱۳۵).

نورمن ویزنت گریسی می گوید:

«دعا و نماز بزرگ ترین نیرویی است که برای مبارزه با دشواری های زندگی روزانه و به دست آوردن آرامش روحی، شناخته شده است.» (کلیدهای خوشبختی، ترجمه: احمد آرام، ص ۳۸۶، ۳۸۸).

هم چنین اندیشمندان غربی به اثر نماز در بهبود بیماری های جسمی نیز اشاره کرده اند.

دکتر ادوین فردریک پاورس یکی از متخصصان درمان بیماری های عصبی در ایالات متحده آمریکا می گوید: «ما می بینیم هزاران حالت برای مریض پیش آمده که مشهورترین پزشکان و باهوش ترین طبیبان کمترین امیدی برای بهبودی آن نداشته اند، اما چیزی که در بهبودی او اثر گذاشته، معجزه ای مانند معجزات نماز و ارتباط با خدا بوده است.» (نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۲۹، به نقل از فروع دین، ص ۳۸).

در مورد آثار اجتماعی نماز نیز دیدگاه های اندیشمندان غربی قابل تأمل است.

ویل دورانت اوصاف و زیبایی های نماز جماعت مسلمانان را به تصویر می کشد. (ویل دورانت، تاریخ تمدن، عصر ایمان، ج ۴، بخش اول، ص ۲۷۳). مومنان در جریان عبادت خود را به مذبح که در جلوی معبد قرار داشت، می رساندند و به وسیله قربانی و نماز از خشم خدا ایمنی می یافتند و از او یاری طلب می کردند. (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۱۲۲۸).

هراس لیو معتقد است «نماز جماعت مسلمانان کامل ترین درجه مساوات بین مردم است».

(اسلام و علم جدید، ص ۳۵۷ و ۳۵۸؛ راه تکامل، احمد امین، ج ۷، ص ۲۱۰ و ۲۱۱).

گفتیم که اندیشمندان غربی بیش از اندیشمندان مسلمان در مورد آثار اجتماعی و روان شناسی نماز بحث کرده اند، ولی در سخنان برخی از آنها نکات ظریف درباره ویژگی های باطنی نماز به چشم می خورد.

با بررسی آثار و شخصیت اندیشمندان مسلمان و غربی به این نتیجه می رسیم که غربی ها بیشتر، از چند و چون نمازگزاری سخن گفته اند، ولی عالمان مسلمان با توجه به مفاهیم عمیق عرفانی، با نگاه دیگری مقوله عبادت را بررسی کرده اند و انس با نماز را به عنوان هدف نمازگزار مورد بحث قرار داده اند.

برخی از اندیشمندان غربی با توجه به مکتب های فکری رایج در غرب، نماز را از باب یک تجربه دینی تبیین می کنند. در تحلیل تجربه دینی، حقیقت عبادت، بندگی و مناجات انسان با حضرت حق نیست، بلکه آنچه که انسان احساس می کند، با آن به تجربه ای دینی و آرامش وجدان می رسد و ظاهری معنوی داشته باشد عبادت است. بر این مبنا تعبد نسبت به خداوند و تقید به فرامین او که رکن و هدف اصلی عبادت و بندگی است، محو می شود.

از این رو اندیشمندان غربی با توجه به تنوع دیدگاه هایشان بیشتر از اندیشمندان مسلمان به تحلیل صورت نمازگزاری پرداخته اند و در تحلیل ریشه ها و پی آمدهای نماز بیشتر به بازتاب های روحی و روانی نمازگزاری و نقش آن در آرامش درونی توجه کرده اند. همچنین آثار اجتماعی نماز را به بحث کشیده اند، ولی آن ها نمی توانند به ظرافت ها و لطافت های عبادت و مناجات و لذت سخن با معبود اشاره کنند. چون دیدگاه آن ها در مورد دین و عبادت غیر از دیدگاه اندیشمندان اسلامی است. به عبارت دیگر، آن ها نتوانسته اند به خشوع، حضور قلب، معانی باطنی، آداب ظاهری و آثار فراجاهانی نماز اشاره کنند؛ نمازی که در کلام دانشمندان غربی بیان شده روح عبادت ندارد و تنها از باب رفع فشارهای روحی و یک نوع تجربه دینی است.

به طور کلی منطق نیایش و فرهنگ بندگی در کلام اندیشمندان غربی با مبانی عقیدتی در نظام علمی و عملی اندیشمندان مسلمان متفاوت است؛ زیرا آن ها بیشتر با دید عرفانی به نماز نگریسته و نماز را کامل ترین سیر و سلوک به سوی خدا دانسته اند. با وجود این که در مجموع، آثار مکتوب عارفان مسلمان اندک است، ولی در مورد نماز، کتاب های متعددی در میان آثار عرفای اسلامی به چشم می خورد.

### فلسفه وجوب نماز:

اولین فریضه ی که پیامبر اکرم (صلی ا... علیه و آله) برای امت آورد، نماز است و آخرین فریضه ی که تا هنگام مرگ از انسان ساقط نمیگردد و موظف است که آنرا به هرنحوی به جا آورد، نماز است.

همه مسلمانان دوست دارند که در نزد خداوند قرب و منزلت پیدا کنند، بهترین وسیله تقرب به خداوند نماز است، «الصلوة قربان کل تقی» (کتاب فروع کافی جلد ۱، ص ۲۶۵).

نماز موجب نزدیکی هر پرهیزکار است. همه مسلمانان دوست دارند قلب آنان آرام گیرد، بهترین وسیله آرامش روح و قلب، نماز است. زیرا نماز یاد خداوند است «اقم الصلوه لذكری» (سوره طه، آیه ۱۴). نماز را برای من به پا دارید «الا بذكر الله تطمئن القلوب» (سوره رعد، آیه ۲۸). همانا به یاد خداوند قلبها آرام می گیرد. همه مسلمانان دوست دارند که بهترین عمل را انجام دهند، بهترین عمل نماز است. حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «اوصیکم بالصلوه وحفظها فانها خیر العمل» (کتاب بحار الانوار، ج ۸۲ صفحه ۲۰۹).

سفارش می کنم شما را به نماز و محافظت از آن که همانا بهترین عمل است. همه مسلمانان دوست دارند که گناهانشان آمرزیده شود، بهترین وسیله آمرزش گناه، نماز است. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «من اتی الصلوه عارفا بحقها غفر له»، هر کس نمازی با معرفت به جا آورد آمرزیده می شود. (کتاب خصال، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۲۸). همه مسلمانان دوست دارند به سعادت و رستگاری نائل شوند، بهترین وسیله سعادت نماز است، «قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی»، به تحقیق رستگار شد کسی که پاکیزه گشت و یاد کرد نام خداوند را و نماز گزارد. (سوره اعلی، آیات ۱۴ و ۱۵).

نماز، پایه و ستون دین شما است. نماز وسیله تقرب مؤمن. نماز، پرچم اسلام است. علامت و نشانه ایمان نماز است. نماز نور مؤمن است. همانا نماز خواندن وسیله نزدیکی مؤمن به خداست. میزان اعمال خیر موضوع و نور چشم پیامبر اکرم (صلی ا... علیه و آله) است. بعد از نماز دعا مستجاب میگردد. نماز بهترین شعار انبیا و اولیای گرامی است. نماز عالی ترین وسیله راز و نیاز با خداست و نماز بهترین وسیله ارتباط مستقیم بنده مخلص با پروردگار مهربان است.

### پاسخ امام رضا (علیه السلام) پیرامون علت وجوب نماز:

امام رضا (علیه السلام) می فرمایند: علت اینکه نماز بر مردم واجب شد آن است که: نماز گزار به ربوبیت خدای متعال اقرار و اعتراف کند و هر گونه شریکی را از ساحت قدس او دور میکند و در پیشگاه خداوند جل و جلاله با حالت خواری و بیچارگی و فروتنی و با اعتراف به ضعف خویش می ایستد و چشم پوشی از گناهان گذشته خویش را از حضرتش خواستار است. هر روز صورت بر زمین میگذارد تا بدین وسیله



تعظیم خدای عزوجل بنماید و همیشه به یاد خدا باشد و آنی او را فراموش نکند و سرکشی و طغیان ننماید تا اینکه حالت دل شکستگی و تذکر را از دست نداده و خواستار و راغب و افزایش دین و دنیای خود باشد. نکته قابل توجه این است که : نماز موجب یاد خدا و تداوم ذکر او در تمام شبانه و روز می باشد تا بنده سور و تدبیر کننده و آفریننده خود را فراموش ننماید که اگر فراموش کرد، ناسپاسی کند و گردنکشی آغاز دوری یاد خدا و ایستادن به نماز در پیشگاهش او را از همه گناهان باز میدارد و از هر گونه فساد و تباهی جلوگیری می کند. (وسائل الشیعه ، ج ۳ ، باب ۱ ، ابواب اعداد الفرائض ، ج ۷ ، ص ۴).

### چرا در پنج وقت پنج نماز واجب شد؟

اقامه نماز در پنج وقت و ادای هر نماز در وقت فضیلت خود شیوه پیامبر و پیشوایان دیگر وعموم مسلمانان صدر اسلام بوده و آنان غالباً پنج نماز را در پنج وقت می خواندند . از آنجایی که هیچ اموری بدون علت و هیچ فریضه ی بدون فلسفه نیست، نمازهای یومیه نیز دارای حکمتی می باشد که به همین جهت خداوند بزرگ فریضه یومیه را در پنج وقت تحت شرایطی بر بندگانش فرض و واجب نموده است.

از امام حسن مجتبی (علیه السلام) روایت است که ایشان فرمودند : عده ی از یهودیان به محضر پیامبر اکرم (صلی ... علیه و آله) شرفیاب شدند، داناترین شان مسائلی را از پیامبر (صلی ... علیه و آله) پرسید، از جمله پرسش های او این بود : ای رسول خدا ، خبر بده مرا که خداوند برای چه و به چه علت این نماز پنج گانه را در پنج وقت از شبانه و روز بر امت تو فرض و واجب کرد؟

پیامبر اکرم (صلی ... علیه و آله) فرمودند: اما نماز عصر و آن در ساعتی است که آدم ابوالبشر از میوه ممنوعه خورد و از بهشت خارج شد، پس خداوند ذریه حضرت آدم را امر به نماز عصر کرد و خداوند این نماز را برای امت من نیز اختیار نمود و این نماز از محبوب ترین نمازها به پیشگاه حضرت حق است.

اما نماز مغرب و آن ساعتی است که خداوند توبه حضرت آدم را در آن ساعت پذیرفت که ۳۰۰ سال پس از خوردن حضرت آدم از میوه منهییه تا قبول توبه اش به طول انجامید. مغرب وقتی است که دعا در آن مستجاب است.

اما وقت نماز عشاء : پس به راستی در قبر و در روز قیامت ظلماتی است ، لذا پروردگارم به من و امتم به نماز عشاء امر فرمود برای نورانیت قبر و روشن ساختن آن و اینکه به من و امتم نوری روی صراط عطا فرماید و این نمازی است که پروردگار متعال برای مرسلین و انبیای قبل از من اختیار نموده است.

اما نماز صبح : پس همانا آفتاب وقتی طلوع میکرد گویا بر شاخهای شیطان طلوع میکرد ، پس خداوند امر فرمود که قبل از طلوع خورشید و قبل از آنکه کافر برای آفتاب سجده کند ، نماز صبح بخوانم تا آنکه امتم برای خداوند سجده نمایند.زود به جا آوردن آن در پیشگاه خداوند محبوبتر است.این نمازی است که هم ملائکه شب و هم ملائکه روز،شاهد و ناظر بر آن می باشند.

از روایات استفاده می شود که نماز صبح مشهود فرشتگان شب و روز است ، زیرا در آغاز صبح فرشتگان شب که مراقبان بندگان خدایند، جای خود را به فرشتگان روز می دهند و چون صبح در همان آغاز طلوع اقامه میگردد، هر دو گروه آنرا مشاهده می کنند و بر آن گواهی می دهند.

### **علت وجوب نماز از نظر فلسفی:**

بر خداوند تعالی که شارع دین می باشد واجب است که افعال و اعمال را بر مردم مقرر گرداند تا به آنها به تعالی و تقرب خداوند برسدو همچنین به یاد مبدا و معاد باشندو نیز واجب است که این اعمال مشتمل بر تذکر خداوند و بازگشت به سوی او باشد والا هیچ فایده ی در آنها مندرج نمی باشد و این تذکر و یاد آوری باید همراه با الفاظی باشد که دلالت بر آن اعمال دارد که موجب تقرب به سوی خدا و مستوجب خیرات بسیار و سعادهای بزرگ گردد.

این اعمال در افعال چیزی جز عبادات واجب شده بر خلق نیست. افضل این عبادات همان عباداتی است که بصورت متوالی و بدون وقفه واجب شده و مخاطب آن خداوند است که با او مناجات میکند و بسوی او حرکت میکند و از بدنش جدا میگردد و با باطنش به عالم قدس توجه میکندو خداوند آنرا واجب گردانیدتافاعل آن به لذت فراوان وسعادت کامل وخیر برتر دست یابد.

پیامبر اکرم(صلی ... علیه و آله) می فرمایند: « المصلی مناج ربه » ، مسلما این مناجات با خداوند عز وجل با اعضای جسمانی و حواس بدنی نمی باشد، زیرا این راز و نیاز و مکالمه ، مکان و زمان معینی ندارد و شکل و منظر مشخصی نمی خواهد، چون خداوند واحد ومنزه است از اینکه در جهتی از جهات باشد

تا به او اشاره شود و یا ذاتش در یکی از اوقات تغییر کند پس چگونه انسان دارای شکل و جسم، با او مناجات کند؟ جسم عادت دارد که با کسی مجالست و گفتگو کند، کهاو را ببیند و به طرف او اشاره کند، پس این گفته پیامبر اکرم (صلی ا... علیه و آله) اشاره به مناجات نفوس مجردی است که فارغ از حوادث زمانی در جهات مکانی می باشند. (حکیم قاضینی، رسائل فلسفی، عرفانی، ص ۱۰۹ تا ۱۱۳).

بوسیله نماز بنده به درجات عالی می رسد، چرا که نماز تسبیح و تحلیل و تحمید و تکبیر است و گفتاری است حق و دعوتی است به سوی حق پیامبر (صلی ا... علیه و آله).

### نماز از دیدگاه روایات :

امام رضا (علیه السلام) می فرمایند: نماز صله و موهبتی است از جانب خدا، وقتی که نمازگزار با نیت داخل نماز شود و با تعظیم و اجلال برای خداوند تکبیر گوید و با ترتیل قرآن میکند و با خشوع به رکوع رفته و با تواضع از رکوع بر می خیزد و با خضوع سر به سجده می گذارد و با اخلاص تشهد می خواند سرانجام در حالتی بین خوف و رجا نمازش را با رغبتی تمام و با امید به رحمت الهی سلام داده به پایان می رساند و درچنین حالتی معنای حقیقی نماز را در خواهد یافت.

از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که نماز، عطیه الهی و احسانی است که از طرف خداوند برای بنده که از راه رحمت و عنایت به او بخشیده است. (الصلوه صله ا... للعبد بالرحمه).

امام حسن عسگری (علیه السلام) می فرمایند: «الصلاه هی الولایه» نماز به معنای ولایت است. (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۸۳).

پیامبر اکرم (صلی ا... علیه و آله) فرمودند: «الا ان الصلاه ما دبه ا... فی الارض». نماز سفره گسترده در زمین است.

مثل نماز همانند نهری جاری است: «أرأیتم لو أن بباب أحدکم یغتسل منه خمس مرات هل یبقی من درنه من شیء؟ قالوا لا قال فذلک مثل الصلوات الخمس یمحو الله بهم الخطایا؛ آیا اگر مشاهده کردید که جوی آبی بر منزل یکی از شما باشد که هر روز پنج بار در آن شست و شو کند، آیا از چرک و ناپاکی او چیزی باقی می ماند؟ گفتند: نه، فرمود این مثل نمازهای پنج گانه است که خداوند گناهان را به وسیله ی آن ها محو می کند». (نهج الفصاحه، ص ۶۹۵-۶۹۶).

از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: « رکعتان مقتصدتان فی تفکر خیر من قیام لیلہ ؛ دو رکعت نماز میانه با تفکر، بهتر از قیام یک شب به عبادت است ».(بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۱).

در حدیثی دیگر آمده است: « نوم علی علم خیر من صلاه علی جهل؛ خوابی که با علم باشد (خواب عالم) از نمازی که با جهل باشد، بهتر است. »(نهج الفصاحه، ص ۶۳۳).

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: « لیکن اکثر همک الصلاه فانها راس الاسلام بعد الاقرار بالدين، باید که تمام تلاشت در مورد نماز باشد که آن، پس از اقرار به دین، همچون سر است برای اسلام. »(بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۲۹).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: « حسب الرجل من دینه کثره محافظته علی اقامه الصلوات، در دینداری شخص همین بس که به نمازهای خود شدیداً رسیدگی می کند. » (میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۰۰).

« رکعه من عالم بالله خیر من الف رکعه من متجاهل بالله، یک رکعت از عالم به خدا بهتر است از هزار رکعت از جاهل به خداوند. »(نهج الفصاحه، ص ۳۵۰).

مطابق سخنان امامان ما، عبادت نادان (جاهل متنسک) نه تنها سودی برای دین ندارد، بلکه موجب ضربه به دین خواهد شد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «مثل الصلاه مثل عمود الفسطاط اذا ثبت العمود نفعت الاطناب و الاوتاد و الغشاء و اذا انکسر العمود لم ینفع طنّب و لا وتد و لا غشاء؛ مثل نماز مانند ستون خیمه است، هرگاه ثابت و استوار باشد طناب ها و میخ ها مفید خواهند بود و هرگاه ستون شکسته شود از میخ و طناب و پرده سودی حاصل نشود. »(میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۶۹).

چنان که امام صادق (علیه السلام) از آن به «شکستن کمر خود» تعبیر می کنند: « قطع ظهري اثنان: عالم متهتك و جاهل متنسک...؛ دو گروه کمر مرا شکستند: عالم گنهکار و عبادت کننده ی نادان... » (میزان الحکمه، ج ۶، ص ۵۰۹).

امام صادق علیه السلام می فرماید: « ان الحسن بن علی علیه السلام کان اذا اقام فی صلاته ترتعد فرائضه بین یدی ربه عزوجل...؛ حسن بن علی علیه السلام هنگامی که به نماز می ایستاد، در مقابل پروردگارش - عزوجل - مفاصلش می لرزید. »(بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۷).

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «إن أول ما يحاسب به العبد الصلاه فإن ما سواها ؛ اولین چیزی که بنده برای آن محاسبه می شود نماز است پس اگر پذیرفت شد ، ( اعمال ) غیر آن ، پذیرفته می شود». ( همان ، ص ۱۹ ).

## نماز از دیدگاه قرآن :

نماز به عنوان برترین آیین عبادی و رکن معنویت و ارتباط با خداوند است .  
درخواست حضرت ابراهیم (علیه السلام ) چنین بوده است که: «رب اجعلنی مقيم الصلوة و من ذریتی، پروردگارا، من و ذریه ام را برپا دارنده نماز قرار ده ». ( سوره ابراهیم ، آیه ۴۰ ).  
به حضرت موسی (علیه السلام) در کوه طور خطاب شد: « اننی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی و اقم الصلوة لذكری؛ همانا من الله هستم، معبودی جز من نیست مرا پرستش کن و نماز را برای یاد من برپا دار ». ( سوره طه ، آیه ۱۴ ).

حضرت عیسی (علیه السلام) می گوید: «... و اوصانی بالصلوة والزکاة ما دمت حیا...» و مرا توصیه به نماز و زکات مادام که زنده ام کرده است». (سوره مریم ، آیه ۳۱ ).  
در آیین مقدس اسلام «نماز» جایگاه ویژه ای دارد و در قرآن کریم بر آن تاکید فراوان شده است .  
قرآن کریم در مورد حضرت اسماعیل صادق الوعد (که این غیر از اسماعیل فرزند حضرت ابراهیم است) می فرماید :

«و کان یامر اهله بالصلوة والزکوة...» و این پیامبر پیوسته خاندان خود را امر به نماز و زکات می کرد...». (سوره مریم ، آیه ۵۵ ).

در قرآن کریم خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله ) « امر اهلک بالصلوة واصطبر علیها...» ، و خانواده خود را به نماز دستور ده و بر انجام آن شکیبا باش... » ( سوره طه ، آیه ۱۳۲ ).

نماز، جلوه برجسته یاد خداست و « الا بذكر الله تطمئن القلوب ، دل آرام گیرد ز یاد خدای » ( سوره رعد ، آیه ۲۸ ).

« واستعينوا بالصبر والصلوة وانها لكبيرة الا على الخاشعين، از صبر و نماز یاری جوئید (وبا استقامت و کنترل هوس های درونی و توجه به پروردگار نیرو بگیرید) و این کار جز برای خاشعان سنگین است ». (سوره بقره، آیه ۴۵).

اقامه ی نماز به جای آوردن نماز با خشوع است. « قد افلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون ، به تحقیق مؤمنان رستگار شدند آنها که در نمازشان خشوع دارند ». خشوع به معنای تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا می شود و آثارش در بدن ظاهر می گردد .

### فضایل نماز:

پیامبر (صلی .. علیه و آله ) : خداوند نماز را نور چشم من قرار داده است. پیامبر (صلی .. علیه و آله ) در توصیه به یار با وفای خود ابوذری می فرماید: « یا اباذر جعل الله قره عینی فی الصلاه و حبيب الى الصلاه كما حبيب الى الجائع الطعام و الى الظمان و ان الجائع اذا اكل شبع و ان الظمان اذا شرب روى و انا لا اشبع من الصلاه ... قلت فای الصلوه افضل قال : صول القنوت ، ای اباذر ! خداوند روشنی چشم مرا در نماز قرار داده و نماز را چنان محبوب من ساخته که غذای لذیذ را برای گرسنه، و آب گوارا را برای تشنه محبوب قرار داده است. همانا گرسنه از غذا و تشنه از آب سیر می گردد ، ولی من از نماز هرگز سیر نمی گردم... پس اباذر پرسید: یا رسول الله... کدام نماز افضل و برتر است؟ حضرت فرمود: نمازی که قنوتش طولانی باشد.». ( مکارم الاخلاق ، ج ۲ ، ص ۴۶۱ و ۴۷۲ ).

### برای نماز گزار سه موهبت بزرگ الهی است

حضرت امام باقر ( علیه السلام ) می فرماید:

« للمصلی ثلاث خصال ، اذا هو قام فی صلاه حفت به الملائکه من قدمیه الى اعنال السماء و یتناثر البر علیه من اعنال السماء الى مفرق راسه و ملک مکل به ینادی لو يعلم المصلی من یناجی ما انفضل ، برای نماز گزار هنگام اشتغال به نماز سه خصلت است : از قدمش تا به آسمانها ملائکه او را احاطه می نمایند و از آسمانها تا بالای سرش خیر و احسان نثار می شود و فرشته ای که بر او موکل است می گوید:

اگر این نماز گزار بداند که طرف مناجات او کیست ، از نماز خویش جدا نمی گردد» .  
( من لایحضره الفقیه، ج ۱ ، باب فضل صلو، ج ۶۳۶).

## نماز از دیدگاه عقل و وجدان

یکی از حقوق انسانی ، سپاس از محبت و نیکی دیگران است . حتی اگر مسلمان نباشیم . احسان و نیکی دیگران به عهده ی ما مسئولیت تشکر می گذارد . این حق ، نسبت به هر زبان و نژاد و ملیت و کشور ، یکسان است. هر چه لطف و نیکی بیشتر و نیکی کننده بزرگتر باشد ، تشکر هم باید بیشتر و بهتر انجام گیرد.

آیا کسی بیشتر از خدا بر ما حق دارد ؟ ... خیر چرا که نعمت و نیکی او درباره ی ما بشمار است ، و خودش نیز وجودی عظیم و فیاض می باشد .

خداوند ، ما را از یک سلول آفرید ، و هر چه نیاز حیات ما بود ، از قبیل : نور ، حرارت ، مکان ، هوا ، آب ، اعضاء ، غرائز ، قوا ، طبیعت گسترده ، گیاهان و حیوانات ، هوش و عقل و عاطفه و ... برایمان فراهم کرد و برای تربیت معنوی ما ، رسولان خویش را فرستاد و احکام سعادت بخش مقرر کرد و حلال و حرام ، وضع نمود و « حیات مادی » و « حیات روحی » ما را از هر جهت ، برخوردار از ابزار و وسائل کمال ساخت و همه شرایط رشد و بهروزی و سعادت دنیوی و اخروی ما را فراهم نمود . چه کسی بیش از خداوند به ما نیکی کرده ، که بیش از او شایسته ی ادای حق باشد .

به قول سعدی : هر نفسی که فرو می رود ، ممد حیات است و چون بر می آید ، مفرح ذات ، پس در هر نفسی دو نعمت موجود است . و بر هر نعمتی شکری واجب .

از دست و زبان که بر آید      کز عهده ی شکرش به در آید

او ما را از هدایت انبیاء و معصومین برخوردار ساخت . جهان و طبیعت را مسخر انسان کرد و به او قدرت بهره بردن از مواهب طبیعت و کشف رازهای جهان و استفاده از آن در مسیر فلاح و زندگی خویش داد .

برگ ها و گیاهان کربن هوا را می گیرند و اکسیژن می سازند .

قطرات باران ، هوا را صاف و سالم می کنند. نهنگ ها ماهیان مرده دریاها را می بلعند تا آب ها بدبو نشوند.

چشم های ما، هر لحظه ، از زاویه های مختلف عکسهای گوناگون و دقیق از همه چیز می گیرد.

اگر لب ما نرم نبود، قدرت حرف زدن نداشتیم. اگر اشک، شور نبود، چشم ما که از پی آفریده شده، خراب می شد. اگر آب ها تلخ و شور بود، درختان نمی روئیدند. اگر زمین، جاذبه نداشت، واگر فاصله خورشید به ما نزدیک تر بود. اگر هنگام تولد مکیدن را نمی دانستیم، اگر مهر پدر و مادر نبود، و هزاران « اگر » دیگر ... آیا می توانستیم به زندگی ادامه دهیم؟ البته نه درصدد بر شمردن نعمت های خداییم و نه از عهده ی آن بر می آییم؛ که خداوند خود فرمود اگر نعمت های الهی را بشمارید، نمی توانید آنها را به حساب آورید.

باری ... اگر یک میلیونیم این نعمت ها را از کسی دیگر دریافت می کردیم، همه ی عمر مدیون و سپاسگزار او نبودیم. وظیفه ی انسانی و وجدانی ما، ایجاب می کند که سپاس نعمت های الهی را ادا کنیم و به شکرانه ی آن همه نیکی، نماز بخوانیم و او را بپرستیم. چون او ما را آفریده، ما هم او را عبادت کنیم و بنده ی او باشیم تا بنده و برده شرق و غرب نشویم.

نماز، تشکر از خداوند است و هر انسان عاقل و با وجدانی، به لزوم نماز پی می برد. وقتی یک سگ، در مقابل استخوانی که به او می دهند، حق شناسی می کند و دم می جنباند و اگر دزد و بیگانه ای وارد خانه شود، به او حمله می کند، اگر انسان نسبت به این همه نعمت پروردگار، بی تفاوت باشد و از روحیه ی سپاسگزاری که به صورت « نماز » جلوه گر می شود، بی بهره باشد، آیا در قدر شناسی کمتر از سگ نیست؟! ...

## چند سوال و جواب

سوال: مگر خداوند به تشکر ما نیاز دارد؟

جواب: هر گز! قدر دانی از یک لطف، ارزشی برای ماست و نشانه ی انصاف ماست، نه اینکه نشان نیاز خدا به نماز ما باشد، اگر معلمی به شاگردش گفت: از زحمات من قدر دانی کنید و خوب درس بخوانید، شاگرد نباید خیال کند که خوب درس خواندن او و قدر دانی، مورد نیاز معلم است. بلکه کمال شاگرد را می رساند.

سوال: اگر بناست از نعمت های الهی تشکر کنیم، چرا حتماً نماز بخوانیم؟

جواب: وقتی اصل لزوم تشکر را قبول کردیم، چگونگی آن باید طبق دستور باشد. وقتی مراجعه ی بیماری به پزشک، ضروری تشخیص داده شد. چگونگی مصرف دارو، تابع دستور پزشک است. برای اینکه در تشکر ها سردرگم نشویم و یاوه نگوییم، باید طبق خواسته ی خدا سپاس انجام دهیم.



یک خلبان ، همین که پرواز را پذیرفت ، در هر کجای دنیا که خواست ؛ با برج مراقبت تماس بگیرد ، باید به زبان انگلیسی سخن بگوید . پس نحوه ی تشکر را باید از دستور الهی و اولیا خدا فرا بگیریم .

سوال: تشکر در برابر نعمت ها درست ، ولی آنکه در میان ناگواریها زندگی می کند ، او چرا باید تشکر کند؟  
جواب: اولاً بیشتر ناراحتی ها به دست خود ما فراهم می آید ، مثلاً با رعایت نکردن بهداشت، مریض می شویم ، و با درس نخواندن تنبلی، دچار رکود در زندگی می گردیم، در انتخاب دوست، دقت نمی کنیم، گرفتار می شویم ...

ثانیاً: تلخی ها را باید در کنار شیرینی ها حساب کرد و بلاها را در کنار نعمت های بی شمار دید.  
ثالثاً: گاهی سختی ها بلا ها ، باعث کمال روح و صیقل خوردن جان و سبب ترقی معنوی می باشد و دلها از غیر خدا بریده ، به او متوجه می شود.

## نماز ، نیاز روح

برای آگاهی از این مطلب که آیا نماز نیاز روح است یا نه، مقدماً توضیحی را ارائه می دهیم.

در بحث علت و معلول برای اینکه دریابند چه چیزی علت پدید آمدن معلول است، دوکار انجام می دهند. به بیان دیگر از دو راه می توان رابطه ی بین علت و معلول را به دست آورد. اول اینکه عاملی را بوجود می آورند و آثار آن را مشاهده می نمایند، دوم اینکه عاملی را حذف می نمایند و آثار حذف آن را بررسی می کنند و نتیجه می گیرند که حذف آن عامل، سبب پدید آمدن این آثار شده است.

شکی نیست که بشر در جهان مادی امروز گرفتار است و آثار سوء تمدن در همه جا مشاهده می شود. حال این پرسش ها مطرح می شود که چه عاملی حذف گردیده که شاهد این آثار سوء هستیم؟ چه عاملی حذف شده که امروزه صنعت و علم و دانش بشر در خدمت گناه و آلودگی قرار گرفته است؟ انجام این امور غیرعقلایی که بشر با دست خود انجام می دهد و سرنوشت رقت آوری را برای خود ترسیم می نماید، به خاطر از دست دادن چه چیزی است؟

بیماری هایی که همه روزه از طریق روزنامه ها و گزارش های تلویزیونی از آن مطلع می شویم و علم امروز نیز نمی تواند با آنها مقابله کند و برخی از آنها به مراتب خطرناکتر از سرطان است، همه آثار تمدن، منهای معنویت است.

به طور قطع اینها آثار و مقتضای علم نیست، آثار ابزار نیست. اینها تبعات حذف چه چیزی از زندگی بشر است؟ درحالی که مشاهده می کنیم امکانات و وسایل رفاهی بشر بهتر شده است! گاهی شنیده می شود که می گویند: مثلاً اگر پارک باشد گناه کمتر می شود، مگر در گذشته که گناه کمتر صورت می گرفت، شهرها پارک داشتند؟ ما منکر خوبی پارک نیستیم، زیرا قطعاً درختان و سبزه ها، خدمتگزاران خوبی برای فضای سالم هستند و فضای مناسبی برای زندگی و تنفس ما و سایر موجودات زنده فراهم می سازند، اما آیا اگر مراکز تفریحی ایجاد گردد، قضیه حل می شود و دیگر مشکلی وجود نخواهد داشت؟ راستی حذف چه چیزی سبب شده است که حتی مراکز تفریحی تبدیل به جهنم گردد؟ با اندک تأملی پاسخ این سؤال را درمی یابیم، و آن حذف خدا و یاد او از زندگی است، قطع ارتباط با خدا و زیباترین جلوه ی آن یعنی نماز است!

روشن است که روح آدمی نیازمند به غذاست. طبیعی است که چنانچه غذای آن تأمین نشود، بازتاب ها و انعکاس های نابهنجاری در پی دارد. همانند انسان گرسنه که کارهای عجیب و غریب و حتی غیرارادی انجام می دهد و هرچه را بیابد برای رفع گرسنگی و نجات خویش از مرگ می خورد. او دست به کارهایی می زند که با عقل و منطق سازگار نمی باشد و انتخاب های وی اصلاً صحیح نیست و اصولاً فرصت و موقعیتی برای انتخاب و گزینش ندارد، روح گرسنه ی انسان نیز این گونه است!

اینکه می بینیم بشر هرروز به سراغ مکتبی و «ایسمی» می رود و حتی گاهی به پوچ گرایی پناه می برد، از همین بابت است. امروزه بشر در شرایطی است که اگر حتی دیوانه ای هرسخنی را به عنوان یک ایسم و مکتب مطرح نماید، فوراً هزاران انسان از او طرفداری می کنند!

«مارکس» حرف هایی زد و آن همه دنیا از آن استقبال کرد، اما عالم بشری پس از گذشت هفت دهه متوجه شد که حرف های مارکس مزخرفاتی بیش نبوده است. امروزه نیز اگر نویسنده ای مطلب نادرستی را به شکل رمان درآورد، همان مطلب، مسیر گروهی از انسانها را مشخص می نماید. راستی چرا چنین است؟!

پاسخ روشن است: طبیعت انسان یک روح گرسنه است، گاهی به الکل پناه می برد و گاهی به هروئین. گاهی به مکتبی می گردد و گاهی باند قاچاق تشکیل می دهد و گاهی نیز درصدد قتل و آزار دیگران برمی آید. آیا بشر امروز مضرات و پی آمدهای ناگوار اینها را نمی داند؟ به طور قطع از آن آگاه است.

او روحش گرسنه است و در اندیشه ی آن است که روح گرسنه ی خویش را سیر کند. اینها تلاش های روح گرسنه است. بنابراین، بشر امروز باید بیندیشد که چه غذایی را از دست داده است.

امروزه بسیاری از قلب‌ها آرامش ندارد، زیرا یاد خدا در آن نیست!

قرآن می‌فرماید: «الا بذكر الله تطمئن القلوب» (دل آرام گیرد به نام خدای)

و اکنون به این نتیجه می‌رسیم که یاد خدا و زیباترین و بهترین تبلور آن یعنی نماز، نیاز روح انسان و غذای ضروری آن است و خسران آدمی از آنجا شروع می‌شود که از این موهبت الهی و غذای روحی بی‌بهره بماند. آری، نماز غذای روح انسان هاست، نماز همانند شیر مادر هم رشد دهنده است و هم نابود کننده‌ی میکروب‌ها، معجون و مجموعه‌ای است که چنانچه انسان از آن استفاده کند، به سوی سعادت، فلاح و رستگاری حرکت می‌نماید و اگر از آن بهره مند نشود، عوارض ناگواری متوجه او خواهد شد. هم عوامل ضد رشد را از بین می‌برد و هم روح را متعالی می‌سازد. معجونی که به دلیل این همه آثار، درباره‌ی آن گفته شده است: «الصلاة خير موضوع»

## روش‌های اقامه‌ی نماز

برای گسترش و تعمیق فرهنگ اقامه‌ی نماز و اقامه‌ی شایسته این فریضه‌ی بزرگ الهی در خانواده و اجتماع، راه‌ها و روش‌هایی توصیه شده است.

## الف: روش‌های اقامه‌ی نماز در خانواده

### ۱. سفارش پدر و مادر

یکی از راه‌های اساسی اقامه‌ی نماز و شاید مهم‌ترین و اولین آنها و از روش‌های خنثی‌سازی تفرندهای شیطانی در موضوع اقامه‌ی نماز، توصیه و سفارش و دستور اولیای خانه به سایر اعضا، برای اقامه‌ی نماز و ایجاد جو توصیه و امر به نماز در جامعه از درون خانه است و این روش انبیاست. قرآن در موارد متعددی در این باب سخن دارد که بیانگر اهمیت سفارش به نماز و نقش ارزنده‌ی آن در اقامه‌ی نماز است.

## سیره‌ی حضرت اسماعیل (ع)

قرآن در مقام تعریف و تمجید از حضرت اسماعیل (ع) می‌فرماید: «وكان يأمر أهله بالصَّلوة و الزَّكوة» (او خاندانش را، به نماز و زکات امر می‌نمود).

نکته‌ی قابل توجه در این آیه استفاده از کلمه‌ی «وكان يأمر» است، که دلالت بر استمرار و پیوستگی دارد، بدین معنا که او به طور مرتب و پیوسته اهل خود را به نماز سفارش می‌کرد و از آنها می‌خواست که نماز را به پا دارند.

## سیره‌ی حضرت لقمان

قرآن در سوره‌ی لقمان در بیان پندها و اندرزها و توصیه‌های حضرت لقمان به فرزندش این چنین می‌فرماید: «يا بني اقم الصَّلوة و أمر بالمعروف و ائنه عن المنكر و اصبر على ما اصابك» (فرزندم نماز را به پای دار، امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مشکلات استقامت داشته باش).

## سیره‌ی پیامبر اسلام (ص)

قرآن خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (خاندانت را امر به نماز کن و در این راه استقامت نما).

«به موجب این آیه‌ی شریفه که به نظر بسیاری از مفسران در مدینه نازل شده است، خداوند از پیامبر اسلام (ص) می‌خواهد که اهل بیت خود را به نماز دعوت نماید، گرچه مایه‌ی تعجب است که برخی مفسران سعی می‌کنند، «و امر اهلک» را به «امر به امت و ملت» معنا می‌کنند. در حالی که نیاز به چنین کاری نیست و دلیلی بر آن نیز نداریم. از نظر لغت «اهل الرجل» یعنی نزدیکترین افراد به یک انسان.»

هنگامی که این آیه نازل شد، بر طبق برخی از روایات، مدت چهل روز و برخی دیگر شش ماه، پیامبر هنگام نماز مقابل خانه‌ی علی (ع) و زهرا (س) می‌آمدند و می‌فرمودند: «السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته». آن گاه دستهای خود را می‌گشودند و دو طرف در خانه را می‌گرفتند و می‌فرمودند: «الصلاة الصلاة یرحمکم الله» (نماز! نماز! خداوند شما را رحمت فرماید) سپس آیه‌ی شریفه‌ی «إِنَّمَا یُرِیدُ اللهُ لَیْذْهَبَ عَنْکُمُ الرِّجْسُ اهل البیت و یطهرکم تطهیراً» را قرائت می‌کردند و به طرف مسجد تشریف می‌بردند.

این سیره‌ی پیامبر بیانگر چند نکته‌ی اساسی است، از جمله اهمیت نماز و مسئولیت اولیاء. گرچه اهل بیت پیامبر خود از ائمه‌ی نمازگزاران بودند و میزان توجه و عنایت آنها به نماز مشهور و معروف است، اما این روش پیامبر نقش آموزشی و تربیتی و الگویی زیبایی دارد.

جایی که پیامبر در خانه‌ی علی و زهرا و فرزندان‌شان که از عابدترین افراد زمانه هستند اعلام می‌فرماید: نماز! نماز! این درسی است برای همه‌ی پدران و مادران که این امر تکلیف آنهاست. آنها باید نسبت به نماز فرزندان‌شان مراقب و مواظب باشند و دچار غفلت و بی‌توجهی نگردند.

نکات آیه:

نکته اول: وجود پیوند محکم بین نماز و تقوی است. پایان آیه گویای پایان خوش و خوبی برای تقوی پیشگان است. بدیهی است این مکتب نماز است که جامعه را به سوی تقوی سوق می‌دهد و جامعه‌ی بی‌نماز نمی‌تواند جامعه‌ی پرهیزگاران و رستگاران باشد.

نکته‌ی دوم: اشاره به این مطلب آموزنده است که مادیت و زرق و برق دنیا چشم‌ها را خیره نسازد! حسن عاقبتی برای اینگونه امور نیست! تصور نگردد، چنانچه فرد و جامعه پول‌دار شد و یا مشکلات اقتصادی آنها برطرف گردید، عاقبت خوبی در انتظار آنهاست، خیر، عاقبت برای تقوی است و تقوی هم راهش این است: و أمر اهلك بالصلوة.

## مسئولیت پدر و مادر

بدیهی است که اگر در منزل زمزمه‌ی نماز و توصیه به آن وجود داشته باشد و هریک از اعضای خانواده، یکدیگر را سفارش و امر به اقامه‌ی نماز نمایند، کانون خانواده تبدیل به کانون مقاومت و ایستادگی در مقابل تلاش‌های شیطانی می‌گردد و بالطبع جامعه نیز اینگونه خواهد بود، زیرا جامعه چیزی جز مجموعه‌ی خانواده‌ها و آحاد انسانها نیست و چنین جامعه‌ای از ناحیه‌ی عناصر ضد نماز، لطمه‌ای نخواهد دید.

لکن هنگامی که در داخل خانه توصیه و توجهی نسبت به نماز مشاهده نشود و پدرها و مادرها بر این باور باشند که تنها مسئولیت آنها سیر کردن شکم فرزندان و پوشاندن ظاهر آنهاست، اما از لحاظ تربیت فکری

و روحی مسئولیتی ندارند و چنانچه اندیشه‌ی فرزند آنها از دیگران باشد، یا روحش مبتلا به انواع بیماری‌های مزمن گردد و یا زخم‌ها و جراحات گناه، روح او را متعفن سازد و دیگران را نیز بیازارد، ارتباطی به آنها ندارد. این باور، باور صحیحی نیست، بلکه غلط و خطرناک است!

بدیهی است که حیات انسان در حیات معنوی اوست و آدمیت او وابسته به روح وی است. روح مرده در بدن زیبای زیبا، نشان دهنده‌ی انسانیت انسان نیست، بلکه این روح شاداب و متدین است که در هر قیافه‌ای جلوه‌گر شود، انسانیت تحقق پیدا می‌کند.

### هشدار پیامبر(ص) به پدران و مادران

پیامبر اکرم(ص) روزی نگاه مبارکشان به گروهی از کودکان افتاد فرمودند: (وای بر احوال فرزندان آخرالزمان از دست پدرانشان)

سؤال کردند: یا رسول الله(ص) از دست پدران مشرکشان؟

فرمودند: (نه از دست پدران مؤمن و مسلمانشان، چیزی از واجبات و فرائض را به فرزندانشان نمی‌آموزند و اگر فرزندی شخصاً برای یادگرفتن احکام اقدام نمود او را از این کار باز می‌دارند و به بهره‌ی بسیار اندکی از دنیا برای آنها راضی می‌شوند).

سپس فرمودند: (من از آنها بیزارم و آنها نیز از من بیزارند).

پناه می‌بریم به خدا از چنین فاجعه‌ای که پیامبر از ما بیزار باشد!

چگونه پدر می‌تواند نسبت به دیانت و معنویت فرزندش بی‌توجه باشد. و تنها مسئولیت خود را تأمین امور

مادی او بداند. یعنی تأمین معاش او به عهده‌ی پدر، ولی ترتیب روح و اندیشه‌ی او در اختیار دیگران باشد!

بدیهی است در مقید بودن فرزندان به نماز و مسجد، آثار ارزشمند فراوانی برای آنها و ما نهفته است و حتی

در حدیث داریم که بسیاری از لغزش‌های پدران و مادران با انجام امور فرزندان جبران می‌شود.

فرزند اهل نماز، در مقابل پدر و مادر نمی‌ایستد، گستاخانه با او سخن نمی‌گوید و بی‌ادبی نمی‌کند و اما این

فرزند بی‌نماز است که در مقابل مادر قد خمیده‌ای که جوانی و نشاط و دار و ندارش را به پای رشد او

نثار کرده است ، می ایستد و با حرکات ناپسندش او را به سخره می گیرد! و گاهی بر او اخم می نماید و دل او را به درد می آورد.

برای مبارزه ی با شیاطین و رهایی از دام های آنها، باید فضای اقامه ی نماز را ایجاد نمود تا هر خانه یک سنگر شود. در آن صورت برای شیاطین، مقابله با همه ی خانه ها قطعاً مشکل و شاید غیرممکن باشد.

## ۲. آموزش نماز به فرزندان

یکی از مسئولیت های اولیاء، آموزش نماز به فرزندان است که این کار باید به تدریج صورت پذیرد. امام صادق (ع) می فرماید:

هنگامی که کودک سه ساله شد «لا اله الا الله» را به او بیاموزید و از او بخواهید آن را بازگو کند. وقتی که سن او از سه سالگی گذشت، به او گفته شود جمله «محمد رسول الله» را بازگو کند و هنگامی که چهارسالش تمام گردید، به او گفتن «صلی الله علی محمد و علی اله» را یاد داده و در پنج سالگی از دست چپ و راستش سؤال نمایید، آنگاه رو به قبله نشستن را یادش بدهید و از او بخواهید سجده نماید و هنگامی که هفت سالش کامل گردید به او بگویید: دست و صورتت را بشوی و نماز بخوان.

این برنامه ی زمان بندی شده ی تربیت دینی است که متأسفانه ما در این زمینه فقیریم، لذا از متخصصان و کارشناسان امور تربیتی و هنرمندان باید خواست که ابزار و زمینه های اجرای موفق این برنامه را فراهم سازند و غذای فکری کافی و مناسب برای فرزندان در مقاطع سنی مختلف آماده نمایند.

این حدیث به ما می آموزد که جوامع اسلامی و مسلمانان باید کودکان خود را از آغاز سنین کودکی در فضای معنوی قرار دهند و آنها را با توحید و نبوت و ولایت و نماز آشنا و مأنوس سازند. چنانچه فرزند از آغاز بدین گونه، تربیت نشد و تحت توجه قرارنگرفت و در کانون خانواده، هنگامی که ذهن و باور او آماده ی پذیرش توصیه های پدر و مادر بود، از این فرصت استفاده نشد و کودک چیز مفیدی نیاموخت، بدیهی است که پس از آن، انجام کار آموزشی و تربیتی بسیار سخت و مشکل خواهد بود.

امام صادق (ع) در حدیث ارزنده ای می فرماید:

(پیش از آنکه دیگران به سراغ فرزندان شما بیایند، فرزندان را با احادیث ما دریابید.)

لذا برنامه‌های تربیتی اسلام برای سعادت فرزندان از دوران قبل از تولد کودک آغاز می‌گردد و نه از دوران جوانی و بالاتر!

## سن شروع نماز

- یکی از یاران امام صادق(ع) از حضرت سؤال نمود که از چندسالگی کودک به نماز واداشته شود؟ امام(ع) فرمودند: بین شش و هفت سالگی.
  - امام باقر(ع) فرمودند: (ما اهل بیت، کودکانمان را از پنج سالگی دستور می‌دهیم نماز بخوانند و شما فرزندانمان را از هفت سالگی به نماز وادارید)
  - شخصی از امام هشتم(ع) در مورد کودکی که یکی دو روز است نماز نخوانده سؤال نمود که آیا پدرش می‌تواند او را به نماز خواندن مجبور سازد؟ امام از سن کودک سؤال فرمود، گفتند: هشت ساله است. امام با تعجب فرمودند: «سبحان الله! یتُرک الصلوة.» (بچه‌ی هشت ساله نماز را ترک می‌کند؟!)
- راوی با شنیدن این مطلب از امام پرسید: حال اگر بچه مریض شد یا به زحمت افتاد چه؟ بازهم باید او را وادار به انجام نماز نمود: فرمودند: (به هر مقدار که می‌تواند باید نماز را به جای آورد).
- با اندک تأملی در این احادیث نکته‌ی ارزنده‌ای به دست می‌آید که سفارش فرزند به نماز و امر به آن باید از سنین کودکی (شش، هفت سالگی) شروع شود و ادامه یابد و نه از سنین بالاتر که طبعاً امر تربیت‌پذیری سخت‌تر و مشکل‌تر می‌گردد. زیرا جوانان نسبت به کودکان و نوجوانان پذیرش کمتری دارند و احیاناً برخی بر اثر تبلیغات سوء، پدران و مادران خود را دارای افکار قدیمی تصور می‌نمایند، که وجود چنین تصویری پذیرش را کمرنگ می‌سازد.

## سفارش به نماز نیاز به استقامت دارد

از مجموعه‌ی آیات و احادیث فوق و از آیه‌ی شریفه «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» درس ارزنده‌ای فرامی‌گیریم و آن این است که فرمان و توصیه‌ی به نماز نیاز به استقامت دارد، حوصله، صبر، پشتکار و استمرار می‌خواهد. و از گفتن و تکرار کردن و مداومت نباید خسته شد.



### ۳. سفارش به نماز در وصیت‌نامه

چرا در وصیت‌نامه‌هایمان فقط مسائل مادی را مطرح می‌کنیم؟ البته طرح آنها نیز خوب و لازم است، مخصوصاً در مورد اغنیاء، زیرا ممکن است تا حدود زیادی جلو اختلافات و جنگ و دعوای را بگیرد. ولی آنچه شایسته است در وصیت‌نامه مورد توجه واقع شود، وصیت به پرداخت «حق الله و حق الناس» است. ما باید در اندیشه‌ی ایفای آنها باشیم و نگران از باقی ماندن حق الله و حق دیگران از اموالی که جمع نموده‌ایم بر گردنمان و رفتن به دوزخ به خاطر دیگران!

به راستی چرا تمام دلهره‌ها و نگرانی‌های ما برای مسائل مالی و مادی است؟ برادر! خواهر! چرا در وصیت‌نامه‌ات نمی‌نویسی: دخترم! پسر! من آنچه دارم از برکت مسجد و نماز دارم، اگر می‌خواهید از شما راضی باشم و روحم شاد باشد، سعی کنید نمازتان را در اول وقت بخوانید.

وصیت‌نامه‌ی حضرت امام(ره) الگو و درس خوبی برای ماست، با اینکه حضرت امام در زمان حیاتشان در بیانات و آثار خود ناگفته‌ای را باقی نگذاشته‌اند و از آنچه مایه‌ی خیر و سعادت امت و ملت است چیزی را فروگذار نکردند، اما باز در وصیت‌نامه‌ی خود یک دوره معارف و حقایق و راه حل‌ها و توصیه‌های ارزنده را مطرح فرمودند. چرا ما در وصیت‌نامه‌هایمان چنین مطالبی را نمی‌نویسیم؟ چرا ما فرزندان خود را دعوت به صلاح و سداد نمی‌کنیم؟! شایسته است از پیشوایان بزرگوار خود الگو بگیریم و به آنها تأسی کنیم. پیشوایان معصوم ما در وصایای خود، همواره فرزندان و نزدیکان خود را به آنچه مایه‌ی خیر و صلاح آنهاست، از جمله نماز توصیه می‌نمودند.

• امیر مؤمنان(ع) در وصیت‌نامه‌ی عمومی خود، توصیه و سفارش به نماز می‌نماید: «الله الله فی الصلاة فانها عمود دینکم.» (خدا را! خدا را! نسبت به نماز، زیرا نماز ستون دین شماست).

• امام مجتبی(ع) می‌فرماید: هنگامی که مرگ پدرم نزدیک گردید، به من رو کرد و وصیت خود را این چنین شروع نمود: (فرزندم تو را سفارش می‌کنم که نماز را به موقع بخوانی و زکات را به اهلش بپردازی و در مواردی که مطلب برای تو روشن نیست، (شبهه ناک) سکوت نمایی).

- امام صادق (ع) هنگام وفاتش دستور می‌دهند، همه‌ی بستگانشان را در کنار بستر او حاضر سازند. آن گاه در جمع آنها می‌فرمایند: «ان شفاعتنا لا تنال مستخفاً بالصلاة.» (شفاعت ما به کسانی که نماز را سبک بشمارند نمی‌رسد).

## ب: روش‌های اقامه‌ی نماز در جامعه

اسلام سلسله راه‌ها و روش‌هایی را برای اقامه‌ی نماز در جامعه، بیان فرموده که چنانچه به آنها عمل گردد، به طور طبیعی نماز، جایگاه شایسته و بایسته‌ی خود را در جامعه پیدا خواهد کرد. در اینجا به ذکر برخی از آنها می‌پردازیم.

### ۱- ترغیب و تشویق

در امر اقامه‌ی فریضه‌ی ارزشمند نماز، موضوع ترغیب و تشویق به نماز و توصیه‌ی به آن منحصر به فرزندان نمی‌گردد، بلکه کلیه‌ی افرادی را که به نحوی ارتباط نزدیکی با ما داشته، یا از ما حرف‌شنوی دارند، شامل می‌شود و این روش و سیره‌ی پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان معصوم ما بوده است.

### نمونه‌ها :

- امیر مؤمنان (ع) علاوه بر اینکه پیوسته فرزندان خویش را به نماز توصیه می‌فرمودند تا همواره نماز را به عنوان یک مسأله‌ی حساس و مهم مورد توجه و عنایت خاص قرار دهند، هرگاه فردی را به عنوان استاندار به منطقه‌ای اعزام می‌نمودند، امر نماز را به عنوان محور اساسی کار او مطرح می‌ساختند. برای نمونه، وقتی که امیرمؤمنان (ع) محمد ابن ابی‌بکر را والی مصر می‌فرماید، در متن حکمی که برای او می‌نویسد و از او می‌خواهد که آن حکم را برای مردم بخواند و به مضامین آن، هم خود عمل نماید و هم از دیگران بخواهد که به آن عمل نمایند، می‌فرماید: «وانظر الی صلاتک کیف هی». (در نمازت دقت نما، ببین چگونه است).

یعنی ای استاندار من! فقط در اندیشه‌ی انبوهی از کارهای عمرانی و اقتصادی و امنیتی منطقه‌ی خود مباد! بلکه نماز را هم در مدنظر داشته باش.

آن گاه امیر مؤمنان (ع) شیوه‌ی برخورد پیامبر (ص) با نماز را اینگونه توصیف می‌فرمایند: (بدان که پیامبر اکرم نمازش از همه‌ی مردم تمام‌تر بود و حق نماز را بهتر از دیگران اداء می‌فرمود).

آنگاه امیر مؤمنان (ع) منشور جاودانه‌ای را در مورد نماز بیان می‌فرماید. جمله‌ای کوتاه، ولی حاوی یک دنیا درس و سازندگی و سرمشقی برای همه‌ی مسلمانان، به ویژه والیان و حاکمان اسلامی. حضرت می‌فرماید: (واعلم ان کل شیء من عملک تبع لصلاتک) (بدان هر یک از کارهای تو تابع نماز توست و در رابطه‌ی با نماز تو معنا پیدا می‌کند)

جامعه‌ی اسلامی، به ویژه کارگزاران حکومت اسلامی باید مراقب باشند که نکند عمل زده شوند! نکند اشتغالات و درگیری در کارهای اجرایی آنها را از توجه به نماز باز دارد! یا خدای ناخواسته چنین بیاندیشند که انجام امور اجرایی و اشتغالات روزمره مهم‌تر و یا خداپسندانه‌تر از نماز است! و بر اثر چنین بینشی، نسبت به فریضه‌ی بزرگ نماز بی‌توجهی و کم‌لطفی روا دارند. در این صورت، «فمن ضیع الصلاة فانه لغيرها ضیع». (هرکس نمازش را ضایع سازد، قهراً کارهای دیگر را ضایع تر خواهد ساخت). کسی که به نماز اهمیت ندهد، به بیت‌المال نیز اهمیت نخواهد داد و کسی که از نماز و خدا ببرد و حق خدا را نپردازد و مراعات نکند، طبیعی است که حق مردم را رعایت نکند.

- امام کاظم (ع) به علی بن یقطین که از شیعیان او و وزیر هارون الرشید خلیفه‌ی مقتدر عباسی است، پس از اینکه از او می‌خواهد یاران و همکارانش را امر نماید که مراقب زبان‌های خود باشند و خصومت در دین را رها سازند و در عبادت خدا جهاد و تلاش کنند، می‌فرماید: (به یارانت بگو هنگامی که در پیشگاه خدا برای اقامه‌ی نماز واجب می‌ایستند، نمازشان را به خوبی به جای آورند و رکوع و سجودشان را کامل انجام دهند و مراقبت نمایند که هنگام نماز قلبشان به امور دنیا متمایل و مشتاق نباشد).

• امیر مؤمنان (ع) به اصحابش می‌فرمایند: (ای یاران من نسبت به فریضه‌ی نماز تعهد داشته و در برپایی آن مراقبت نمایید.) (هرچه می‌توانید بیشتر نماز بخوانید و به وسیله‌ی آن به خدا نزدیک گردید).  
[ فانها كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً ] (زیرا نماز یک واجب ، با وقت مشخص است که بر مؤمنان واجب شده است)

آنگاه امام می‌فرماید: آیا جواب اهل آتش را نشنیده‌اید، آن وقتی که از آنها سؤال می‌شود که چه چیز موجب سقوط شما در دوزخ گردید؟ «ما سلککم فی سقر»، اولین پاسخ آنها این است که ما از نمازگزاران نبودیم.  
(قالوا لم نكُ من المصلين)

### ترغیب به نماز، مسئولیتی همگانی

از مجموعه‌ی آیات و احادیث فوق نکته‌ی ارزنده و راهگشایی می‌آموزیم که مسئولیت سفارش به نماز به عهده فرد یا گروه خاصی نیست. یعنی هرکس در هرجایگاهی که قرار دارد، یکی از برنامه‌هایش باید سفارش به نماز باشد. «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة».

بدیهی است کسانی که از محبوبیت و نفوذ بیشتری برخوردارند، مانند پیشکسوتان و مدیران، مسئولیت آنها نیز بیشتر خواهد بود. مدیر و مسئول یک اداره مسئولیت الهی دارد که زیر دستانش را و استادکار یک کارگاه وظیفه دارد شاگردانش را، به اقامه‌ی نماز سفارش نماید.

بدیهی است داشتن زیر دست و شاگرد و مأمور نمازخوان و اهل مسجد برای استادکار و مدیرمفیدتر و قابل اطمینان‌تر است.

این فکر که اگر کارگر ما اول وقت مشغول خواندن نماز شود لطمه‌ای به کار وارد می‌گردد، تفکر اشتباهی است. مگر نماز او چقدر طول می‌کشد؟ آن صاحب‌کارخانه‌ای که فکر می‌کند نماز مزاحم کار او و کارخانه‌ی اوست، باید بداند که این اندیشه و فکر، مزاحم کار او و جامعه است. هیچ‌گاه نماز یک امر مزاحم نیست.

اصولاً این نوع تفکر، تفکر شیطانی و از وسوسه‌های اوست. خواه در ذهن بازاری ما باشد یا کارخانه‌دار ما و یا مدیر ما. در حالی که کارگری که نماز برپای می‌دارد، کارش نیز متعهدانه است و نسبت به کارگر بی‌نماز بازده بیشتری خواهد داشت. کسی که در مکتب نماز است می‌داند در مقابل این مزدی که می‌گیرد تعهد دارد، لذا هر مقدار که از کارش بکاهد، به همان اندازه، مزدی را که دریافت می‌دارد بر او حرام است

و شرعاً مالک آن نیست و اکل مال به باطل است. اصولاً نماز برای اصلاح امر دنیا و آخرت است و چنانچه اقامه‌ی نماز نماییم، زمینه برای اصلاح همه‌ی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی ما فراهم می‌گردد. اگر همین توصیه و امر به نماز را در همه‌جا داشته باشیم و این جو در تمامی نقاط جامعه به وجود آید و از مدیران و مسئولان یک مجموعه‌ی دو سه نفری گرفته تا مجموعه‌های گسترده، مسئولیتی الهی از این بابت احساس نمایند، آنگاه می‌توانیم ادعای حق‌گزاری نماز را داشته باشیم و در سایه‌ی آن برخوردار از جامعه‌ای سالم گردیم.

در هر حال اگر توصیه و امر به نماز همه‌جا را فراگیرد و از همه‌جا به گوش برسد و مسئولان و مدیران محترم در مراکز علمی و فرهنگی، دانشگاهها، مدارس و هر کس در هر جایگاه و موقعیتی که قرارداد، در ایجاد جریان عمومی و فراگیر امر به نماز و توصیه‌ی به آن همکاری کند، و این کار، بویژه از منازل شروع شده و به همه‌جا گسترش یابد، آنگاه خواهیم دید که مشکلات جامعه، حتی مشکلات مادی آن حل می‌شود، زیرا مادیت جامعه با شکل گرفتن معنویت، راحت‌تر قابل حل است.

## ۲ - اقامه‌ی نماز جماعت

از راهها و روش‌های بسیار مؤثر برای گسترش و تعمیق فرهنگ نماز در جامعه، اقامه‌ی نماز جماعت است. اصولاً روح جمعی، روح خاصی است. انسان وقتی کاری را به صورت جمعی انجام می‌دهد، احساس می‌کند، غیر از حالی است که آن را به صورت فردی انجام می‌دهد.

انسان در مجموعه، شخصیت دیگری پیدا می‌کند. یک ورزشکار در میدان ورزش، غیر از همان ورزشکار در کنار میدان است. از نظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، انسان در حال جمعی، غیر از انسان در حال فردی است. چه بسا افرادی یافت شوند که در مجموعه‌ی انسان‌های شرور دست به شرارت‌هایی می‌زنند که هیچ‌گاه به صورت فردی مرتکب این‌گونه کارها نمی‌شوند و یا به صورت گروهی و بانندی، شیطنت‌هایی می‌نمایند که به صورت فردی این امور را انجام نمی‌دهند. حالت انسان در امور خیر نیز اینچنین است.

نماز جماعت دارای آثار ارزنده‌ای است. نماز جماعت در میان مسلمانان ایجاد الفت می‌نماید و آن را تعمیق می‌بخشد. در نماز جماعت شاهد حالات خوب و خوش انسان هنگام ارتباط با پروردگار خویش و نقش

ارزنده‌ی آن در جهت ایجاد شور و نشاط بیشتر در مسیر الی الله هستیم. نماز جماعت سند انسجام مسلمانان و تبلور انضباط آنهاست و نمونه‌ی ارزنده‌ای از هماهنگی مسلمانان می‌باشد.

علاوه بر این گونه آثار و برکات، نقش والای نماز جماعت در اقامه‌ی نماز، قابل توجه و عنایت است. به طور قطع یکی از راه‌هایی که نماز را در جامعه جان تازه‌ای می‌بخشد و به آن رمق و قدرت و حاکمیت می‌دهد نماز جماعت است.

مناسب است در اینجا به برخی از آثار نماز جماعت اشاره کنیم تا جایگاه نماز جماعت در فرهنگ اسلامی مشخص گردد.

فقه‌های عظام، در کتاب‌های توضیح المسائل (رساله‌ی عملیه) خود، حدیث ارزنده‌ای را نقل نموده‌اند، در این حدیث شریف پیامبر اسلام می‌فرمایند: جبرائیل به همراه هفتاد هزار فرشته بعد از نماز ظهر نزد من آمد و گفت: ای محمد (ص) پروردگارت سلامت رساند و دو هدیه برای فرستاد که این دو هدیه را به هیچ پیامبری قبل از تو عطا نکرده است.

پیامبر از جبرائیل می‌پرسند که این دو هدیه چیست؟

جبرائیل می‌گوید: نماز و تر و نماز جماعت.

پیامبر می‌فرمایند: اجر و پاداش امت من در اقامه‌ی نماز جماعت چیست؟

جبرائیل پاسخ می‌دهد: اگر نماز جماعت با دو نفر تشکیل شود، برای هر رکعت، ثواب یکصد و پنجاه نماز به هریک از آنها عطا می‌گردد و اگر چنانچه نماز جماعت با سه نفر تشکیل شود، برای هر رکعت، ثواب ششصد نماز به هر یک از آنها عطا می‌گردد و اگر نماز جماعت با چهار نفر تشکیل شود برای هر رکعت، ثواب هزار و دویست نماز به هریک از آنها عطا می‌گردد و...

و اگر چنانچه نماز جماعت با نه نفر تشکیل شود، برای هر رکعت، ثواب سی و شش هزار و چهارصد نماز به هریک از آنها عطا می‌گردد و اگر چنانچه نماز جماعت با ده نفر تشکیل شود، برای هر رکعت، ثواب هفتاد و دو هزار و هشتصد نماز به هریک از آنها عطا می‌گردد. و اگر نماز جماعت با بیش از ده نفر تشکیل گردد، اگر دریا‌های آسمان‌ها و زمین مرکب گردد و اشجار عالم، قلم شوند و جن و انس و فرشتگان نویسنده گردند، نمی‌توانند حتی ثواب یک رکعت چنین نمازی را بنویسند.

سپس جبرائیل ادامه داد: ای محمد(ص)! یک تکبیر که مؤمن با امام درک کند، یعنی با جماعت بگوید، بهتر است برای او از شصت هزار حج و بهتر است از دنیا و آنچه در آن است. بلکه هفتاد هزار مرتبه بر دنیا و آنچه در آن است شرافت دارد.

این حدیث بیانگر اهمیت و جایگاه نماز جماعت است و نشان می‌دهد که هیچ چیز نمی‌تواند جای نماز جماعت را با این همه آثار و فواید پرکند و بگیرد.

- مرد نابینایی خدمت پیامبر اسلام(ص) رسید و عرض کرد: یا رسول الله من مردی نابینا هستم، چه بسا صدای اذان را می‌شنوم، می‌خواهم برای شرکت در نماز جماعت به مسجد بیایم، ولی به تنهایی نمی‌توانم به مسجد بیایم و کسی را نیز پیدا نمی‌کنم تا مرا در آوردن به مسجد و حضور در نماز جماعت مسلمین کمک نماید. چه کنم؟ پیامبر فرمود: (ریسمانی از منزلت تا مسجد قرارده و به کمک آن در مسجد و صفوف نماز جماعت حاضر شو).

راهنمایی پیامبر(ص) به یک مرد نابینا، بیانگر اهمیت نماز جماعت است پیداست که پیامبر(ص) می‌خواهد جامعه‌ی اسلامی را نسبت به اهمیت نماز جماعت آگاه سازد و راه و مسیر سعادت را نشان دهد.

هنگامی که پیامبر عذر نابینایی را برای عدم حضور در نماز جماعت پذیرفته نمی‌داند و او را راهنمایی می‌کند، بدیهی است که عذرهای مختلف و واهی دیگر هیچ‌گاه نمی‌توانند بهانه‌ای برای ترک اجتماع عبادی مسلمین باشند.

جای تأمل و تأسف است که با این همه آثار و برکات نماز جماعت و حضور در اجتماع مسلمین، چرا ما به انجام نماز فرادا اکتفا می‌کنیم؟ چرا از نماز جماعت غفلت داریم! و خود را در این جریان عظیم معنوی قرار نمی‌دهیم؟ انسان مسلمان باید به هر شکل که شده خودش را به نماز جماعت برساند.

چرا در فرهنگ ما این همه نسبت به اقامه‌ی نماز جماعت تأکید شده است؟ این همه احادیث و روایات وارد گردیده است؟ و این همه عنایت و توجه پیامبر(ص) و اهل بیت برای چیست؟ برای عدم حضور در نماز جماعت چه توجیهی داریم، در حالی که در اکثر موارد خانه، مغازه و محل کار ما در کنار مسجد واقع گردیده است؟ اگر از مسجدی که کنار منزل و یا محل کار شما و یا در محله‌ی شما قرار دارد و یا از نماز جماعتی که در آن برگزار می‌گردد سؤال شود که فلانی را چندبار در خود دیده‌ای، جواب دهد هیچ‌گاه! چه توجیه و عذری می‌توان ارائه نمود؟ بی‌توجهی به تکالیف شرعی تا چه حد؟! درست است که

برخی در منزل نماز می‌خوانند، اما به چه دلیل در نماز جماعت شرکت نمی‌کنند؟ آنان که در کنار مسجد بسر می‌برند و صدای اذان را می‌شنوند، ولی در نماز جماعت شرکت نمی‌کنند چه توجیهی دارند؟ بانگ «حی علی الصلاة و حی علی خیر العمل» برای چیست؟ چه می‌گوید و چه پیام و درخواستی در آن نهفته است؟ «قد قامت الصلاة» چه می‌گوید؟ سزاوار نیست که انسان همه‌ی این نداها را بشنود و نشنیده بگیرد!

نماز جماعت، شکوه و عظمت اسلام است. نشان دهنده‌ی حاکمیت نماز و ارزش‌های آن در جامعه است. عبور جمعیت از خیابانها و کوچه‌ها پس از آن، نماز را در ذهن‌ها تداعی می‌کند، نماز در وجود انسان‌های بیننده و شنونده احیا می‌گردد. چرا ما باید نسبت به این قضیه و آثار آن غافل باشیم؟

## اولین نماز جماعت در اسلام

اولین نماز جماعت در اسلام با حضور پیامبر، حضرت علی و حضرت خدیجه کبری(ع) تشکیل گردید. عقیف می‌گوید: با عباس عموی پیامبر در اطراف کعبه نشسته بودیم، ناگهان دیدم مردی آمد و در کنار کعبه ایستاد. سپس پسری وارد شد و در طرف راست او ایستاد و به دنبال آن زنی را دیدم که آمد و پشت سر آنها قرار گرفت، آنگاه مشاهده کردم که این دو نفر به پیروی از آن مرد، حرکاتی را انجام می‌دهند. از عباس پرسیدم جریان چیست؟ این مسأله عجیبی است! او گفت: آن مرد محمد فرزند برادرم و آن پسر، علی فرزند برادر دیگر من است، آن زن هم خدیجه همسر محمد است. محمد می‌گوید: پروردگار من، پروردگار آسمانها و زمین است و خدا او را امر کرده است که این دین را برگزیند و وظایفشان را این‌طور انجام دهند. آن‌گاه عباس ادامه داد: به خدا سوگند که بر روی زمین کسی به جز همین سه نفر پیرو این دین نیست. این حرکت پیامبر(ص) بیانگر اهمیت نماز و نماز جماعت در اسلام است. یعنی قبل از بیان و اجرای هر حکمی از احکام اسلامی، نماز اقامه می‌گردد و آن هم با جماعت و بدینوسیله پیامبر و پیروانش شکوه پرستش خدا را با تمام توان در دید و منظر دیگران قرار می‌دادند.



## آثار و برکات نماز جماعت

### ۱- تبلیغ و ترویج نماز

نماز جماعت، هم نماز است و هم راه و روشی برای اقامه‌ی نماز. امروزه شاهد برگزاری نمایشگاههای متعددی در سراسر جهان هستیم. فلسفه‌ی برپایی نمایشگاهها، تبلیغ و ترویج دست آوردها و محصولات است. در بسیاری از این نمایشگاهها از دورترین نقاط جهان کالا عرضه می‌گردد و این یک کار عقلایی و منطقی است. در حقیقت نماز جماعت نیز عرضه‌ی نماز در جامعه و در دید قراردادن آن است.

بدیهی است که این عرضه و در معرض دید دیگران قرارگرفتن نماز، هم معتقدان نماز را خوشحال می‌سازد و هم زمینه‌ای است برای جذب و تمایل دیگران برای حضور درنماز جماعت، ضمن اینکه مخالفان اسلام را نیز اندوهگین می‌سازد. زیرا آنها قدرت اسلام و نماز را می‌بینند و روحیه‌ی خود را از دست داده، از بسیاری توطئه‌ها و فعالیت‌های مخرب خود مأیوس می‌گردند. همان‌گونه که حج نیز چنین نقشی را ایفا می‌نماید. زیرا یکی از عوامل مهم حیات اسلام همین مراسم باشکوه حج است که سالانه با حضور گسترده‌ی مسلمانان برگزار می‌گردد.

حتی همین حجی که هم اکنون برگزار می‌شود، یعنی حجی دور از تجلی بسیاری از جلوه‌هایی که اسلام اراده فرموده و حجی که تبلور کاملی از حج ابراهیمی نیست، با همه‌ی این ضعفها، نفس اجتماع مسلمانان اثر ارزنده‌ای در تقویت اسلام و مکتب ایفاء می‌نماید. در سخنان گراندقدر امیر مؤمنان(ع) و حضرت فاطمه(س) آمده است که حج، تقویت مکتب و دین است.

نماز جماعت هم همین اثر را دارد. در نماز جماعت تنها بُعد ارتباط با خدا منظور نشده است، بلکه با این دید به نماز جماعت می‌نگریم که نماز جماعت نمایش نماز و تبلیغ آن است، زیرا هنگامی که فرزندان ما، کودکان، نوجوانان و جوانان عزیز ما نماز را در نمایشگاههای خوب و پاک و با صفای آن یعنی مساجد مشاهده نمایند که چه زیبا تشکیل شده و چگونه همه‌ی نمازگزاران در کنار یکدیگر صفوف زیبای نماز جماعت را تشکیل داده‌اند و همه با هم حرکات هماهنگ و موزونی دارند، همچنین آنها شخص وارسته‌ای را به عنوان امام جماعت انتخاب نموده، همراه با او به رکوع و سجود می‌روند و عطر برادری و دوستی و تعاون و صفا،

فضای مسجد را آکنده نموده است، به طور مسلم تمایل به نماز پیدا می‌کنند و این گونه نماز به طور طبیعی در جامعه تبلیغ و ترویج می‌شود.

اقامه‌ی نماز جماعت، خود راه بسیار مؤثر و خوبی است برای تثبیت و تقویت و حاکمیت نماز در جامعه. به عنوان نمونه، اقامه‌ی نماز جماعت‌های باشکوه در مدارس، از عوامل مؤثر در اقامه‌ی نماز است، زیرا حضور در مراسم نماز جماعت مدرسه و مشاهده‌ی آن تجمع و هماهنگی، به طور طبیعی نوجوانان و جوانان را به سوی نماز جلب می‌نماید. در حالی که شاید تبلیغ و درخواست یک پدر از فرزند خود برای اقامه‌ی نماز این اندازه مؤثر واقع نگردد.

در اینجا حدیث گرانقدری در بیان ابعاد نماز جماعت و روشن‌تر نمودن افق‌های گسترده‌ی آن ذکر می‌نماییم. با دقت در این حدیث مشخص می‌گردد که نماز جماعت صرف برقراری یک ارتباط با خدا نیست، زیرا اگر چنین باشد، شاید نمازگزار بتواند در داخل منزل ارتباط بهتری با خدا برقرار نماید. البته شاید این سخن را با قاطعیت نتوان بیان کرد، زیرا روح جمعی حال و هوای بهتری به حرکت معنوی می‌بخشد.

امام هشتم (ع) درباره‌ی نماز جماعت می‌فرماید: (نماز جماعت برای آن به وجود آمد، که اخلاص و توحید و اسلام و عبادت در جامعه ظاهر گردد).

بنابراین حدیث، نماز جماعت در حقیقت تبلور عینی این ارزش‌ها و نمایش این زیبایی‌هاست. بدیهی است که ظهور و بروز و مشاهده‌ی امور فوق فقط در نماز جماعت امکان‌پذیر است.

آن گاه امام (ع) می‌فرماید: (تشکیل نماز جماعت که در حقیقت اظهار اسلام و عبادت و بندگی خدا و نشان دادن توانایی‌ها و زیبایی‌های اسلام است، گواهی آشکار و حجتی محکم بر اهل شرق و غرب است. در حقیقت نماز جماعت‌های ما معیار خوبی برای تصمیم‌گیری‌های آن‌ها و برهم زنده‌ی بسیاری از معادلات آن‌هاست).

## ۲ - شکوه و عظمت اسلام

بدیهی است زیباترین و عارفانه‌ترین نمازها در داخل منزل، تنها یک حرکت فردی است و هیچ جلوه‌ای از شکوه اسلام ندارد. آن نمازی که مایه‌ی عظمت اسلام است، نماز جماعت است و لذا مورد تأکید قرار گرفته است.

امام صادق(ع) در پاسخ شخصی که از ایشان می‌پرسد: که نماز فردی در مسجدی که ثواب هر رکعت آن معادل هزار رکعت نماز است بهتر است یا نماز جماعت در مسجد محل که از امتیاز کمتری برخوردار است؟ امام می‌فرماید: نمازت را با جماعت بخوان.

به راستی چه حرکت و عملی با شرافت‌تر و با فضیلت‌تر از کاری است که شکوه اسلام را زیاد کند؟ آنچه قبلاً درباره‌ی ثواب یک رکعت نماز جماعت بویژه هنگامی که نمازگزاران بیش از ده نفر باشند، نقل شد، مایه‌ی تعجب نیست، زیرا این نماز، شعار اسلام است و بیانگر شکوه و عظمت اسلام. این نماز علاوه بر شکوه روح فردی، دارای عظمت جمعی است. این نماز بیانگر شور دینی جامعه و حاکمیت نماز و معنویت و اخلاص در جامعه است.

نماز در منزل، تنها بیانگر حاکمیت دین و مکتب در وجود یک انسان است، اما نماز در جماعت، بیانگر حاکمیت دین و مکتب در وجود انسان‌ها و جامعه است. یعنی همان چیزی که دشمنان اسلام سخت از آن ناراحتند و به وحشت می‌افتند و نهایتاً آنها را عاجز می‌سازد.

چنان چه ما از این دیدگاه به نماز جماعت بنگریم، نماز جماعت‌های ما با نشاط بیشتری برگزار می‌گردد و هرگامی که به سوی نماز جماعت برمی‌داریم، قدمی در جهت تقویت اسلام خواهد بود.

### ۳- تعاون

در ادامه‌ی حدیث، امام می‌فرمایند: «مع ما فيه من المساعدة علی البر و التقوی» با تأملی در نماز جماعت‌ها در طول تاریخ، آنها را پر از امور خیر مشاهده می‌نماییم. نمازهای جماعت یکی از فعال‌ترین و زیباترین صحنه‌های تعاون و همکاری در جامعه‌ی بشری بوده است. آمار کارهای خیریه‌ای که به برکت نمازهای جماعت در طول صدها سال انجام شده، قابل مقایسه با موارد دیگر نیست. بدیهی است که انجام این امور خیر رهین اقامه‌ی نماز جماعت و از آثار آن است و اگر افراد به اقامه‌ی نماز به صورت فردی می‌پرداختند این خیرات تحقق نمی‌پذیرفت.

#### ۴ - جلوگیری از گناه

هم چنین امام می‌فرمایند: «والزجر عن كثير من معاصي الله عزوجل»

یکی دیگر از آثار و برکات نماز جماعت، جلوگیری از گناه است. طبیعت نماز جلوگیری از گناه است، همان اثر در نماز جماعت شدت می‌یابد. انسان هنگامی که در صفوف الهی نماز جماعت حضور پیدا نمود، به گونه‌ای که حتی خود او نیز متوجه نشود، از گناه و مراکز آن فاصله می‌گیرد.

#### شیعه و نماز جماعت

گاهی افرادی که اطلاع کافی ندارند و یا افرادی که بنا دارند علیه شیعه تبلیغ نمایند، به منظور تضعیف اعتقادات پیروان مذهب شیعه، این سؤال را مطرح می‌نمایند که چرا شیعیان در نمازهای جماعت همانند دیگران حضور فعال و گسترده‌ای ندارند؟ آنگاه چنین نتیجه می‌گیرند که مذهب جعفری برای نماز جماعت، اهمیتی همسان مذاهب دیگر قائل نیست!

برای پاسخ باید دو مقوله را مورد بحث و بررسی قرار دهیم. مقوله‌ی اول آشنایی با فضایی است که در مکتب شیعه نسبت به نماز جماعت ترسیم شده است. مقوله‌ی دوم بررسی علل بی‌توجهی برخی از پیروان مذهب جعفری نسبت به نماز جماعت است. به منظور آشنایی با آن فضایی که توسط اهل بیت(ع) در مورد نماز جماعت ترسیم شده است، روایاتی را ذکر می‌کنیم

• پیامبر اسلام(ص) می‌فرمایند: (هرکس به قصد شرکت در نماز جماعت به سوی مسجد حرکت نماید، خداوند برای هرگامی که برمی‌دارد هفتاد هزار حسنه به او عطا می‌فرماید و به همان اندازه بر درجات او می‌افزاید و چنانچه در مسیر رفت و برگشت از دنیا برود، خداوند هفتاد هزار فرشته را مأمور می‌نماید تا در روز قیامت مونس او باشند).

• عده‌ای از یهودیان نزد پیامبر(ص) آمدند و سؤالاتی مطرح کردند. یکی از آنها در مورد نماز جماعت بود. پیامبر اسلام فرمود: «أما الجماعة فان صفوف امتی كصفوف الملائكة» (نماز جماعت پیروان من تبلور و نمایشی است از صفوف فرشتگان)

- در حدیث داریم یک رکعت نماز جماعت، ارزش بیست و چهار رکعت نماز دارد که هر رکعت از آن نزد خدا عزیزتر و محبوبتر از عبادت چهل سال است.
- حضرت امام باقر(ع) می‌فرماید: (کسی که نماز جماعت را براساس بی‌میلی نسبت به آن و نسبت به اجتماع مسلمانان و بدون دلیل ترک کند، نمازش نماز نیست!)
- حضرت امام باقر(ع) می‌فرمایند: (همسایگان مسجد که بیمار و یا درگیر کاری نیستند، چنانچه در نماز جماعت حاضر نشوند، نمازشان نماز (کامل و به درد بخوری) نیست!)
- امیر مؤمنان(ع) می‌فرمایند: (هرکس ندای اذان را بشنود، اما بدون عذر در نماز حاضر نگردد، نمازش نماز نیست!)
- پیامبر اسلام(ص) می‌فرمایند: (هرکس نمازهای یومیه‌اش را با جماعت اقامه نماید، نسبت به او خوش گمان باشید).
- در پایان بحث جایگاه و اهمیت نماز جماعت، روایت جامع و ارزشمندی از امام صادق(ع) نقل می‌کنیم: عبدالله بن یعفور از امام صادق(ع) سؤال می‌کند که در جامعه‌ی اسلامی و در میان مسلمانان چگونه می‌توان به عدالت افراد پی برد تا شهادت آنان به نفع و یا ضرر دیگران پذیرفته گردد؟ بدیهی است که در امر قضاوت، در بسیاری از موارد نیاز به شهادت و شاهد است و عدالت شاهد در شهادت و گواهی شرط است تا بتوان براساس آن به نفع و یا ضرر افراد حکم نمود.
- امام صادق(ع) در پاسخ، ضمن برشمردن برخی ویژگی‌ها و صفاتی که شاهد باید داشته باشد از قبیل عفاف، کنترل اعضا و جوارح، اجتناب از گناهان کبیره و عدم تظاهر به گناه می‌فرماید: ( او باید نسبت به ادای نمازهای پنجگانه مراقب و مواظب باشد و بدون عذر از حضور در نماز جماعت مسلمانان تخلف نرزد).
- امام در این حدیث شریف، یکی از نشانه‌ها و راههای شناخت عدالت افراد را حضور در نماز جماعت معرفی می‌فرمایند. بدیهی است کسی که مقید است در جمع معنوی مسلمانان یعنی نماز جماعت حضور به‌هم رساند، این حضور باعث می‌گردد که مردم نسبت به او اعتماد پیدا کنند و شهادتش را بپذیرند.

آن گاه امام به نکته‌ی ظریفی اشاره می‌فرمایند:

(نماز جماعت تشریع گردید، برای اینکه کسی که نماز خود را با جماعت می‌خواند از کسی که در نماز جماعت حاضر نمی‌شود، مشخص گردد و اگر حضور در نماز جماعت نبود، کسی نمی‌توانست شهادت دهد که فلانی اهل نماز است).

بدیهی است طبیعی‌ترین و آسان‌ترین راه برای شناخت اینکه فردی مقید به مراعات مسائل اسلامی است، همان حضور فرد به طور مرتب در نمازهای جماعت است.

آن گاه امام تصمیم عجیبی از پیامبر اسلام (ص) را که در کتب روایی شیعه و اهل سنت وجود دارد، نقل می‌فرمایند. امام می‌فرمایند: (پیامبر (ص) تصمیم گرفت گروهی را که در نماز جماعت حضور پیدا نمی‌کردند، آنها را در داخل خانه‌هایشان بسوزاند). آن گاه امام برای اینکه تصور نشود، کسانی که پیامبر چنین تصمیمی درمورد آنها گرفت بی‌نماز بودند، می‌فرمایند: (در بین آنها کسانی بودند که نمازشان را در داخل منزل به جای می‌آوردند، ولی از آنها پذیرفته نشد).

افرادی در اجتماع یافت می‌شوند که مدعی پایبندی به نمازند، آداب نماز را هم به خوبی مراعات می‌نمایند، ولی همت و اعتقادی به حضور در مسجد و نماز جماعت ندارند و در نماز جماعت شرکت نمی‌کنند، چنین افرادی مدنظر پیامبرند!

تصمیم پیامبر برای این نیست که چرا این افراد نماز نمی‌خوانند، بلکه موضوع، عدم حضور آنان در نماز جماعت است.

آن گاه امام صادق (ع) می‌فرمایند: (حالا عدالت کسی که پیامبر (ص) می‌خواست خانه‌ی او را به آتش بکشد یعنی اینگونه مورد نفرت و خشم پیامبر است، چگونه ثابت می‌شود؟!)

روایاتی که نقل شد و روایات بسیار دیگری که در آثار اهل بیت (ع) وجود دارد نشانگر عنایت و توجه مذهب تشیع به نماز جماعت است.

با بررسی اجمالی مجامع روایی شیعه و اهل سنت می‌توان ادعا کرد که فضای توجه به نماز جماعت و اهمیت دادن به آن، در کتابهای حدیثی شیعه، اگر نگوییم بیشتر است، قطعاً کمتر نیست.

متأسفانه، عدم حضور برخی از شیعیان در نماز جماعت و کم‌توجهی و بی‌اعتنایی آنها موجب گردیده که برخی از ناآگاهان و یا مغرضان، مذهب شیعه را نسبت به نماز جماعت بی‌توجه معرفی نمایند

و اینجاست که فرمایش امام صادق(ع) ارزشمندی خود را نشان می‌دهد، آنجا که می‌فرمایند:  
(شیعیان ما : مایه‌ی زینت ما باشید نه باعث ننگ و عار ما) .

## دیدگاه صاحب عروه

برای آشنایی بیشتر شیعیان و سایرین با دیدگاه مکتب تشیع در مورد نماز جماعت، ترجمه‌ی متنی از کتاب بسیار شریف «عروه الوثقی» تألیف مرحوم آیت الله سید محمدکاظم طباطبائی یزدی را که از متون بسیار محکم و استوار فقهی شیعه است، نقل می‌نماییم:

ایشان می‌فرمایند:

نماز جماعت در تمامی نمازهای واجب، از مستحبات اکیده است، خصوصاً در نمازهای یومیه و بالآخر نماز صبح، و مغرب و عشاء، به ویژه برای همسایگان مسجد و یا کسانی که صدای اذان را می‌شنوند.

سپس می‌فرماید: آن قدر در فضیلت نماز جماعت و مذمت کسانی که آن را ترک می‌نمایند تأکید شده است که آن را در مرز واجبات قرارداده است.

بعد مطرح می‌نماید که این همه فضیلت و ثواب، برای نماز جماعت‌های عادی است و با افضلیت امام جماعت و مأمین و مکان ادای نماز، ثواب نماز جماعت افزایش می‌یابد.

سپس مرحوم یزدی ادامه می‌دهند: ترک نماز جماعت چنانچه بر اثر بی‌اعتنائی و یا سبک شمردن نماز جماعت باشد، اصلاً جایز نیست.

این فتوا بیانگر آن است که گرچه نماز جماعت اصالتاً مستحب است (البته مستحبی در مرز واجب)، اما اگر روی گردانی از نماز جماعت، موجب بی‌اعتنائی و یا سبک شمردن نماز جماعت گردد، جایز نیست. بنابراین ترک نماز جماعت در این صورت، حرام و موجب گناه و معصیت است و حضور در نماز جماعت واجب می‌گردد.

مثلاً کسی که هنگام نماز در مسجد و یا در نزدیکی مسجدی که نماز جماعت در آن برگزار می‌گردد، حاضر است و عذری نیز ندارد، اما او مسجد و نماز را رها می‌کند و می‌رود، این عمل او چه معنایی دارد؟! آیا استخفاف نماز نیست؟

یا مثلاً در اداره، نماز جماعت برگزار می‌شود، فردی بر اثر بی‌اعتنایی و عدم توجه به نماز و یا اینکه جایگاه و شأنی برای نماز قائل نیست و یا نماز در دید او ارزشی ندارد، در مراسم نماز جماعت حاضر نمی‌شود و یا همسایگان مساجدی که در طول سال به اصطلاح پایشان به مسجد نمی‌رسد! آیا این کار، بی‌اعتنایی و روی گردانی از نماز نیست؟! و آیا این کار از نظر اخلاقی کاری ناروا، زشت و ناپسند نمی‌باشد؟

در جایی که امام صادق (ع) می‌فرماید: (پیامبر اسلام (ص) از همسایگان مسجد قول می‌گرفت که در نماز جماعت شرکت نمایند).

یعنی همسایگی مسجد مشروط به حضور در نماز جماعت است. آیا دور از انصاف نیست مسلمانی در جوار خانه‌ی خدا مدتی ساکن باشد، اما در نماز جماعت حاضر نگردد؟ آیا این استخفاف نماز نیست؟! چنانچه در مدرسه، نماز جماعت منعقد شود و معلمی در آن شرکت نکند و عدم حضور او برای شاگردانش چنین تصویری را ایجاد نماید که اگر نماز، چیز خوب و مفیدی بود، آقا معلم در آن شرکت می‌کرد، آیا این عمل او جایز است؟

البته همانند موارد فوق در دانشگاه و بازار و ... نیز متصور است. یعنی هنگامی که سفره‌ی پرنعمت نماز جماعت، گسترده است، عدم حضور در کنار این سفره، آیا به معنای بی‌اعتنایی نسبت به غذای معنوی نیست؟ به طور قطع، فرهنگ شیعه این بی‌اعتنایی را نمی‌پسندند و جایز نمی‌دانند.

### کیفیت اقامه‌ی نماز جماعت

امیر مؤمنان در نامه‌ی خود به مالک اشتر چنین می‌فرماید: (ای مالک! هنگامی که امام جماعت مردم می‌شوی باید دقت‌نمایی که اقامه‌ی نماز تو، نه مردم را فراری دهد و نه اینکه حق نماز را ضایع سازد).

امام در مورد علت توصیه‌ی خود می‌فرماید: (در میان مأمومین کسانی هستند که مشکل و گرفتاری دارند). امام جماعت باید مراعات حال مأمومین را بنماید. شاید برخی از آنها با وجود گرفتاری به نماز آمده‌اند. شاید برخی نتوانسته‌اند کارهایشان را مرتب و تمام کنند و از آنجا که به نماز علاقه دارند سعی نموده‌اند در نماز جمعه و جماعت هم شرکت کنند.



باید به گونه‌ای نماز را به پا نمود که مأمومین به این نتیجه نرسند که یا نماز یا زندگی، زیرا این مطلب و این نتیجه‌گیری لطمه‌ی شدیدی به نماز می‌زند. معادلات یا و یا را باید برهم زد و معادلات هم و هم را باید درست نمود. هم نماز، هم زندگی. هم حضور در نماز جمعه و جماعت و هم پذیرایی از مهمان. آن گاه امام می‌فرمایند: (ای مالک! وقتی که پیامبر مأموریت رهسپار شدن به یمن را به من سپرد، از او سؤال کردم: با آنان چگونه نماز بخوانم؟ پیامبر فرمود: با آن‌ها همانند ناتوان‌ترین‌شان نماز به‌جای آور و به مؤمنان مهربان باش).

والی باید در نماز نیز رحمتش، شامل حال مؤمنین گردد.

### برخورد با تارکین نماز جماعت

از آنجا که نماز جماعت دارای آثار و برکات فراوان است و ترک آن، پیامدهای ناخوشایندی را به دنبال دارد، حیف است آحاد جامعه از این فیض بزرگ محروم گردند. لذا حس خیرخواهی و نوع‌دوستی موجب می‌گردد که انسان از عدم حضور دیگران در نماز جماعت و محروم ماندن آنها از آثار ارزنده‌ی آن، احساس ناراحتی و ناخشنودی کند و در صدد ترغیب و تشویق دیگران به حضور در نماز جماعت و بهره‌مندی از این خوان گسترده‌ی الهی برآید.

حال چنانچه تشویق به انواع مختلف مؤثر واقع نگردد و افرادی علی‌رغم آگاهی از فیض عظمای نماز جماعت، همچنان بی‌اعتنا و بی‌توجه باشند، چه مسئولیت و وظیفه‌ای بر عهده‌ی انسان است؟ با آنها چگونه باید برخورد نمود؟ آیا باید بی‌تفاوت بود؟ پیشوایان معصوم ما روش‌هایی را پیشنهاد فرمودند که در اینجا متذکر برخی از آنها می‌گردیم.

### ۱- قطع رابطه

به امیر مؤمنان اطلاع دادند که گروهی در نماز جماعت حاضر نمی‌شوند، حضرت در مسجد حضور یافتند و ضمن ایراد سخنانی فرمودند: گروهی در نماز جماعت مساجد ما شرکت نمی‌کنند!

از این به بعد آنها با ما هم آب و غذا نشوند و با ما مشورت ننمایند و حق ازدواج با ما را ندارند، تا زمانی که در نماز جماعت ما حاضر شوند.

بعد از فرمایش امیر مؤمنان، مسلمانان نیز با آنها قطع رابطه نمودند و این عمل موجب تنبه آنها گردید و باعث شد در نماز جماعت حضور پیدا کنند.

بدیهی است برای تنبه افرادی که از روی بی‌اعتنایی از اجتماع مسلمانان روی گردان هستند و این عمل آنان موجب کم رونقی اجتماع مسلمانان می‌گردد، باید اینگونه رفتار نمود، تا لحظه‌ای به خود آمده، ضمن پی‌بردن به عواقب کار خود متنبه گردند.

## ۲- عدم معرفی

شناخت و معرفی افراد جامعه منوط به حضور آنها در نماز جماعت است. پیامبر اسلام در حدیثی می‌فرمایند: (اگر در مورد شخصی که در نماز جماعت حاضر نمی‌شود از شما سؤال نمودند، بگویید او را نمی‌شناسم). در حقیقت قیافه‌هایی که در نماز جماعت شرکت نمی‌کنند، ناشناخته‌اند.

## ۳- انذار و تهدید

فردی که در نماز جماعت به خاطر بی‌اعتنایی شرکت نمی‌کند و عملاً این کار او استخفاف نماز محسوب می‌گردد، بنابر حدیث، حاکم اسلامی لازم است او را تهدید و انذار کند و از عواقب دنیوی و اخروی این عمل، او را بترساند.

به هر صورت شخصی که در نماز جماعت حضور پیدا نمی‌کند، اگر این عدم حضور، بی‌اعتنایی و استخفاف نماز محسوب نمی‌شود، یک فضیلت بزرگ را از دست داده است و آن عدم درک نماز جماعت است و اگر خدای ناخواسته کار او بی‌اعتنایی و استخفاف نماز باشد، نه تنها یک فضیلت ارزنده را از دست داده، بلکه مرتکب خلاف و گناه گردیده است. مخصوصاً اگر استخفاف مکتب و مذهب را به دنبال داشته باشد و گفته شود که تشیع یعنی همین.

مواردی که نماز جماعت، واجب می‌شود

## ۱ - عدم صحت قرائت

کسی که قرائت حمد و سوره‌اش صحیح نیست و می‌تواند حمد و سوره را به طور صحیح فرابگیرد، ولی به هر دلیلی تاکنون یادنگرفته، نمازهای خود را باید با جماعت بخواند.

بنابراین درصد قابل توجهی از افراد جامعه که زبان عربی، زبان مادری آنها نیست و قهراً در یادگیری حمد و سوره کم و بیش مشکل دارند، لازم است تا زمانی که قرائت حمد و سوره خود را تصحیح نکرده‌اند در نماز جماعت شرکت نمایند و اگر همین فتوا به اطلاع اینگونه افراد برسد و مورد دقت قرارگیرد، هجوم انبوهی از نمازگزاران را در مساجد خواهیم داشت.

## ۲ - نذر و عهد و قسم

اگر کسی نذر کند که خدایا چنانچه مشکل من در فلان زمینه حل شود و حاجت من برآورده گردد، برای مدتی نماز را به جماعت می‌خوانم، یا با خدا عهد و پیمان می‌بنند که : من متعهد می‌شوم در نماز جماعت شرکت نمایم و یا به عنوان مثال بر اثر شنیدن فضائل و آثار نماز، قسم می‌خورد که یک سال نماز جماعت را ترک نکند. در این صورت، نماز جماعت بر شخصی که نذر یا عهد کرده و یا قسم خورده است، واجب می‌گردد.

## ۳ - وسواسی

اگر کسی مبتلا به وسواس در نماز باشد، به گونه‌ای که اگر بخواهد دست از وسواس بازی بردارد، چاره‌ای جز شرکت در نماز جماعت ندارد، حضور در نماز جماعت بر او واجب می‌شود.

## ۴ - دستور پدر و مادر

چنانچه پدر و مادری، فرزند خود را امر کنند که نمازش را به جماعت بخواند، در این صورت او باید نماز خود را با جماعت بخواند.

## دلایل رکود نماز جماعت

باتوجه به اینکه در مکتب تشیع، نماز جماعت از جایگاه والایی برخوردار است، شاید این سؤال به ذهن خواننده‌ی عزیز خطور نماید که چرا پیروان این مکتب، آنگونه که انتظار می‌رود در نمازهای جماعت شرکت نمی‌کنند؟ در پاسخ سؤال مزبور باید گفت: گرچه در تمامی بلاد اسلامی، شیعیان در نمازهای جماعت شرکت می‌کنند و در پاره‌ای از موارد دارای نماز جماعت‌های باشکوهی نیز هستند، لکن در مجموع، این نماز جماعت‌ها متناسب با جایگاه شایسته‌ی خود نیست! البته برای عدم حضور شایسته، دلایل و عواملی وجود دارد. امید است جامعه‌ی ما با دقت در این عوامل و یا ریشه‌یابی آنها و ارائه‌ی راه‌حل‌ها، خود را در آن فضای شایسته که مورد نظر و رضایت اهل بیت(ع) است، قرار دهد. برخی از آن عوامل به قرار زیرند:

### ۱ - مخالفت با اجتماع شیعیان

در طول تاریخ اسلام، عناصر تنگ‌نظر بر اثر تعصب‌های کورکورانه و احمقانه علیه شیعه و شیعیان نظریاتی ابراز می‌داشتند که حساسیت‌های زیادی را در جامعه ایجاد می‌نمود. این حساسیت‌ها که اغلب توسط عالمانی متعصب - که مجریان حکومت‌های فاسد بودند به وجود می‌آمد، زمینه‌ی تجمع شیعه را ضعیف می‌ساخت و از این که شیعه دارای اجتماعات باشکوهی حتی به صورت نماز جماعت باشد، جلوگیری به عمل می‌آورد. صفحات تاریخ، بیانگر این ممانعت‌ها و جوسازی‌ها علیه شیعه و خط اهل بیت(ع) است. به عنوان نمونه به ذکر یک مورد بسنده می‌کنیم:

دختر یکی از شیعیان درگذشت. پدر در ماتم او گفت: من از مرگش آن اندازه ناراحت نیستم که تا زنده بود نتوانستم به او بگویم دخترم تو سید هستی! از این بابت بیشتر ناراحت هستم و می‌سوزم.

در زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس با شیعیان و اهل بیت چگونه رفتار می‌شد؟ در همین اواخر، خلافت عثمانی که بر بخش عظیمی از جهان اسلام حاکم بود با پیروان امام صادق(ع) چگونه رفتار می‌کرد؟

تصور نشود که فتوای احمقانه‌ی آخوندهای وهابی و قلم به مزدان حکومت‌های دست‌نشانده که امروزه بدترین نظریات را به شیعه نسبت می‌دهند، اقدام منحصر به فردی است! البته باید اذعان نمود

که در بین علمای اهل سنت، انسان‌هایی با دید باز یافت می‌شدند که نسبت به شیعه حساسیتی نداشته که متأسفانه این تنگ‌نظری‌ها لطمات فراوانی به جامعه‌ی اسلامی زد و موجب قتل و غارت‌هایی گردید، فراوان مشاهده شده است و این سرگذشت شیعه در تاریخ است. لذا شیعه در طول تاریخ کمتر توانسته است، اجتماعات خویش را حفظ کند.

هم‌اکنون نیز در برخی کشورهای اسلامی که تنگ‌نظران حکومت می‌کنند، وضع شیعه این چنین است! این در حالی است که برادران اهل سنت در میهن اسلامی ما از لحاظ مساجد، مدارس دینی و اجتماعات دارای وضعیت خوبی هستند - به عنوان مثال مساجد و مدارس برادران اهل سنت در استان هرمزگان چندین برابر مساجد و مدارس شیعه است - و این طبیعت و مقتضای فقه شیعه و حاکمیت ولایت فقیه است که با دید و نگرشی باز به همه فرصت می‌دهد تا به مقتضای فقهشان عمل کنند.

هم‌اکنون در برخی کشورهای اسلامی با وجود کثرت جمعیت، شیعیان حتی یک مسجد ندارند. در برخی کشورها شیعیان چندین بار اقدام به ساخت حسینیه کردند، اما متأسفانه آن را خراب نمودند. در برخی کشورها به اجتماعات شیعیان حمله‌ور می‌شوند و آنها را به خاک و خون می‌کشند و تازه این نحوه‌ی برخورد کنونی آنهاست که به اصطلاح دوران دفاع از آزادی و حقوق بشر است، تا چه رسد به پانصد سال و هزار سال قبل و یا سده‌های اولیه‌ی اسلام که اساساً بنابر محو و نابودی مکتب اهل بیت (ع) بود.

باوجود این جوهای مخرب که در آن شیعه و جعفری و پیرو اهل بیت بودن جرم بود، شیعیان کجا می‌توانستند نماز جماعت باشکوه و شایسته‌ای تشکیل دهند؟ کجا می‌توانستند تمرکز داشته باشند؟ جایی که در بسیاری از موارد، حضور مساوی با شناسایی، سپس آزار، و نابودی آنها بود.

## ۲ - شرایط امام جماعت

عامل دومی که از حضور شیعیان در نماز جماعت کاسته و در پاره‌ای از موارد آنها را از داشتن نماز جماعت‌های باشکوه محروم ساخته است، مسأله‌ی عدالت امام جماعت است.

در مکتب تشیع، امام جماعت باید عادل باشد، در غیراین صورت، اقتدا به او جایز نیست و سبب بطلان نماز می‌گردد. فلسفه‌ی ضرورت چنین ویژگی برای امام جماعت این است که ناشایستگان فرصت نفوذ و رهبری و پیشوایی را در جامعه‌ی اسلامی پیدا نکنند. این مسأله در برخی اذهان به طور غلط جای گرفته

و گاهی تأثیرات منفی داشته است و متأسفانه در بسیاری از موارد این قضیه حالت افراط و زیاده‌روی پیدا نموده و با وسوسه‌های شیطانی در امر عدالت امام جماعت مواجه گردیده است.

مسأله‌ی عدالت که به قصد تطهیر و پاکی اجتماع مسلمانان در فرهنگ اسلامی مطرح است، براساس زیاده‌روی‌ها، وسوسه‌ها و بدگمانی‌ها، موجب کمرنگی اجتماع شیعیان شد. البته این مایه‌ی افتخار است که مکتب اهل بیت (ع) عدالت را هم در امام شرط می‌داند و هم در امام جماعت، امام جماعت نیز که در یک حرکت عبادی پیشاپیش مردم می‌ایستد، باید عادل باشد.

از طریق اهل بیت (ع) روایات متعددی دریافت نموده‌ایم که لزوم عدالت امام جماعت را بیان می‌کند. از جمله می‌توان به روایات زیر اشاره نمود:

۱ - پیامبر (ص) می‌فرمایند: (اگر می‌خواهید نمازی پاک و پاکیزه داشته باشید، برگزیدگان خود را مقدم دارید).

۲ - امام هشتم (ع) می‌فرماید: (نماز پشت سرانسان فاسق و فاجر، نماز نیست).

۳ - امام هشتم (ع) در پاسخ شخصی که سؤال نمود: آیا به مردی که شیعه است و به امامت اهل بیت معتقد است ولكن انسانی گناهکار و آلوده است می‌توان اقتدا کرد؟ فرمودند: نه.

۴ - ابوذر می‌فرماید: (امام جماعت تو، شفیع توست در پیشگاه خدا، هیچ‌گاه شخص نادان و فاسق را شفیع خود قرار نده).

راستی، چنانکه از شما خواسته شود فردی را به عنوان نماینده‌ی خود انتخاب نمایید، چگونه فردی را انتخاب می‌کنید؟ آیا می‌پسندید انسان سفیهی را به عنوان سخنگو و نماینده‌ی خود انتخاب کنید؟ نماز جماعت سیل خروشان بندگان خداست که یک زبان به نمایندگی از تمامی آنها با خدا سخن می‌گویند، و امام جماعت در واقع سخنگوی نمازگزاران در پیشگاه خداست. آیا صحیح است که این زبان، زبان انسانی آلوده و یا سفیه باشد؟

بنابراین آنچه روایات بیانگر آن است، لزوم عدالت امام جماعت است.

اما عدالت چیست وحد و مرز آن کدام است؟

وسوسه‌ها از اینجا شروع می‌شود. برخی در نماز جماعت شرکت نمی‌کنند و در پاسخ این سؤال که چرا شرکت نمی‌کنید؟ عدم احراز عدالت امام جماعت را مطرح می‌کنند و می‌گویند: چگونه می‌توانیم پی ببریم که امام جماعت عادل است؟

از موانع برگزاری نماز جماعت باشکوه و متناسب با فرهنگ شیعه، همین وسوسه‌ها در امر عدالت امام جماعت است. در حالی که آنچه در فرهنگ و فقه ما در مسأله‌ی عدالت مطرح است، حسن ظاهر افراد است. در کتب فقهی ما نیز آمده است که چنانچه شماری از مؤمنین به فردی اقتدا کردند و یا فرد شایسته‌ای به عدالت او گواهی داد، همین برای عدالت او کافی است و بیش از این نیازی نیست.

اگر چنانچه معتقد شویم که باید به وجود عدالت (که همان پدیدآمدن ملکه‌ی نفسانی و حالتی در درون انسان است که او را از گناه باز می‌دارد) در امام جماعت یقین پیدا کنیم، نتیجه‌ی عملی این گونه تفکر، ترک نماز جماعت است که اسلام خواهان آن نیست. درست است که اسلام نمی‌خواهد ناپاکان پیشوا و امام جماعت گردند و فاسق و فاجر نباید امام جماعت شود، اما این مطلب بدان معنا نیست که چنانچه وارد مسجدی شدیم و عده‌ای از مؤمنین را مشاهده نمودیم که به امام جماعتی اقتدا نموده‌اند، احتیاط کنیم! به طور قطع این احتیاط خلاف احتیاط است و همان حسن ظاهر و اقتدای جمعی از نمازگزاران برای ما کافی است. بنابراین دچار وسوسه‌های شیطانی و نفسانی نباید شد، زیرا تکلیف پر کردن مسجد است.

### ۳- خطبازی و جناح‌گرایی

عامل دیگری که از رونق نماز جماعت می‌کاهد و متأسفانه بعد از انقلاب نیز تشدید پیدا کرده، در نظر گرفتن مسائل به اصطلاح خطی و جناحی در امر اقامه‌ی نماز است. برخی انتظار و توقع دارند که امام جمعه یا جماعت در جریان خاصی حرکت نماید و آن چیزی را بگوید که آنها مایل هستند.

اگر حضور افراد در نماز جمعه و جماعات بر این مبنا باشد، خواسته و ناخواسته به کم‌رنگ شدن اجتماعات منتهی می‌گردد. لذا در امر اقامه‌ی نماز جمعه و جماعت باید این سعه‌ی صدر را داشته باشیم که خواه امام جمعه و جماعت سخن و نظر مرا ابراز دارد یا ندارد و خواه از جریانی که من وابسته به آن هستم حمایت نماید و یا نکند، بدور از همه‌ی این مسائل، نماز جمعه و جماعاتمان را باشکوه برگزار نماییم.

البته شخص امام جمعه و یا جماعت نیز باید به این نکته توجه داشته باشد. سخن و برخورد او نباید به گونه‌ای باشد که منجر به بی‌رونقی نماز و کم‌رنگی اجتماع مسلمانان گردد. او باید عنایت داشته باشد که او امام کل است و به عنوان محور همه مطرح است. او باید با سعه‌ی صدر و با برخوردهای سازنده، زمینه‌ی حضور همه را در نماز فراهم سازد و مشوق آنها گردد و مراقب باشد به گونه‌ای عمل نشود که عده‌ای از اهل محل و یا شهر احساس نمایند بی‌محور و حامی هستند.

ائمه‌ی محترم جمعه و جماعات و روحانیت معظم باید به مسئولیت عظیم خویش عنایت داشته باشند و خود را در جریانات سیاسی و اختلافات محلی و درگیری با جناح‌ها داخل ننمایند، تا در مجموع، همه‌ی مردم، نماز جمعه و جماعت را مربوط به خود، اسلام و تجلی‌گاهی از وحدت اسلامی بدانند و سعی نمایند با حضور گسترده‌ی خود در برپایی نمازهای باشکوه سهیم و شریک گردند.

### توجه به معنای واقعی واژه‌ها

اینگونه جریانات، به دلیل سطحی‌نگری نسبت به مسائل اسلامی و ناآگاهی از معارف ناب و خالص آن و بدون دقت در لغات، از واژه‌ها چماقی ساختند برای تکفیر مسلمانان، به عنوان مثال از ناحیه‌ی همین کلمه‌ی «شرک»، توسط وهابی‌ها چه لطمه‌هایی به اندیشه و تفکر مسلمانها وارد آمده است.

### ریا و شرک

استفاده از این گونه تعبیر در قرآن و احادیث فراوان است.

از واژه‌هایی که بیشترین بازی را با آن کرده‌اند، کلمه‌ی شرک است. اینها می‌گویند کلمه‌ی شرک در هرکجای قرآن و روایات یافت شود به معنای آن است که دارنده‌ی آن مسلمان نیست و از جامعه‌ی اسلامی خارج است. اما دقت در آیات و روایات چیز دیگری را بیان می‌کند، به عنوان مثال در آخرین آیه‌ی از سوره‌ی کهف آمده است: «فمن كان يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا و لا يُشْرِكْ بعبادة رَبِّهِ احداً» (هرکس به لقای پروردگارش امیدوار است، باید عمل نیک انجام دهد و احدی را در عبادت و پرستش پروردگارش شریک نگرداند).

به اعتقاد مفسران این آیه شامل ریا می‌شود (البته برخی مفسران معتقدند که فقط همین آیه در مورد ریاست).



با اندک تأملی متوجه می‌شویم که شرک در این آیه با «شرک کفری» نمی‌خواند، زیرا در این آیه آمده است «فمن كان يرجو لقاء ربه» (هرکس که می‌خواهد به لقاء پروردگارش برسد). بدیهی است که این امید برای کسی است که خدا را قبول دارد، حال اگر شرک در این آیه را، شرک مترادف با کفر منظور کنیم، به استناد این آیه باید بگوییم غیر از افراد اندکی همه‌ی مسلمانها مشرکند، به طور قطع منظور از شرک در این آیه بدین معناست، مضافاً اینکه روایات مطلب را کاملاً روشن می‌کنند. در تفسیر فتح القدير حدیثی از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که مقصود، از شرک در این آیه را واضح می‌کند.

شداد بن اوس می‌گوید: شنیدم از پیامبر اسلام(ص) که می‌فرمود: (نسبت به امتم از دو چیز نگرانم، شرک و خواهش‌های نفسانی پنهان).

راوی سؤال می‌کند: یا رسول الله بعد از شما امت مشرک می‌گردند؟ پیامبر می‌فرماید: بله، سپس ادامه می‌دهند: (اما آنها پس از من، نه خورشیدی می‌پرستند و نه ماهی و نه سنگی، لکن با کارهایشان خودنمایی می‌کنند و ریاکاری می‌نمایند)

در این روایت به رغم اتهام‌های وهابیون به مسلمانان، پیامبر اسلام(ص) تصریح می‌کند که شرک در مقام اعتقادی متوجه جامعه‌ی اسلامی نمی‌شود، منتهی آن چیزی که مسلمان‌ها گرفتار آن می‌شوند این است که کارهایشان را برای غیر خدا انجام می‌دهند. روزه می‌گیرند، نماز می‌خوانند، زکات می‌دهند و بسیاری از کارهای دیگر، ولی خالص برای خدا نیست و این شرک در مقام عمل است.

در روایت دیگری از پیامبر اسلام(ص) فرمودند: (کسی که برای خودنمایی نماز بخواند، او مشرک شده است و کسی که برای خودنمایی صدقه بدهد، او نیز مشرک شده است).

آن گاه پیامبر آیه‌ی شریفه «فمن كان يرجو...» را تلاوت فرمود.

در کتاب تفسیر قمی در پایان این روایت از امام نقل شده است که منظور از این شرک، ریا است. البته روایات زیادی از طرف شیعه و سنی داریم که از ریا به عنوان مشرک نام برده شده است. به عنوان نمونه مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی(ره) در کتاب وسیله النجاة و حضرت امام(ره) در تحریر الوسیله نقل می‌فرمایند که: در روز قیامت به ریاکار گفته می‌شود: ای کافر! ای مشرک!

بنابراین نتیجه می‌گیریم که اگر بنا باشد به استناد ظاهر این روایات هرکس که ریا کند، ولو کمترین ریا، مشرک قلمداد شود، پیامد این سخن چه خواهد بود؟ آیا جز این است که در هر زمان،

فقط عده‌ی انگشت‌شماری مسلمان بیشتر نخواهیم داشت! و چه اندیشه‌ای بدتر و خطرناکتر از این که سعی نماید، یاوران پیامبر را هرچه کمتر و کمتر نشان دهد و با هزار دلیل ثابت کند که مسلمانان مسلمان نیستند و معتقدین به قرآن مشرک هستند! زیرا مثلاً قبر پیامبر را می‌بوسند و یا تسبیح به دست دارد و یا و.. و این استفاده‌ی نامشروع از لغات است که متأسفانه در طول تاریخ رواج داشته است.

بنابراین هرکجا کلمه‌ی شرک باشد، به معنای نفی ربوبیت پروردگار نیست، ممکن است کسی خدا را قبول داشته باشد، صفات جلال و جمال او را پذیرفته باشد و همه‌ی کمالات را فقط از خدا و برای خدا بداند، اما مثلاً هنگامی که نماز می‌خواند و یا روزه می‌گیرد و یا زکات می‌پردازد، چون خودش را تربیت نکرده، گوشه‌ی چشمی هم به نگاه شریک نموده است. او در عمل مشرک شده است، ولی اگر کسی در مقام عمل، برای خدا شریک قائل گردید، دلیل نمی‌شود که در مقام اندیشه و اعتقاد هم برای خدا شریک قائل باشد. منتهی چون او اسیر هوای نفس است، گاهی اوقات کارهایش را برای غیرخدا انجام می‌دهد.

### هوای نفس و شرک

البته چقدر خوب است که ما همه‌ی کارهایمان را فقط به خاطر خدا انجام دهیم. «قل ان صلاتی و نُسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین»

مشابه همین مطلب را در این آیه‌ی شریفه هم داریم: «ارأیت من اتخذ الهه هواه» (آیا آن کسی را که هوای نفس خود را خدای خویش قرار داده است، مشاهده کردی؟)

بدیهی است مسلمانی که تسلیم هوای نفس است، منکر خدای خود نیست و هوای نفس خود را خالق و رازق خود نمی‌داند، بلکه اسیر هوای نفس است. در واقع اطاعتی که باید از خدا داشته باشد، از نفس خویش دارد. آن شرکی ضد ایمان است که کسی برای غیرخدا به طور مستقل اثر قائل شود، اما اگر کسی چیزی را مؤثر بداند به عنوان اینکه این اثر را خدا به او داده است، این نه تنها شرک نیست، بلکه ایمان است.

آن شرکی که قرآن می‌فرماید: خداوند همه‌ی گناهان را به جز آن می‌بخشد، شرک در ربوبیت است. یعنی کسی برای غیرخدا بالاستقلال اثری قائل شود این انسان از نظر فکری و اعتقادی آلوده و منحرف است و دیگر مسلمان نیست و نجس می‌باشد.

## تضییع نماز

همان گونه که قبلاً متذکر شدیم در مجموعه‌ی عناوینی که درباره فریضه‌ی نماز مطرح است، به دو عنوان جامع برخورد می‌کنیم که تمامی مسائل مربوط به این فریضه را میتوان حول این دو عنوان، مطرح کرد و مورد بحث و بررسی قرارداد. آن دو عنوان جامع و کلی عبارتند از «اقامه‌ی نماز» و «اضاعه‌ی نماز»، که در اینجا به ارائه‌ی توضیحاتی در مورد اضعای نماز و یا به عبارتی دیگر، تضییع نماز می‌پردازیم.

در آیات و روایات، از ترک نماز و همچنین بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به نماز و یا عدم رعایت حدود و ثغور آن، از عنوان «اضاعه‌ الصلوة» استفاده شده است.

قرآن کریم در سوره‌ی مریم پس از بیان سرگذشت اجمالی برخی انبیای بزرگوار و ذکر اعمال صالح آنها از جمله نماز و اشاره به این مطلب که هنگامی که آیات الهی بر آنها خوانده می‌شود به سجده می‌افتادند، می‌فرماید: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ» (پس از آنها افراد نالایقی جانشین آنها شدند که نماز را ضایع ساختند و از شهوات و تمایلات نفسانی پیروی کردند).

قرآن در این آیه از سرگذشت گروهی سخن می‌گوید که از برنامه‌ی روزانه‌ی زندگی‌شان نماز را حذف کردند و هنگامی که از نماز بریدند، سراسیمه سراغ شهوات شتافتند (وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ) و لقمه‌ی لذیذی برای تمایلات نفسانی و شیطانی شدند.

آری فرد و جامعه‌ای که از نماز فاصله بگیرد، گرفتار شهوات می‌گردد و آیا کسی که عنان زندگی خویش را در اختیار هواهای نفسانی قراردهد، سرنوشتی جز گمراهی و ناامیدی در انتظار اوست؟! چنین فرد و جامعه‌ای، عوامل رشد خود را درهم کوبیده و موانع آن را به دست خویش فراهم ساخته است.

امیر مؤمنان (ع) منظور از شهوات در این آیه را ساختمان‌های زیبا، مرکب‌های سواری مطلوب و لباس‌های فاخر و چشمگیر دانسته‌اند.

نکته‌ی قابل توجه این است که در تعریفی که امیر مؤمنان (ع) از شهوات دارند، سخن از گناه نیست، بلکه آنچه به آن عنایت شده است، توجه و گرایش به فرهنگ رفاه‌طلبی در جامعه است.

نکته‌ی دیگری که قابل توجه است و از آیه می‌توان برداشت نمود، این مطلب است که، چنانچه امکانات رفاهی همراه با نماز - به عنوان تبلور زیبایی‌ها و عصاره‌ی نیکی‌ها و وسیله‌ی ارتباط انسان با خدا - باشد

خیر است و برکت ، و اما اگر نماز از جامعه حذف شود و تنها رفاه مورد توجه قرار گیرد، سیر این جامعه به سوی خوشبختی نخواهد بود.

قرآن آینده‌ی چنین جامعه‌ای را اینگونه ترسیم می‌کند:

«فسوف یلقون غیا» (اینها به زودی گرفتار شر می‌گردند)

داشتن خانه‌ی خوب، مرکب راهوار و لباس زیبا، چنانچه همراه با معنویت نباشد، در هر صورت، مایه‌ی نکبت و بدبختی است. منتهی اگر این امکانات توأم با گناه شود بدتر است. هرچند، توجه به رفاه و گسترش آن در جامعه، منهای معنویت، دیر یا زود جامعه را آلوده به گناه می‌کند. ( فسوف یلقون غیا) و چنین جامعه‌ای لیاقت برخورداری از خیر و برکت را ندارد. قرآن دلیل بی‌لیاقتی ایشان را همین تضييع نماز و پیروی از هوس‌های نفسانی می‌داند.

و این اشاره‌ای است به آینده‌ی زشت و نامناسب جامعه‌ای که با فرهنگ رفاه زندگی می‌کند و به زودی درمی‌یابد که چگونه غرق در گناه و آلودگی شده است. البته این آینده‌ی ناگوار، هم می‌تواند در دنیا باشد و هم در آخرت.

### مراتب تضييع نماز

اضاعه‌ی نماز دامنه‌ی بسیار گسترده‌ای دارد و شامل کسی می‌گردد که نسبت به نماز سهل‌انگارست، یا اهمیتی به نماز نمی‌دهد، یا برای یادگرفتن احکام و مسائل آن تلاش نمی‌کند، یا در نماز به گونه‌ای که شایسته است، حالت نمازگزار به خود نمی‌گیرد، یا شرایط نماز را رعایت نمی‌کند، یا به انجام نماز در اول وقت توجهی ندارد و یا دقتی برای انجام صحیح ارکان و واجبات نماز از خود بروز نمی‌دهد.

البته اگر تهاون و سستی نسبت به نماز و تضييع نماز به حد اعلا برسد که همان ترک نماز باشد، این دیگر در مرز کفر است. لذا در روایات داریم شخصی خدمت امام صادق(ع) رسید و از گناهان کبیره سؤال نمود. امام گناهان کبیره را با کفر شروع کرد و سایر گناهان کبیره را برشمرد. راوی عرض کرد: یا بن رسول الله از ترک نماز چیزی نفرمودید؟ امام فرمودند: «ترک الصلوة داخل فی الکفر» (ترک نماز داخل در کفر است)

در واقع ترک نماز خود داخل در کفر و به عنوان اولین گناه کبیره است!

البته نمی‌خواهیم بگوییم که اگر کسی نماز نخواند کافر است و احکام کفر بر او جاری است، بلکه به دلیل شدت قبح ترک نماز موقعیت چنین کاری در مرز کفر است، مگر آنکه نماز را انکار کند که انکار نماز، کفر است.

## پی آمدهای ناگوار تضييع نماز

تضييع نماز تبعات و عواقب ناخوشایندی در دنیا و آخرت به دنبال دارد که با نقل دو حدیث از پیامبر اکرم(ص) به ذکر برخی از آنها می‌پردازیم:

### بی‌دینی

• پیامبر اکرم(ص) با جمعی از اصحاب در مسجد نشسته بودند. مردی وارد شد و به نماز ایستاد. البته نمازی خواند که حق رکوعش و سجده‌اش را ادا نکرد. پیامبر(ص) فرمود (نوک زده، مانند نوک زدن کلاغ. اگر او از دنیا برود و همین نمازش باشد، به دینی غیر از دین من از دنیا رفته است) روزی حضرت فاطمه(س) از پدر بزرگوارشان سؤال فرمودند: یا رسول الله کسی که نسبت به نماز سستی کند چه وضعیت و سرنوشتی دارد؟ پیامبر فرمودند: دخترم هرکس نماز را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده بلا دچار می‌سازد که شش تای آن مربوط به دنیا، سه تای آن مربوط به هنگام مرگ، سه تای دیگر مربوط به قبر و سه تاهم مربوط به قیامت است.

### بلاهای دنیوی و اخروی

اما آن شش بلایی که در دنیا گریبانگیر او می‌شود:

اول: خداوند برکت را از عمرش می‌گیرد.

دوم: خداوند برکت را از روزی‌اش می‌گیرد.

## فرق «برکت» و «زیادی»

نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است اینکه فرق است بین برکت و زیادی، ممکن است چیزی زیاد باشد، اما برکت نداشته باشد برعکس ممکن است چیزی کم باشد، اما دارای برکت باشد. آیا فکر می‌کنید که امروزه بشر با این همه امکاناتی که در اختیار دارد وضعیتش حتی از نظر مادی خوب است؟ آیا اگر بیشتر از این به سوی خدا می‌رفت وضعیتش، حتی وضع مادی‌اش بهتر از این نبود؟ آیا از این سرمایه‌های مادی نمی‌شد بیش از این استفاده کرد؟

به راستی بشر امروز چه مقدار از سرمایه خود را برای به فساد کشاندن انسانها خرج می‌کند؟ امروزه قسمت عظیمی از ثروت و امکانات و استعدادهای بشری خرج تسلیحات می‌گردد! و این سرنوشت اسفبار بشری است که از خدا و معنویت جدا شده است. به عبارت دیگر باید بگوییم بشری که از معنویت جدا شده، حتی در کسب مادیات هم عقب افتاده است!

بشر منهای معنویت، در حقیقت یعنی بشر منهای معنویت و مادیت. زیرا فرار از معنویت به طور عام و از نماز به طور خاص، زندگی خوش و سعادت‌مندی را برای انسان در پی ندارد، بلکه موجب بی‌برکتی عمر و روزی او می‌گردد. راستی اگر این همه امکانات و سرمایه، عمر انسانها و قویترین استعدادها و مغزهای انسانها که امروزه صرف ساخت و گردآوری سلاح‌های مخرب می‌گردد و یا صرف به فساد کشاندن جوانان می‌شود، برای اصلاح و عمران جامع بشری مصرف می‌گردید، جامعه‌ی بشری امروز دارای چه وضعیتی بود؟ تعجب نکنید اگر ما می‌گوییم جامعه‌ی بی‌نماز یعنی جامعه‌ی بی‌برکت! یعنی جامعه‌ای که نه روزی‌اش برکت دارد و نه عمرش. و ادعا نکنید که جامعه‌ی امروز بشری با اینکه نماز نمی‌خواند، ولی برکات فراوانی دارد.

سؤال می‌کنیم که کجای این زندگی برکت دارد؟! هم اکنون ناراحتی‌های روانی، بزرگترین خطری است که جامعه‌ی انسانی را تهدید می‌کند. امروزه بسیاری از انسانهای مرفه در حسرت چند ساعت خواب بدون استفاده از داروهای خواب‌آور هستند. یعنی آنها حتی از خوابی که یک فقیر با ایمان از آن بهره‌مند است، محروم‌اند.

اینها معلول چیست؟ اگر بشر امروز چشم باز کند و به درستی بیندیشد، پی به سخن امام عزیزمان (ره) می‌برد که فرمود: بحران بشریت، بحران معنویت است.

بشر اگر به معنویت در زندگی خود و فرزندان خویش توجهی نکند و یادر برنامه‌ریزی‌های خود به معنویت ارج نگذارد، حتی اگر از نظر مادی غرق در ناز و نعمت شود، تازه اول بدبختی و گرفتاری اوست.

جامعه‌ی مدینه، درصدر اسلام، یک جامعه‌ی فقیر بود، اما بر اثر توجه به معنویت، در مقابل دنیای شرک و کفر آن روز ایستاد و پیروز شد و زمانی این جامعه ضربه خورد که از معنویات جدا شد و به سراغ رفاه رفت. آری آنگاه که رفاه‌گرایی سمت و سوی حرکت جامعه شود و نماز ضایع گردد، خداوند نیز برکت را از عمر و روزی انسان‌ها برمی‌دارد.

سوم: خداوند سیمای نیکوکاران را از او می‌گیرد. او دیگر روشنی قیافه‌ی شایستگان را نخواهد داشت.

چهارم: هر عملی که انجام دهد، نتیجه‌ای برای نخواهد داشت و مزدی نخواهد گرفت.

پنجم: دعایش مستجاب نمی‌گردد.

ششم: از دعای انسان‌های شایسته نیز سهم و بهره‌ای ندارد.

بدیهی است که انسان‌های شایسته در حق همسایگان، دوستان و اقوام خود دعا می‌کنند. از همه بالاتر، وجود مقدس امام زمان(عج) در حق مؤمنان و شیعیان خود دعا می‌فرمایند، اما برطبق این حدیث این دعاها شامل حال کسی که نسبت به نماز بی‌اعتناست نمی‌گردد.

**و اما سه مصیبت و بلایی که مربوط به هنگام مرگ اوست :**

اول: با خواری می‌میرد.

دوم: گرسنه از دنیا می‌رود.

سوم: تشنه از دنیا می‌رود، به نحوی که هرچه به او آب دهند سیراب نمی‌شود! و این فرصت مناسبی است برای شیطان که با ارئه‌ی مختصری آب - در هنگام احتضار - ایمان معلق در هوای او را بگیرد.

**و اما آن سه که مربوط به قبر است :**

اول: گرفتار عذاب می‌شود .

دوم: قبر او تنگ می‌گردد.

سوم: دچار ظلمت و تاریکی قبر می‌شود.

## و اما آن بلاهایی که در قیامت گرفتار آنها می‌گردد :

اول: خداوند ملکی را مأمور می‌کند تا در روز قیامت او را به صورت بر روی زمین بکشانند و مردم او را در چنین حالتی مشاهده.

آری صورتی که در برابر خدا به نماز نایستد، در روز قیامت باید بر روی زمین کشیده شود.

دوم: در روز قیامت با شدت و سختی به حسابش رسیدگی می‌کنند (یحاسب حساباً شدیداً)

سوم: عنایت و لطف خداوند شامل حال او نمی‌گردد (لاینظر الله الیه و لایزکیه و له عذاب الیم)

خواننده‌ی گرامی! مگر خواندن نماز با مراعات آداب آن چقدر طول می‌کشد، و چه اندازه وقت شما را می‌گیرد؟ چه عجله‌ای دارید، به چه کاری مهم‌تر از نماز می‌خواهید برسید؟ بفرض، هر دقیقه از عمر شما ارزش زیاد مادی داشته باشد، این چند دقیقه که صرف نماز می‌شود چه ضربه‌ای به شما می‌زند؟ حال بگذریم از خواندن تعقیبات و دعاها و طولانی و انجام مستحبات، اما لاقلاً انجام واجبات به طور کامل و صحیح از هر مسلمانی انتظار می‌رود.

بدیهی است که اگر نمازگزار بداند رکوع چیست، سجده چیست و ... چیست، این همه نمازش را سرسری نمی‌گیرد و به این راحتی از آن نمی‌گذرد.

انسانی که در غذا خوردن سعی میکند بهترین غذاها را انتخاب کند و در مصرف غذا تنوع داشته باشد حیف است و مایه‌ی تأسف، که در مسائل معنوی این همه قانع باشد و صرفه‌جویی نماید و واجبات و ارکان نماز خود را، نصف و نیمه و دست و پا شکسته انجام دهد. متأسفانه قناعتی را که در مسائل مادی سفارش شده است، ما در مسائل معنوی مراعات می‌کنیم!

خواننده‌ی گرامی! مبادا شیطان ما را فریب دهد که فلان کار جای نماز را می‌گیرد. به طور قطع هیچ خیری و هیچ کاری و هیچ حرکتی جای نماز را نمی‌گیرد.

## نکات ظریف

عارفان نمازگزار، یعنی کسانی که از اقامه‌ی نماز بهره‌ها برده‌اند، برای بهره‌برداری بهتر و کامل‌تر از فریضه‌ی ارزشمند نماز، توجه به نکاتی را لازم و رعایت آنها را ضروری می‌دانند.



این نکات در کتاب ارزنده‌ی اسرار الصلوة تألیف حاج میرزا جوادآقا ملکی تبریزی، استاد بزرگوار حضرت امام خمینی (ره) ذکر شده است. خوشبختانه این کتاب اخیراً به فارسی ترجمه شده است.

مرحوم میرزا جوادآقا ملکی تبریزی در این کتاب شریف به منظور شناخت حقیقت نماز، و نه تنها صورت ظاهری آن، می‌فرماید:

آنچه از اخبار فهمیده می‌شود این است که حقیقت نماز بوجود شش معنا کامل می‌گردد :

حضور قلب ، تفهم ، تعظیم ، خوف ، رجا ، حیا

منظور از حضور قلب آن است که حواس نمازگزار، هنگام اقامه‌ی نماز متمرکز در نماز و متوجه آن باشد. او باید مراقب باشد که ذهن و فکر او به دنبال مسائل و مطالب دیگر نرود. در نماز به دنبال گمشده‌های خود نگردد و یا طرح و اندیشه‌ای را در ذهن خود نپرورد، به گونه‌ای حواسش در همه‌جا باشد، غیر از نماز. نمازگزار اگر می‌خواهد یک نماز جانانه و جامع و دارای آثار ارزنده برگزار نماید، باید حواس خود را جمع و متمرکز در آن نماید و در طول نماز متوجه باشد چه کاری را دارد انجام می‌دهد.

حضور قلب دارای درجات و مراتبی است، درجه‌ی اعلای آن فراموش کردن خود و دنیای مادی است و محو شدن در خدا و فنای در معبود و معشوق، همانند حضور قلبی که پیامبر اسلام و امیر مؤمنان و سایر ائمه‌ی بزرگوار (ع) به هنگام نماز در پیشگاه خدا دارند. و کمترین رتبه‌ی حضور، آن است که شخص نمازگزار، بداند الان در چه مرحله‌ای از نماز است! او هم اکنون کدامیک از واجبات نماز را دارد به جای می‌آورد و یا چه ذکر و سخنی را بر زبان جاری می‌کند. حال اگر به معنا و راز و رمز آن هم آشنا نیست، حداقل بداند الان چه می‌گوید و چه می‌کند.

در اینجا برای بیان جایگاه و اهمیت حضور قلب در نماز به نقل چند حدیث می‌پردازیم.

• امام باقر (ع) می‌فرماید: (از بنده‌ی خدا، گاهی نصف نماز او و گاهی یک سوم و یا یک چهارم و یا یک پنجم آن پذیرفته می‌شود. و به طور کلی از نماز آن مقدار که با حضور قلب و تمرکز حواس اقامه شده ، قبول می‌شود).

## رفع تکلیف یا پذیرش نماز

بیان این نکته مفید است که قبولی نماز یک مطلب است و انجام تکلیف و ساقط شدن آن از گردن انسان مطلبی دیگر! زیرا ممکن است شخص مکلف، نماز خود را بخواند درحالی که چندان حواسش هم در نماز نباشد، اما همین اندازه متوجه باشد که مشغول نماز است و دارد نماز می‌خواند. در این صورت، نماز از گردن او ساقط می‌شود، بدین معنا که لازم نیست دیگر نماز خود را اعاده کند، اما شاید این نماز او مورد پذیرش درگاه خداوند قرار نگیرد. بنابراین خواندن چنین نمازی درست است که ذمه‌ی نمازگزار را بری می‌کند، اما آیا این نماز می‌تواند انسان را از گرفتاری‌های روز قیامت برهاند؟ و او رادر آن صحنه‌ی وانفسا کمک کند؟ و آیا چنین نمازی دارای آثار ارزنده‌ی «تنهی عن الفحشاء و المنکر» و «الا بذکر الله تطمئن القلوب» و ... نیز هست؟

- پیامبر اسلام(ص) می‌فرمایند: (هنگامی که به نماز می‌ایستی با تمام وجود متوجه پروردگارت باش).
- امام صادق(ع) می‌فرماید: (زمانی که روبروی قبله قرارگرفتی، از دنیا و آنچه در آن است و از خلق و آنچه در میان آنهاست، قطع امید کن)
- لازم است نمازگزار در این لحظات و در طول اقامه‌ی نماز در اندیشه و فکر مسائل دنیایی نباشد، زیرا او در محضر پروردگار است و آن هم حضوری خاص. متأسفانه گاهی این قضیه برعکس اتفاق می‌افتد و شخص نمازگزار در طول نماز به فکر همه‌ی مسائل خود می‌افتد و در اندیشه‌ی حل همه‌ی مشکلات خود برمی‌آید، درحالی که امام انتظار دارند و از شخص نمازگزار می‌خواهند، او اینگونه مسائل را رها سازد: (و قلب خود را از هرآنچه تو را از خدا و یاد او غافل می‌سازد و به خود مشغول می‌نماید، تهی گردان).
- امام سجاد(ع) می‌فرماید: (پذیرش نماز بنده‌ی نمازگزار، به همان مقداری است که به نمازش توجه و عنایت داشته است).

اساساً فلسفه نماز، همین توجه و عنایت است، یعنی فقط به یاد خدا بودن و رها کردن دیگران.

قرآن در بیان فلسفه‌ی نماز می‌فرماید: «اقم الصلوة لذكری» (نماز را به پای دار تا به یاد من باشی).

وازی توجهی و غفلت در نماز در آیات و روایات متعدد به زشتی یاد شده و از آن به شدت نهی شده است.

## حضور قلب و توجه به خلق

مهم‌ترین ویژگی نماز پیامبر و ائمه‌ی اطهار(ع) در این است که آنها در عین حال که در نماز، توجهشان فقط به خداست و تنها خدا را می‌بینند، اما آنچه در جهت خداست و در پیرامون آنها می‌گذرد، آن را هم می‌بینند. توضیح اینکه ما در مجموعه کارهای خیر معمولاً یک سو نگرییم و توان جمع کردن آنها را با هم نداریم، یعنی زمانی که سرگرم خدمت به مردم - که خود یک امر خیر ارزنده‌ای است - می‌گردیم، توجه و شور و عشقمان نسبت به پروردگار کاهش می‌یابد و هنگامی که سرگرم عبادت و راز نیاز با خدا می‌شویم، از توجه ما نسبت به حل مشکلات مردم کاسته می‌شود.

البته این به دلیل ظرفیت اندک و محدودیت ذهن و اندیشه‌ی ماست. اما انسان‌های والا و بندگان شایسته‌ی خدا و کسانی که در معنویت از مقام و جایگاه والایی برخوردارند، از جایگاه رفیعی همه چیز را می‌توانند باهم ببینند.

این بیان، پاسخی است به شبهه‌ای که شاید در ذهن برخی خطور کند. شبهه این است: شما یک بار می‌گویید وضعیت علی(ع) در نماز بگونه‌ای است که تیر از پای مبارکشان خارج می‌سازند و ایشان متوجه نمی‌گردند، از طرف دیگر می‌گویید او به هنگام نماز متوجه تقاضای مستندی گردید و انگشتی خود را به او داد، کدامیک از این دو درست است؟! توجه کامل علی(ع) در حال نماز فقط به نماز و یا توجه او در حال نماز، علاوه بر نماز به امور دیگر؟

در پاسخ باید گفت: اگر موضوع، نمازهای عادی از انسانها معمولی باشد، جواب یا این است و یا آن، یعنی یا حواس ما به نماز است و یا به چیز دیگر. اما نسبت به نماز انسان‌هایی که در بالاترین افق انسانیت و عبادت و بندگی خدا قرار گرفته‌اند، مسأله به گونه‌ی دیگری است و جمع این دو امکان‌پذیر است.

در اینجا به نقل دو نمونه از این گونه نمازها که در عین حضور قلب، توجه به خلق هم در آن مشاهده می‌شود، می‌پردازیم. امید است در تکامل نمازمان مؤثر واقع گردد.

## علی(ع) و سائل مستمند

مفسران بزرگ شیعه و سنی، نزول آیه‌ی شریفه‌ی: «أَنَّمَا وَلِيَّكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» را در شأن علی(ع) ذکر کرده‌اند.

خداوند در این آیه‌ی شریفه می‌فرماید: (فقط ولی شما خدا و پیامبر و مؤمنینی هستند که هنگام اقامه‌ی نماز و در حالت رکوع، زکات می‌پردازند).

زمخشری در تفسیر کشاف که یکی از معروفترین کتاب‌های تفسیری اهل سنت است، پس از نقل این آیه‌ی شریفه می‌گوید: «انما نزلت فی علی کرم الله وجهه حین سألہ سائل فی الصلوة و طرح له خاتمه» (همانا این آیه در مورد علی(ع) نازل شده، آن هنگامی که سائلی از او تقاضای کمک کرد و علی(ع) درحالی که مشغول نماز بود، انگشتر خود را به او داد).

سپس این مفسر بزرگ سؤالی را طرح می‌کند و پاسخ زیبایی به آن می‌دهد. او می‌گوید: باوجود اینکه علی(ع) به تنهایی مبادرت به پرداخت زکات در حال نماز نمود و در حقیقت یک نفربود، چرا آیه‌ی مزبور به صورت جمع آمده است.

زمخشری جواب می‌دهد: انجام این عمل شایسته به صورت جمع بیان شده است، برای اینکه دیگران هم، از علی(ع) الگو بگیرند و بدانند کمک به مستمندان و دستگیری از درماندگان، آنچنان مهم است که حتی در حال نماز هم نباید از آن غفلت ورزید.

## امام حسین(ع) و سائل مستمند

ابن عساکر که از مورخین مشهور بوده و کتاب تاریخش از معروفترین کتب تاریخ است می‌گوید: شخص مستمندی در کوچه‌های مدینه به راه افتاد تا به در خانه‌ی امام حسین(ع) رسید. در خانه را کوبید و شروع کرد به خواندن این شعر:

(کسی که حلقه‌ی در خانه‌ی تو را بکوبد، ناامید بر نمی‌گردد، تو صاحب جود و معدن کرم هستی...)

امام حسین در حال نماز بود، صدای کوبیدن در و تقاضای سائل را که شنید، نماز خود را با سرعت به پایان رساند و از منزل بیرون آمد. به چهره‌ی مرد سائل نگاه کرد، فقر و تنگدستی از چهره‌اش می‌بارید. امام به داخل خانه بازگشت و از قنبر سؤال کرد: از وجوه مربوط به مخارج زندگی ما چیزی نزد تو مانده است؟

قنبر جواب داد: دویست درهم موجود است که فرمودید در میان اهل بیت شما تقسیم کنم. فرمود: آن را بیاور، زیرا کسی آمده که به گرفتن آن سزاوارتر است. آنگاه امام پولها را گرفت و از خانه خارج شد و آن را به مرد سائل عطا نمود و این شعر را سرود:

(ای مرد این پول را از من بگیر و من عذر می‌خواهم، و بدان من نسبت به تو مهربانم. اگر پول بدان مقداری نیست که مشکل تو را کاملاً حل کند، من عذر خواهی می‌کنم، منشأ کمی این پول، کم مهری من به تو نیست، بلکه بیش از این در اختیار من نیست.

البته اگر وضع به اینگونه نبود و امکانات مادی ما اهل بیت بهتر از این بود، آسمان کرم ما، باران رحمت خود را بر زندانی تو فرو می‌ریخت و زندگانی پزمرده‌ی تو را به صورت گلستانی درمی‌آورد. شرایط روزگار این گونه است که امکانات در دست دیگران بوده، دست ما خالی باشد.)

مرد عرب پول‌ها را دریافت نمود و با خوشحالی مراجعت کرد، درحالی که این اشعار را با خود زمزمه می‌کرد: (شما پاک و مطهرید، هرکجا نام شما برده شود، درود و تحیات الهی همراه آن است، شما برترید و علم کتاب در نزد شماست. آن کسی که وابسته به خاندان شما نباشد، مایه‌ی افتخار و مباهاتی ندارد.)

آری توجه به سائل در حال نماز، برای علی(ع) و امثال او مایه‌ی تعجب و شگفتی نیست، بلکه چنانچه او را نبیند مایه‌ی شگفتی است! لذا قرآن، انجام این کار (پرداخت زکات) را در حال نماز به عنوان یک امتیاز علی(ع) نقل می‌کند که او هم خدا را عبادت می‌کند و هم به خلق خدا در نماز کمک می‌نماید.

## پیشینه ی عملی تحقیق

۱ - (میرزاییگی ، ۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان بررسی راه‌های جذب دانش‌آموزان دوره متوسطه به نماز پرداخته است . این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر جذب دانش‌آموزان به نماز از نظر دانش‌آموزان دوره متوسطه استان ایلام انجام گرفته است. جامعه مورد مطالعه را کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه اعم از دختر و پسر تشکیل داده که تعداد کل آنها ۳۸۴۶۵ نفر بوده، که از این تعداد با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۵ نفر به عنوان نمونه مورد بررسی در نظر گرفته شده و برای انتخاب آنها از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. روش تحقیق از نوع توصیفی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. برخی از مهمترین یافته‌های این پژوهش عبارت است از: ۱- اطلاعات بیانگر این است که ۵۷ درصد دانش‌آموزان ، دوستان صمیمی آن‌ها نماز می‌خوانند و ۴۳ درصد اعلام داشته که دوستان آنان نماز نمی‌خوانند. ۲- ۷۵ درصد دانش‌آموزان پدران آنها و ۷۷ درصد مادرانشان نماز می‌خوانند. ۳- ۵۶ درصد دانش‌آموزان در نماز جماعت مدرسه شرکت نموده و ۴۵ درصد اعلام داشته که در نماز جماعت مدرسه مشارکت ندارند. ۴- بررسی نظرات دانش‌آموزان در مورد تأثیر عوامل فردی از جمله آشنایی با احکام و مسایل نماز، داشتن نظم و انضباط در انجام تکالیف، رعایت مسایل بهداشتی گویای این است که دانش‌آموزان این متغیر را در جذب به نماز مؤثر ارزیابی نموده‌اند. ۵- بررسی نظرات دانش‌آموزان در مورد تأثیر عوامل خانوادگی از جمله تشویق شدن از طرف خانواده، باور والدین به تأثیر مثبت نماز در زندگی، نظارت و اجرای درست و به موقع نماز گویای این است که دانش‌آموزان این متغیر را در جذب به نماز مؤثر ارزیابی نموده‌اند. ۶- بررسی نظرات دانش‌آموزان در مورد تأثیر عوامل انسانی درون مدرسه‌ای از جمله پیگیری و نظارت کارکنان، تشویق شدن از طرف کارکنان آموزشگاه، شرکت دبیران در نماز جماعت مدرسه گویای این است که دانش‌آموزان این متغیر را در جذب به نماز مؤثر ارزیابی نموده‌اند. ۷- یافته‌های بررسی انجام گرفته در زمینه نظر دانش‌آموزان در مورد تأثیر عوامل فیزیکی درون مدرسه‌ای از جمله زیباسازی فضای مدرسه، وجود داشتن امکانات، معطر و خوشبو بودن مکان نمازخانه ، گویای این است که دانش‌آموزان این متغیر را در جذب به نماز مؤثر ارزیابی نموده‌اند.

۲ - (رحمانی ، ۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر در گرایش و عدم گرایش دانشجویان در اقامه نماز جماعت پرداخته است . این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر در گرایش و عدم گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت در اقامه ی نماز جماعت صورت گرفت. در راستای این هدف ، از روش تحقیق آماری با استفاده از آزمون kendalls tau-b به چهار رابطه میان باور به نماز و ادای آن، امکانات مناسب نمازخانه و شرکت فعال دانشجویان در نماز، گرایش دانشجویان به نماز و میزان محبوبیت و مقبولیت امام جماعت و مسئولان در میان آنان و نیز گرایش و پابندی دوستان آنان به این فریضه ی الهی پرداخته شد. نتایج تحقیق نشان داد که با اعتقاد ۴۹/۶ درصد دانشجویان به اصل نماز، ۷۳/۳ درصد در اقامه ی نماز جماعت فعال بوده و ۹۵/۳ درصد نماز فردای را ترجیح می دهند. ۷۳/۳ درصد دانشجویان به نقش سازنده ی امام جماعت و مسئولان و ۴۳/۸ درصد به نقش دوستان و ۷۴/۹ درصد به تأثیر امکانات مناسب در شرکت فعال آنان در نماز جماعت اعتقاد دارند.

۳ - ( نصیرزاده و رحیمی ، ۱۳۸۴) در پژوهشی به بررسی انگیزه های نماز خواندن و بازخورد دانشجویان نسبت به نماز پرداخته اند. هدف پژوهش ، بررسی تأثیر انواع انگیزه های نماز خواندن بر نحوه بازخورد افراد نسبت به نماز بود. بدین منظور تعداد ۱۱۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز با روش نمونه گیری طبقه ای انتخاب شدند و پرسشنامه محقق ساخته شامل ۷۷ سؤال را تکمیل کردند. نتایج نشان دادند کسانی که با انگیزه ی ادای تکلیف شرعی و یا کشف آرامش روانی نماز می خوانند در مقایسه با کسانی که بر حسب عادت نماز می خوانند بازخورد مثبت تری نسبت به نماز خواندن داشتند. همچنین کسانی که از روی عادت نماز می خوانند به طور معناداری نسبت به گروه های دیگر کمتر با احکام و مسایل نماز آشنا بودند. تفاوت بین ادراک آزمودنی ها از ویژگی های امام جماعت و بازخورد آنها نسبت به علاقه و اشتیاق اجتماعی نسبت به احکام نماز معنادار نبود، اما از لحاظ بازخورد پاسخ دهندگان نسبت به نماز بین گروه های مختلف تفاوت های معناداری به دست آمد.

۴ - (سادبی ، ۱۳۸۱) در پژوهشی تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر در ترغیب دانش آموزان به نماز پرداخته است . پژوهش از نوع پیمایشی بوده و جامعه آماری آن عبارت است از: دختران دوره راهنمایی ، پسران و دختران دوره متوسطه و همچنین دبیران دینی و مربیان تربیتی سه منطقه از مناطق آموزش و پرورش استان مرکزی . حجم نمونه معادل ۶۶۰ نفر تعیین شده است، که با روش نمونه گیری خوشه ای - تصادفی

انتخاب و در گردآوری اطلاعات، از پرسشنامه به شکل مقیاس طیف لیکرت استفاده شده است. در بخش اول پرسشنامه، گرایش دانش‌آموزان به «اصل نماز» و همچنین «گرایش عملی نماز» سنجیده شده و در بخش دوم پرسشنامه، میزان تأثیرگذاری «عوامل درون مدرسه‌ای» بررسی شده است. روایی ابزار با نظر کارشناسان و اعتبار ابزار از طریق روش دو نیمه کردن نمرات زوج و فرد و سپس محاسبه ضریب پایایی تأیید شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر بهره‌گیری از شاخص‌های آمار توصیفی، از آزمون‌های آماری (آزمون همبستگی، خی‌دو، تفاوت بین میانگین‌ها و...) استفاده شده است. مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق عبارت‌اند از: ۱- به‌رغم نگرانی‌هایی که در خصوص کاهش تعلق خاطر نوجوانان و جوانان به ارزش‌های مذهبی وجود دارد، در مجموع، نگرش دانش‌آموزان به «اصل نماز» مثبت و بیش از حد متوسط است. ۲- به‌رغم نگرش مثبت دانش‌آموزان به اصل نماز، گرایش عملی به نماز در میان آنان (به‌ویژه در دوره متوسطه و در مرکز استان) پایین‌تر از حد متوسط است. ۳- در بخش عوامل درون مدرسه‌ای به ترتیب دبیران دینی، اردوهای زیارتی - سیاحتی، مربیان پرورشی، دوستان و هم‌سالان، دبیران غیردینی و کتاب‌های دینی مدارس در تشویق و ترغیب دانش‌آموزان به نماز مؤثر است.

۵- (عسکری، ۱۳۷۸) در پژوهشی تحت عنوان بررسی نگرش و نحوه جذب دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه استان همدان نسبت به طرح اقامه نماز پرداخته است. این طرح توصیفی بوده و بررسی طرح اقامه نماز و نگرش دانش‌آموزان نسبت به آن پرداخته است. جامعه آماری عبارت بوده است از کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی و متوسطه استان در سال تحصیلی ۱۳۷۷-۷۸ که از بین آن‌ها نمونه‌ای ۱۲۰۰ نفری انتخاب شده است. روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بوده است. پاره‌ای از یافته‌های طرح: ۱- نگرش دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه نسبت به طرح اقامه نماز مثبت است. ۲- بین میزان نگرش دانش‌آموزان دختر و پسر نسبت به طرح اقامه نماز تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. ۳- پاره‌ای از موانع و محدودیت‌های اجرای طرح اقامه نماز عبارت‌اند از: الف - نبودن مکان مناسب بهداشتی برای وضوگیری ب - عدم رعایت مسایل بهداشتی توسط شرکت‌کنندگان در نماز ج - نبودن فردی که بتواند به عنوان الگویی مورد پذیرش همه در سمت امام جماعت قرار گیرد.



۶ - (قنبری، ۱۳۷۴) در پژوهشی به بررسی شیوه‌های گرایش جوانان به فرهنگ نماز در استان چهارمحال و بختیاری پرداخته است. جامعه آماری مورد مطالعه، جوانان استان چهارمحال و بختیاری هستند که سن آنها بین سن تکلیف و ۲۰ سالگی است و به صورت خوشه‌ای نمونه‌گیری شده‌اند. یعنی از هر شهر مدرسه‌ای و از هر مدرسه کلاسی انتخاب شده و با استفاده از روش پیمایشی و مطالعه میدانی به بررسی پرسشنامه‌های ارسالی پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان آگاهی جوانان از مفاهیم نماز با ۹۴/۱ درصد مهمترین و موثرترین عامل گرایش جوانان به نماز است. بنابراین باید از روش‌های نوین آموزشی و تبلیغاتی و بر اساس نیاز جوانان آنان را با مفاهیم، ابعاد و آثار نماز آشنا کرد. عامل دوم موثر بر گرایش جوانان به نماز، داشتن دوستان مذهبی با ۸۹ درصد است بنابراین لازم است که پدر و مادر فرزندان را در انتخاب دوست یاری کنند و با قرار دادن آنها در محیط سالم. آنها را به سوی دوستانی که اهل نماز هستند بکشانند. از عوامل موثر دیگر، برخورد مسوولین اجرایی (۸۷/۵ درصد)، روحانیون مساجد (۷۹/۹ درصد)، جو فرهنگی مدرسه (۸۴ درصد)، فضای فرهنگی کشور (۷۷/۲ درصد) و برنامه‌های صدا و سیما (۷۶/۶ درصد) مطرح شده‌اند.

۷ - (حسن بگلو، ۱۳۷۲) در پژوهشی به بررسی علل و عوامل درون مدرسه‌ای موثر بر جذب دانش‌آموزان به نماز در تهران پرداخته است. جامعه آماری شامل ۹۲۸ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر از مدارس موفق و ناموفق در طرح اقامه نماز در سطح تهران همچنین ۱۴۴ نفر از مدیران و مربیان آموزشگاهها با توجه به موفقیت یا عدم موفقیت آموزشگاه آنان در طرح اقامه نماز است. روش تحقیق، پیمایشی و مطالعه کتابخانه‌ای است و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از نظر اعتقادی، ۹۴/۵ درصد از دانش‌آموزان مدارس موفق در طرح اقامه نماز و همچنین سایر مدارس، نماز را زمینه‌ساز تکامل معنوی انسان و وسیله ارتباط با خدا می‌دانند. ۳۸ درصد از دانش‌آموزان می‌پندارند که در برگزاری نماز جمعه در مدرسه کوشا باشند. در مورد عوامل موثر بر جذب آنان به نماز جماعت، دانش‌آموزان اعتقاد و ایمان قلبی خود را در مقام اول وجود امکانات مناسب برای برگزاری نماز و در مرحله دوم و منظور کردن امتیاز و تشویق را آخرین مرتبه انتخاب کرده‌اند. بیش از ۷۸ درصد از اولیاء دانش‌آموزان فرزندان خود را مکلف به اقامه نماز می‌دانند و بیش از ۵۶ درصد از اولیاء دانش‌آموزان هر دو گروه مایل هستند به هنگام نماز، فرزندان آنان از طرف مدرسه به مسجد محل هدایت شوند.

۸ - (شعبانی ، ۱۳۷۲) در پژوهشی تحت عنوان عوامل موثر در جذب بیشتر دانش‌آموزان دبیرستانی به نماز جماعت مدارس پرداخته است . جامعه آماری دانش‌آموزان دوره متوسطه عمومی شهر اصفهان است . روش پژوهش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه بوده است . یافته‌ها نشان می‌دهد که ۱- ۴۰ درصد دانش‌آموزان اظهار نمودند که زمان نماز جماعت نامناسب است و هنگام نماز جماعت در مدارس مشغول سایر فعالیت‌های مدرسه هستند و ۷۰ درصد دانش‌آموزان اظهار نمودند که نماز جماعت در بهبود روابط دوستی آنان موثر است . ۲- امکانات مطلوب نماز در مدارس باعث جذب بیشتر دانش‌آموزان به نماز و عدم امکانات نماز در وضعیت موجود مدارس عامل بازدارنده نماز جماعت است . ۳- ۵۰ درصد دانش‌آموزان معتقد بودند که نماز جماعت مدرسه هیچ گونه روابط صمیمانه میان آنان و مربیان تربیتی ایجاد نکرده است . ۴- اگر کارکنان مدرسه با میل و رغبت در نماز حضور پیدا کنند باعث ایجاد روابط گرم و صمیمانه با دانش‌آموزان شده و در الگودهی و الگوسازی دانش‌آموزان موثر خواهد افتاد. ۵- فراهم کردن محلی خاص جهت نمازخانه و آموزش مذهبی دانش‌آموزان و تسهیلات بهداشتی موجب رفع دافعه‌های نماز جماعت مدارس می‌شود.

فصل سوم:

روش شناسی

[www.markazdanesh.ir](http://www.markazdanesh.ir)

## روش تحقیق

روش انجام تحقیق از نوع توصیفی و همبستگی می باشد . روش توصیفی ، به سبب ارائه ی عینی نظر دانش آموزان و روش همبستگی به جهت بررسی عوامل مرتبط با کم توجهی به اقامه ی نماز به کار گرفته شده است .

## روش نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش شامل کل دانش آموزان پسر و دختر دبیرستان های شهر برازجان بوده است . نمونه مورد بررسی شامل تعداد ۳۶۰ دانش آموز بود که با استفاده از نمونه گیری طبقه ای و خوشه ای انتخاب شدند . یعنی ابتدا از میان کل مدارس مقطع متوسطه دوم شهر برازجان ، تعداد ۲ دبیرستان دولتی (یک آموزشگاه پسرانه و یک آموزشگاه دخترانه) و ۲ دبیرستان نمونه دولتی (یک آموزشگاه پسرانه و یک آموزشگاه دخترانه) انتخاب و سپس از هر آموزشگاه تعداد ۸۵ نفر به صورت تصادفی به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفتند .

## روش جمع آوری اطلاعات

جمع آوری اطلاعات در این پژوهش به وسیله پرسشنامه بوده است و با توجه به فرضیه ها و اهداف پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته ای استفاده شده است که شامل ۱۲ سوال از نوع طیفی و پاسخ با مقیاس لیکرت پنج گزینه ( ۱.خیلی کم ۲.کم ۳.متوسط ۴.زیاد ۵.خیلی زیاد ) می باشد.

## فصل چهارم:

تجزیه و تحلیل داده ها

www.markanddaneesh.ir

## مقدمه

در این فصل، با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی یافته‌های تحقیق تجزیه و تحلیل و فرضیه‌ها بررسی می‌شوند.

الف) آمار توصیفی:

به منظور بررسی عناصر آمار توصیفی از نرم افزار SPSS استفاده شد که نتایج آن در جداول (۴-۱) و (۴-۲) نشان داده شده است :

جدول (۴-۱). آمار توصیفی عناصر تاثیرگذار بر کم توجهی به نماز از دیدگاه دانش آموزان پسر

ردیف	عناصر	میانگین	واریانس	انحراف معیار	N
۱	محیط خانواده	۴/۰۲	۰/۶۲۸	۰/۷۹	۱۷۰
۲	مکان نامناسب	۳/۵۳	۰/۸۶۸	۰/۹۳	۱۷۰
۳	زمان نامناسب	۳/۷۶	۰/۷۹۶	۰/۸۹	۱۷۰
۴	عدم حضور مربیان	۳/۴۴	۰/۹۵۰	۰/۹۷	۱۷۰
۵	برخورد نامناسب	۴/۲۷	۰/۴۲۸	۰/۶۵	۱۷۰

با توجه به داده های توصیفی جدول (۴-۱) عنصر برخورد نامناسب با بالاترین میانگین ۴/۲۷ و انحراف معیار ۰/۶۵ و عنصر عدم حضور مربیان با پایین ترین میانگین ۳/۴۴ و انحراف معیار ۰/۹۷ از دیدگاه دانش آموزان پسر از عناصر تاثیرگذار بر کم توجهی به نماز هستند.

جدول (۲-۴). آمار توصیفی عناصر تاثیرگذار بر کم توجهی به نماز از دیدگاه دانش آموزان دختر

ردیف	عناصر	میانگین	واریانس	انحراف معیار	N
۱	محیط خانواده	۴/۱۳	۰/۶۷۳	۰/۸۲	۱۷۰
۲	مکان نامناسب	۳/۶۰	۰/۶۹۳	۰/۸۳	۱۷۰
۳	زمان نامناسب	۳/۷۲	۰/۷۸۳	۰/۸۸	۱۷۰
۴	عدم حضور مربیان	۳/۳۵	۱/۱۵	۱/۰۷	۱۷۰
۵	برخورد نامناسب	۳/۲۹	۰/۵۲۴	۰/۷۲	۱۷۰

با توجه به داده های توصیفی جدول (۲-۴) عنصر محیط خانواده با بالاترین میانگین ۴/۱۳ و انحراف معیار ۰/۸۲ و عنصر برخورد نامناسب با پایین ترین میانگین ۳/۲۹ و انحراف معیار ۰/۷۲ از دیدگاه دانش آموزان دختر از عناصر تاثیرگذار بر کم توجهی به نماز هستند.

ب) آمار استنباطی:

بررسی فرضیه ها

فرضیه اول: عنصر محیط خانواده بر کم توجهی به نماز ، از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر تاثیر گذار است.

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون خی دو استفاده شد که نتایج آن در جدول (۳-۴) نشان داده شده است :

جدول (۳-۴). تاثیر گذاری عنصر محیط خانواده از دیدگاه دانش آموزان پسر

درصد	تعداد	آماره
		تاثیر گذاری
۸۲/۴	۱۴۰	تاثیر گذار
۱۷/۶	۳۰	بی تاثیر
۱۰۰	۱۷۰	کل

$$\chi^2 = 71 / 17$$

$$df = 1$$

$$P < 0.000$$

مندرجات جدول (۳-۴) نشان می دهد که ۸۲/۴ درصد از پاسخ دهندگان عنصر محیط خانواده را در کم توجهی به نماز تاثیر گذار و ۱۷/۶ درصد نیز عنصر محیط خانواده را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین، با توجه به مقدار  $\chi^2 = 71 / 17$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان پسر ، عنصر محیط خانواده در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < 0.000$ ) از تاثیر گذاری مناسب برخوردار است.



جدول (۴-۴). تاثیر گذاری عنصر محیط خانواده از دیدگاه دانش آموزان دختر

درصد	تعداد	آماره تاثیر گذاری
۸۴/۷	۱۴۴	تاثیر گذار
۱۵/۳	۲۶	بی تاثیر
۱۰۰	۱۷۰	کل

$$\chi^2 = ۸۱ / ۹۰$$

$$df = ۱$$

$$P < ۰/۰۰۰$$

مندرجات جدول (۴-۴) نشان می دهد که ۸۴/۷ درصد از پاسخ دهندگان عنصر محیط خانواده را در کم توجهی به نماز تاثیر گذار و ۱۵/۳ درصد نیز عنصر محیط خانواده را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین، با توجه به مقدار  $\chi^2 = ۸۱ / ۹۰$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان دختر، عنصر محیط خانواده در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < ۰/۰۰۰$ ) از تاثیر گذاری مناسب برخوردار است.

بنابراین، با توجه به نتایج مذکور فرضیه بالا هم برای دانش آموزان پسر و دانش آموزان دختر تایید می گردد.

فرضیه دوم: عنصر مکان نامناسب بر کم توجهی به نماز ، از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر تاثیر گذار است.

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون خی دو استفاده شد که نتایج آن در جدول (۴-۵) نشان داده شده است :

جدول (۴-۵). تاثیر گذاری عنصر مکان نامناسب از دیدگاه دانش آموزان پسر

درصد	تعداد	آماره تاثیر گذاری
۵۵/۹	۹۵	تاثیر گذار
۴۴/۱	۷۵	بی تاثیر
۱۰۰	۱۷۰	کل

$$\chi^2 = 2/35$$

$$df = 1$$

$$P < 0/125$$

مندرجات جدول (۴-۵) نشان می دهد که ۵۵/۹ درصد از پاسخ دهندگان عنصر مکان نامناسب را در کم توجهی به نماز ، تاثیر گذار و ۴۴/۱ درصد نیز عنصر مکان نامناسب را در کم توجهی به نماز ، بی تاثیر می دانند بنابراین، با توجه به مقدار  $\chi^2 = 2/35$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان پسر ، عنصر مکان نامناسب در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < 0/125$ ) از تاثیر گذاری مناسب برخوردار نیست.

جدول (۴-۶). تاثیر گذاري عنصر مكان نامناسب از ديده‌گاه دانش آموزان دختر

درصد	تعداد	آماره تاثيرگذاري
۶۲/۹	۱۰۷	تاثيرگذار
۳۷/۱	۶۳	بي‌تاثير
۱۰۰	۱۷۰	كل

$$\chi^2 = 11 / 38$$

$$df = 1$$

$$P < 0.001$$

مندرجات جدول (۴-۶) نشان می‌دهد که ۶۲/۹ درصد از پاسخ دهندگان عنصر مكان نامناسب را در كم توجهی به نماز ، تاثیرگذار و ۳۷/۱ درصد نیز عنصر مكان نامناسب را در كم توجهی به نماز بی‌تاثیر می‌دانند بنابراین ، با توجه به مقدار  $\chi^2 = 11 / 38$  می‌توان گفت که از نظر دانش آموزان دختر ، عنصر مكان نامناسب در كم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < 0.001$ ) از تاثیرگذاري مناسب برخوردار است.

بنابراین، با توجه به نتایج مذکور فرضیه بالا برای دانش آموزان پسر تایید نمی‌گردد ولی برای دانش آموزان دختر تایید می‌گردد.

فرضیه سوم: عنصر زمان نامناسب بر کم توجهی به نماز ، از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر تاثیر گذار است.

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون خی دو استفاده شد که نتایج آن در جدول (۴-۷) نشان داده شده است :

جدول (۴-۷). تاثیر گذاری عنصر زمان نامناسب از دیدگاه دانش آموزان پسر

درصد	تعداد	آماره تاثیر گذاری
۷۴/۱	۱۲۶	تاثیر گذار
۲۵/۹	۴۴	بی تاثیر
۱۰۰	۱۷۰	کل

$$\chi^2 = ۳۹ / ۵۵$$

$$df = ۱$$

$$P < ۰ / ۰۰۰$$

مندرجات جدول (۴-۷) نشان می دهد که ۷۴/۱ درصد از پاسخ دهندگان عنصر زمان نامناسب را در کم توجهی به نماز ، تاثیر گذار و ۲۵/۱ درصد نیز عنصر زمان نامناسب را در کم توجهی به نماز را بی تاثیر می دانند بنابراین، با توجه به مقدار  $\chi^2 = ۳۹ / ۵۵$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان پسر ، عنصر زمان نامناسب در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < ۰ / ۰۰۰$ ) از تاثیر گذاری مناسب برخوردار است.

جدول (۸-۴). تاثیر گذاری عنصر زمان نامناسب از دیدگاه دانش آموزان دختر

درصد	تعداد	آماره
		تاثیر گذاری
۶۹/۴	۱۲۸	تاثیر گذار
۳۰/۶	۵۲	بی تاثیر
۱۰۰	۱۷۰	کل

$$\chi^2 = ۲۵ / ۶۲$$

$$df = ۱$$

$$P < ۰/۰۰۰$$

مندرجات جدول (۸-۴) نشان می دهد که ۶۹/۴ درصد از پاسخ دهندگان عنصر زمان نامناسب را در کم توجهی به نماز ، تاثیر گذار و ۳۰/۶ درصد نیز عنصر زمان نامناسب را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین، با توجه به مقدار  $\chi^2 = ۲۵ / ۶۲$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان دختر ، عنصر مکان نامناسب در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < ۰/۰۰۰$ ) از تاثیر گذاری مناسب برخوردار است.

بنابراین ، با توجه به نتایج مذکور فرضیه بالا برای هم دانش آموزان پسر و هم برای دانش آموزان دختر تایید می گردد.

فرضیه چهارم: عنصر عدم حضور مربیان بر کم توجهی به نماز ، از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر تاثیر گذار است.

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون خی دو استفاده شد که نتایج آن در جدول (۹-۴) نشان داده شده است :

جدول (۹-۴). تاثیر گذاری عنصر عدم حضور مربیان از دیدگاه دانش آموزان پسر

درصد	تعداد	آماره تاثیر گذاری
۵۹/۴	۱۰۱	تاثیر گذار
۴۰/۶	۶۹	بی تاثیر
۱۰۰	۱۷۰	کل

$$\chi^2 = ۶/۰۲$$

$$df = ۱$$

$$P < ۰/۰۳۲$$

مندرجات جدول (۹-۴) نشان می دهد که ۵۹/۴ درصد از پاسخ دهندگان عنصر عدم حضور مربیان را در کم توجهی به نماز ، تاثیر گذار و ۴۰/۶ درصد نیز عدم حضور مربیان را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین، با توجه به مقدار  $\chi^2 = ۶/۰۲$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان پسر ، عنصر عدم حضور مربیان در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < ۰/۰۳۲$ ) از تاثیر گذاری مناسب برخوردار است.

جدول (۴-۱۰). تاثیر گذاري عنصر عدم حضور مربيان از ديده گاه دانش آموزان دختر

درصد	تعداد	آماره تاثير گذاري
۵۳/۵	۹۱	تاثير گذار
۴۶/۵	۷۹	بي تاثیر
۱۰۰	۱۷۰	کل

$$\chi^2 = ۰ / ۸۴$$

$$df = ۱$$

$$P < ۰ / ۳۵۷$$

مندرجات جدول (۴-۱۰) نشان می دهد که ۵۳/۵ درصد از پاسخ دهندگان عنصر عدم حضور مربيان را در کم توجهی به نماز ، تاثیر گذار و ۴۶/۵ درصد نیز عدم حضور مربيان را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین، با توجه به مقدار  $\chi^2 = ۰ / ۸۴$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان دختر ، عنصر عدم حضور مربيان در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < ۰ / ۳۵۷$ ) از تاثیر گذاري مناسب برخوردار نیست

بنابراین ، با توجه به نتایج مذکور فرضیه بالا برای دانش آموزان پسر تایید ولی برای دانش آموزان دختر تایید نمی گردد.

فرضیه پنجم: عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی بر کم توجهی به نماز ، از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر تاثیر گذار است.

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون خی دو استفاده شد که نتایج آن در جدول (۴-۱۱) نشان داده شده است :

جدول (۴-۱۱). تاثیر گذاری عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی از دیدگاه دانش آموزان پسر

درصد	تعداد	آماره تاثیر گذاری
۵۸/۲	۹۹	تاثیر گذار
۴۱/۸	۷۱	بی تاثیر
۱۰۰	۱۷۰	کل

$$\chi^2 = 4/61$$

$$df = 1$$

$$P < 0/032$$

مندرجات جدول (۴-۱۱) نشان می دهد که ۵۸/۲ درصد از پاسخ دهندگان عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی را در کم توجهی به نماز ، تاثیر گذار و ۴۱/۸ درصد نیز برخورد نامناسب افراد مذهبی را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین ، با توجه به مقدار  $\chi^2 = 4/61$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان پسر ، عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < 0/032$ ) از تاثیر گذاری مناسب برخوردار است.



جدول (۴-۱۲). تاثیر گذاري عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبي از ديدگاه دانش آموزان دختر

درصد	تعداد	آماره تاثيرگذاري
۵۸/۸	۱۰۰	تاثيرگذار
۴۱/۲	۷۰	بي تاثیر
۱۰۰	۱۷۰	کل

$$\chi^2 = ۵ / ۲۹$$

$$df = ۱$$

$$P < ۰ / ۰۲۱$$

مندرجات جدول (۴-۱۲) نشان می‌دهد که ۵۸/۸ درصد از پاسخ دهندگان عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی را در کم توجهی به نماز ، تاثیرگذار و ۴۱/۲ درصد نیز برخورد نامناسب افراد مذهبی را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین، با توجه به مقدار  $\chi^2 = ۵ / ۲۹$  می‌توان گفت که از نظر دانش آموزان دختر ، عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < ۰ / ۰۲۱$ ) از تاثیرگذاري مناسب برخوردار است.

بنابراین ، با توجه به نتایج مذکور فرضیه بالا هم برای دانش آموزان پسر و هم برای دانش آموزان دختر تایید می گردد.

## فصل پنجم:

### بحث و نتیجه گیری

www.markazdanesh.ir

## نتایج توصیفی

۱ - با توجه به داده های توصیفی عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی با بالاترین میانگین ۴/۲۷ و انحراف معیار ۰/۶۵ و عنصر عدم حضور مربیان در اقامه ی نماز با پایین ترین میانگین ۳/۴۴ و انحراف معیار ۰/۹۷ از دیدگاه دانش آموزان پسر از عناصر تاثیرگذار بر کم توجهی به نماز هستند.

۲ - با توجه به داده های توصیفی عنصر محیط خانواده با بالاترین میانگین ۴/۱۳ و انحراف معیار ۰/۸۲ و عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی با پایین ترین میانگین ۳/۲۹ و انحراف معیار ۰/۷۲ از دیدگاه دانش آموزان دختر از عناصر تاثیرگذار بر کم توجهی به نماز هستند.

## نتایج استنباطی

### فرضیه اول:

عنصر محیط خانواده بر کم توجهی به نماز ، از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر تاثیر گذار است.

۱ - ۸۲/۴ درصد از پاسخ دهندگان پسر ، عنصر محیط خانواده را در کم توجهی به نماز ، تاثیرگذار و ۱۷/۶ درصد نیز عنصر محیط خانواده را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین ، با توجه به مقدار  $\chi^2 = 71/17$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان پسر ، عنصر محیط خانواده در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < 0/000$ ) از تاثیرگذاری مناسب برخوردار است.

۲ - ۸۴/۷ درصد از پاسخ دهندگان دختر ، عنصر محیط خانواده را در کم توجهی به نماز ، تاثیرگذار و ۱۵/۳ درصد نیز عنصر محیط خانواده را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین ، با توجه به مقدار  $\chi^2 = 81/90$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان دختر ، عنصر محیط خانواده در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < 0/000$ ) از تاثیرگذاری مناسب برخوردار است.

بنابراین با توجه به نتایج مذکور ، فرضیه مرتبط با عنصر محیط خانواده هم برای دانش آموزان پسر و دانش آموزان دختر تایید می گردد.

## فرضیه دوم:

عنصر مکان نامناسب بر کم توجهی به نماز ، از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر تاثیر گذار است.

۱ - ۵۵/۹ درصد از پاسخ دهندگان پسر ، عنصر مکان نامناسب را در کم توجهی به نماز ، تاثیرگذار و ۴۴/۱ درصد نیز عنصر مکان نامناسب را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین ، با توجه به مقدار  $\chi^2 = 2/35$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان پسر ، عنصر مکان نامناسب در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < 0/125$ ) از تاثیرگذاری مناسب برخوردار نیست.

۲ - ۶۲/۹ درصد از پاسخ دهندگان دختر ، عنصر مکان نامناسب را در کم توجهی به نماز ، تاثیرگذار و ۳۷/۱ درصد نیز عنصر مکان نامناسب را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین ، با توجه به مقدار  $\chi^2 = 11/38$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان دختر ، عنصر مکان نامناسب در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < 0/001$ ) از تاثیرگذاری مناسب برخوردار است.

بنابراین با توجه به نتایج مذکور ، فرضیه مرتبط با عنصر مکان نامناسب برای دانش آموزان پسر تایید نمی گردد ولی برای دانش آموزان دختر تایید می گردد.

فرضیه سوم:

عنصر زمان نامناسب بر کم توجهی به نماز ، از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر تاثیر گذار است.

۱ - ۷۴/۱ درصد از پاسخ دهندگان پسر ، عنصر زمان نامناسب را در کم توجهی به نماز ، تاثیرگذار و ۲۵/۱ درصد نیز عنصر زمان نامناسب را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین ، با توجه به مقدار  $\chi^2 = 39/55$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان پسر ، عنصر زمان نامناسب در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < 0/000$ ) از تاثیرگذاری مناسب برخوردار است.

۲ - ۶۹/۴ درصد از پاسخ دهندگان دختر ، عنصر زمان نامناسب را در کم توجهی به نماز ، تاثیرگذار و ۳۰/۶ درصد نیز عنصر زمان نامناسب را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین ، با توجه به مقدار  $\chi^2 = 25/62$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان دختر ، عنصر مکان نامناسب در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < 0/000$ ) از تاثیرگذاری مناسب برخوردار است.

بنابراین با توجه به نتایج مذکور ، فرضیه مرتبط با عنصر زمان نامناسب برای هم دانش آموزان پسر و هم برای دانش آموزان دختر تایید می گردد.

فرضیه چهارم:

عنصر عدم حضور مربیان بر کم توجهی به نماز ، از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر تاثیر گذار است.

۱ - ۵۹/۴ درصد از پاسخ دهندگان پسر ، عنصر عدم حضور مربیان را در کم توجهی به نماز ، تاثیرگذار و ۴۰/۶ درصد نیز عدم حضور مربیان را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین ، با توجه به مقدار  $\chi^2 = ۰.۲/۶$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان پسر ، عنصر عدم حضور مربیان در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < ۰.۰۳۲$ ) از تاثیرگذاری مناسب برخوردار است.

۲ - ۵۳/۵ درصد از پاسخ دهندگان دختر ، عنصر عدم حضور مربیان را در کم توجهی به نماز ، تاثیرگذار و ۴۶/۵ درصد نیز عدم حضور مربیان را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین ، با توجه به مقدار  $\chi^2 = ۰.۸۴$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان دختر ، عنصر عدم حضور مربیان در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < ۰.۳۵۷$ ) از تاثیرگذاری مناسب برخوردار نیست.

بنابراین با توجه به نتایج مذکور ، فرضیه مرتبط با عنصر عدم حضور مربیان برای دانش آموزان پسر تایید ولی برای دانش آموزان دختر تایید نمی گردد.

فرضیه پنجم:

عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی بر کم توجهی به نماز ، از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر تاثیر گذار است.

۱ - ۵۸/۲ درصد از پاسخ دهندگان پسر ، عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی را در کم توجهی به نماز ، تاثیر گذار و ۴۱/۸ درصد نیز برخورد نامناسب افراد مذهبی را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین ، با توجه به مقدار  $\chi^2 = 4/61$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان پسر ، عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < 0/032$ ) از تاثیر گذاری مناسب برخوردار است.

۲ - ۵۸/۸ درصد از پاسخ دهندگان دختر ، عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی را در کم توجهی به نماز ، تاثیر گذار و ۴۱/۲ درصد نیز برخورد نامناسب افراد مذهبی را در کم توجهی به نماز بی تاثیر می دانند بنابراین ، با توجه به مقدار  $\chi^2 = 5/29$  می توان گفت که از نظر دانش آموزان دختر ، عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی در کم توجهی به نماز به طور معناداری ( $P < 0/021$ ) از تاثیر گذاری مناسب برخوردار است.

بنابراین با توجه به نتایج مذکور ، فرضیه مرتبط با عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی هم برای دانش آموزان پسر و هم برای دانش آموزان دختر تایید می گردد.



## بحث و نتیجه‌گیری :

نماز ، از ارکان دین مبین اسلام و به عنوان ستون دین محسوب می شود که موجب قرب و رضای خداوند متعال شده و انسان ها را از فحشا و منکرات دور می سازد. مدارس در تربیت اسلامی نسل آتی ، باید بتوانند با روش های مناسب در عینی سازی و تبدیل آموزه های دینی به ارزش و باور بین فراگیران اهتمام ورزند.

یافته های تحقیق حاضر با هدف واکاوی عوامل تاثیرگذار بر کم توجهی به نماز نشان داد :

۱ - عنصر محیط خانواده نقش تعیین کننده ای بر کم توجهی به نماز ایفا می کند. خانواده به عنوان کانون رشد و توسعه فرزندان در ابعاد مختلف و والدین چراغ هدایت آن قلمداد می شوند و مقید نبودن آنان به اقامه ی نماز از موجهات کم توجهی به نماز هم در دانش آموزان پسر و هم در دانش آموزان دختر است و این نتیجه با یافته های (میرزابیگی ، ۱۳۹۲) ، (رجبی و زاهد بابلان ، ۱۳۹۱) و (فضل الهی و همکاران ، ۱۳۸۸) همسو می باشد .

۲ - عنصر مکان نامناسب اعم از ( موقعیت نمازخانه ، مساحت ، وسایل سرمایشی ، گرمایشی ، کیفیت فرش ها ، وضعیت نور و رنگ نمازخانه ، وجود مهر و جانماز کافی ، پاکیزگی ، آراستگی و ... ) بر کم توجهی به نماز در دانش آموزان دختر بسیار موثر است و این نتیجه با یافته های (میرزابیگی ، ۱۳۹۲) ، (رجبی و زاهد بابلان ، ۱۳۹۱) و (فرشی ، ۱۳۷۹) و (جهانیان ، ۱۳۷۶) همسو می باشد .

۳ - عنصر زمان نامناسب اعم از ( نبود قوت کافی ، نبود زنگ نماز ، فاصله گرفتن از اول وقت نماز ... ) نقش به سزایی بر کم توجهی به نماز در دانش آموزان پسر و دختر ایفا می نماید و این نتیجه با یافته های (رجبی و زاهد بابلان ، ۱۳۹۱) و (جعفری و اورنگی ، ۱۳۸۸) همسو می باشد .

۴ - عنصر عدم حضور مربیان نقش پر رنگی را در میان عوامل درون مدرسه ای بر کم توجهی به نماز در دانش آموزان پسر ایفا می کند. از آنجا که مربیان در حکم چهره های شاخص تربیتی ، زیر ذره بین نگاه دانش آموزان قرار دارند و دانش آموزان آنها را به عنوان الگوی خویش می دانند ، عدم حضور آنها بر کم توجهی به نماز بسیار موثر است و این نتیجه با یافته های (میرزاییگی ، ۱۳۹۲) ، (رجبی و زاهد بابلان ، ۱۳۹۱) ، (فضل الهی و همکاران ، ۱۳۸۸) و (هوشمند ، ۱۳۸۶) همسو می باشد .

۵ - عنصر برخورد نامناسب افراد مذهبی اعم از (هم سالان مذهبی ، مربیان پرورشی ، امام جماعت و . . .) ، از تاثیرگذارترین عوامل کم توجهی به نماز ، هم در دانش آموزان پسر و هم در دانش آموزان دختر می باشد. افراد مذهبی با برخوردهای نامناسب خود (امر و نهی مداوم ، عدم خودسازی اخلاقی و . . .) موجبات کم توجهی دانش آموزان را به نماز فراهم می آورند و این نتیجه با یافته های (هوشمند ، ۱۳۸۶) ، (طالبان ، ۱۳۷۷) ، (جهانیان ، ۱۳۷۶) و (قنبری ، ۱۳۷۴) همسو می باشد .

### محدودیت های تحقیق

هر تحقیقی با محدودیت هایی مواجه می گردد که بیان آن ها در بهبود کیفیت تحقیقات مشابه در آینده مؤثر خواهد بود. محدودیتهایی که باعث می شوند نتوان یک تحقیق را به صورت طولانی مدت و در تمامی جنبه ها تعمیم داد. در تحقیق حاضر نیز علی رغم اینکه سعی شده است ، جوانب مختلف آن بررسی گردد اما در عین حال با محدودیتهایی روبه رو بوده است که عبارتند از :

- ۱- محدودیت مکانی : تحقیق حاضر از نظر مکانی صرفاً محدود به شهر برازجان می باشد و نمی تواند نماینده کاملی از جامعه ی دانش آموزان استان بوشهر باشد .
- ۲- محدودیت زمانی : زمان اجرای این تحقیق محدود به یک ماه بوده است .
- ۳- محدودیت موضوعی : موضوع این تحقیق محدود به مقطع دوم متوسطه بوده است .

## پیش نهادهای تحقیق

### الف) پیش نهادهایی برای تحقیقات آینده

به پژوهشگران محترم پیشنهاد می شود که :

- ۱- این تحقیق را برای مقاطع دیگر نیز انجام دهند.
- ۲- به منظور تعمیم پذیری نتایج ، تحقیقات بعدی بر روی نمونه ی بزرگ تری از دانش آموزان استان بوشهر انجام پذیرد.
- ۴- با توجه اهمیت و تنوع ابعاد مربوط به نماز تحقیقات بعدی در آن زمینه ها نیز صورت گیرد.

### ب) پیش نهادهای کاربردی

به مسئولان محترم ادارات آموزش و پرورش پیشنهاد می شود که :

- ۱- دوره های آموزشی حضوری و غیر حضوری را جهت آشنایی بیشتر همکاران با مباحث نماز از جمله شیوه های جذب دانش آموزان به نماز پیش بینی نماید.
- ۲- اعتبارات ویژه ای را به توسعه و ترویج فرهنگ نماز تخصیص دهد.
- ۳- نشریه ای با موضوع نماز برای دانش آموزان و مربیان و معرفی مدارس نمونه در زمینه ی اقامه ی نماز منتشر شود.
- ۴- تازه ترین کتاب های مربوط به نماز تهیه و به مناطق و مدارس ارسال گردد.
- ۵- در دستورالعمل انتخاب معلم نمونه از هر منطقه یک نفر نیز به عنوان معلم یا مدیر نمونه در امر ترویج اقامه ی نماز انتخاب شود.
- ۶- مسئولان محترم آموزشی و پرورشی ، زنگ ویژه ای را به نام زنگ نماز در برنامه های درسی کلیه ی دوره های تحصیلی ایجاد نمایند.
- ۷- مسئولان محترم ستاد اقامه نماز با سرکشی و پیگیری مستمر نحوه ی اقامه ی نماز در همه ی مدارس ، مربیان و مدیران را در برپایی هر چه با شکوه تر این فریضه ی الهی یاری نمایند.
- ۸- در صدور مجوز برای مدارس غیر انتفاعی ، شرط داشتن نمازخانه در مدرسه لحاظ شود.

به مدیران و مربیان محترم مدارس پیشنهاد می شود که :

- ۱- بکارگیری روش محبت ( روش تربیتی پیامبر اکرم (ص) که فرمود : محبت روش و سنت من است. )
- ۲- استفاده از روش الگوئی به دلیل نیاز فطرت آدمی به الگو و همانند سازی
- ۳- هدفمند نمودن جلسات دسته جمعی و گروهی دانش آموزان در جهت ترویج نماز
- ۴- بکارگیری دانش آموزان علاقمند به نماز تحت عنوان یاران نماز
- ۵- تأکید بر اول وقت بودن نماز ، بدون اینکه وقت استراحت دانش آموزان و همکاران حذف شود
- ۶- اختصاص جلسات اولیه آموزش خانواده در نمازخانه مدارس و آموزش والدین نسبت به علاقمند نمودن فرزندان به نماز و تبیین نقش بازدارندگی آن از انحرافات
- ۷- توجه به ظاهر نمازخانه و تخلیه و حذف وسایل و تجهیزات کهنه و مندرس و جایگزینی وسایل نو (مهر نو، فرش تمیز و نو ، ... ) و پاکسازی پوستره‌های قدیمی و فرسوده
- ۸- بهره گیری از فضای نمازخانه برای فعالیتهای فرهنگی هنری و مورد توجه دانش آموزان ( بر پائی جشنهای اسلامی و ملی و ... )
- ۹- بهره گیری از زمانهای خاص برای ارتباط عاطفی میان مدرسه و نمازخانه و خانواده ها
- ۱۰- تجلیل و تقدیر از دانش آموزان فعال و برگزیده در مراسم نماز جماعت آموزشگاه
- ۱۱- بیان خاطرات شیرین توسط فرهنگیان برای دانش آموزان (اولین نماز، نمازهای بیاد ماندنی ، ...)
- ۱۲- فراهم نمودن شرایط و محیط شادی بخش در نمازخانه های مدارس
- ۱۳- آموزش ائمه جماعات مدارس و به روز نمودن اطلاعات آنان
- ۱۴- فعال سازی حضور ارزشمند معلمان در نماز در کنار دانش آموزان
- ۱۵- طول ندادن بیش از حد نماز جماعت و تعقیبات آن
- ۱۶- انتخاب امام جماعتی که به سهولت بتواند با دانش آموزان ارتباط برقرار کند
- ۱۷- تا حد امکان از ضعف های اخلاقی دانش آموزان چشم پوشی شود و در انتخاب دبیران دینی توانا تلاش بیشتری شود
- ۱۸- داشتن روابط صمیمانه مدیران و عوامل اجرایی مدرسه با دانش آموزان نمازگزار
- ۱۹- هماهنگی و انطباق گفتار و عمل مدیران و مربیان پرورشی

- ۲۰- استفاده از صداهاى جذاب و دلنشین مؤذن ها و مکبرها در مدارس
- ۲۱- مطالعه و استفاده عملی از کتاب شیوه های دعوت به نماز شیخ محسن قرائتی
- ۲۲- در نظر گرفتن امتیازات ویژه مثل اردوهای تفریحی برای دانش آموزان نمازگزار
- ۲۳- نبودن اجبار از سوی مدیران و عوامل اجرایی جهت اقامه ی نماز دانش آموزان
- ۲۴- تسهیل کردن امر وضو اعم از قرار دادن دمپایی درب نمازخانه و نزدیکی وضوخانه
- ۲۵- مجبور نکردن دانش آموزان جهت خواندن نماز به جماعت

### منابع و مآخذ :

- ۱ - احمدی، غلامرضا ؛ ترکان، مرضیه ؛ جاویدی، لیلا (۱۳۸۷) . بررسی عوامل مؤثر در جذب دانش آموزان دبیرستان های دخترانه به نماز و معارف دینی . رهبری و مدیریت آموزشی ، پائیز ۱۳۸۷ ، شماره ۵ .
- ۲ - آقا حسینی، تقی ؛ جمشیدیان، زهرا (۱۳۹۲) . بررسی میزان تقید به نماز در دانش آموزان دختر شهرستان نجف آباد . ستاد اقامه نماز ، شهریور ۱۳۹۲ ، بیست و دومین اجلاس سراسری نماز .
- ۳ - بشیلده، کیومرث ؛ مکتبی، غلامحسین ؛ تقی پور، منوچهر ؛ شکرکن، حسین (۱۳۸۲) . بررسی عوامل درون مدرسه ای جذب دانش آموزان مقطع متوسطه استان خوزستان به نماز با روش تحلیل عوامل . مطالعات تربیتی و روان شناسی ، دوره چهارم ۱۳۸۲ ، شماره ۲ .
- ۴ - حسن بگلو، بهروز (۱۳۷۲) . بررسی علل و عوامل درون مدرسه ای مؤثر بر جذب دانش آموزان به نماز در تهران . طرح پژوهشی آموزش و پرورش استان تهران ۱۳۷۲ . پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران .
- ۵ - رجبی، سوران ؛ زاهدبابلان، عادل (۱۳۹۱) . متغیر های مرتبط با جذب دانش آموزان به نماز جماعت از نظر عوامل مدرسه . روانشناسی و دین ، بهار ۱۳۹۱ ، سال پنجم ، شماره ۱۷ .
- ۶ - زاهدبابلان، عادل ؛ رجبی، سوران (۱۳۹۱) . ساخت و بررسی ویژگی های روان سنجی پرسش نامه جذب به نماز در دانش آموزان . اسلام و پژوهش های تربیتی ، بهار و تابستان ۱۳۹۱ ، سال چهارم ، شماره ۷ .
- ۷ - سادی، علی (۱۳۸۱) . بررسی عوامل مؤثر در ترغیب دانش آموزان به نماز . نامه پژوهش فرهنگی ، بهار و تابستان ۱۳۸۱ ، شماره ۱ و ۲ .

- ۸ - شعبانی، زهرا (۱۳۷۳). عوامل موثر در جذب بیشتر دانش‌آموزان دبیرستانی به نماز جماعت مدارس . طرح پژوهشی اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان ۱۳۷۳ . پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران .
- ۹ - عزیزی، عباس (۱۳۷۵). اخلاق نمازگزاران . انتشارات نبوغ ۱۳۷۵ .
- ۱۰ - عسکری، محمد (۱۳۷۸). بررسی نگرش و نحوه جذب دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه استان همدان نسبت به طرح اقامه نماز . طرح پژوهشی اداره کل آموزش و پرورش استان همدان در سال ۱۳۷۸ . پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران .
- ۱۱ - علوی، سید حمیدرضا (۱۳۸۵). عوامل مرتبط با اقامه نماز در دانش‌آموزان دبیرستان ها و دانشجویان دانشگاه های شهر کرمان . تربیت اسلامی ، پاییز و زمستان ۱۳۸۵ ، سال دوم ، شماره ۳ .
- ۱۲ - فضل الهی، سیف اله ؛ ملکی توانا، منصوره (۱۳۹۲). واکاوی عوامل جذب دانش‌آموزان به نماز جماعت مدارس . معرفت ، بهمن ۱۳۹۲ ، سال بیست و دوم ، شماره ۱۹۴ .
- ۱۳ - قرائتی، محسن (۱۳۶۹). پرتویی از اسرار نماز . وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی .
- ۱۴ - قنبری، قاسم (۱۳۷۴). شیوه های گرایش جوانان به فرهنگ نماز در استان چهارمحال و بختیاری . طرح پژوهشی وزارت ارشاد اسلامی ۱۳۷۴ . پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران .
- ۱۵ - محمدی اشتهااردی، محمد (۱۳۷۱). نماز از دیدگاه قرآن و عترت . انتشارات نبوی ۱۳۷۱ .
- ۱۶ - مرادی، خدیجه ؛ موسی پور، نعمت اله (۱۳۹۲). بررسی راه های توسعه و ترویج فرهنگ اقامه نماز در بین دانش‌آموزان دختر دبیرستان های شهر تهران . نوآوری های آموزشی ، پائیز ۱۳۹۲ ، شماره ۴۷ .
- ۱۷ - میرزا بیگی، احمد (۱۳۹۲). بررسی راه های جذب دانش‌آموزان دوره متوسطه به نماز . طرح پژوهشی آموزش و پرورش استان ایلام ۱۳۹۲ . پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران .
- ۱۸ - نصر، احمد رضا ؛ معین پور، حمیده ؛ عریضی، حمیدرضا ؛ باقری، زهره (۱۳۸۷). بررسی فراتحلیلی عوامل موثر بر جذب و شرکت دانش‌آموزان در نماز جماعت مدارس . نوآوری های آموزشی ، تابستان ۱۳۸۷ ، سال هفتم ، شماره ۲۶ .
- ۱۹ - نصیرزاده، راضیه ؛ رحیمی، چنگیز (۱۳۸۴). انگیزه های نمازخواندن و بازخورد دانشجویان نسبت به نماز . مجله روانشناسی تحولی ، زمستان ۱۳۸۴ ، شماره ۶ .

۲۰- نصیری، فخرالسادات ؛ ایزدی معز، شیرین ؛ فلاحي، احمدحسین ؛ شـمـخانی، اژدر (۱۳۹۰) .  
درونی کردن ارزش های اسلامی در میان دانش آموزان از دیدگاه تربیتی . نشریه مهندسی فرهنگی ،  
مهر و آبان ۱۳۹۰ ، سال ششم ، شماره ۵۷ و ۵۸ .

۲۱- نعیم آبادی، غلامعلی (۱۳۷۷) . نماز زیباترین الگوی پرستش . انتشارات ستاد اقامه نماز،  
زمستان ۱۳۷۷ .

۲۲- هوشمند، مهرداد (۱۳۸۷) . راهکارهای علمی و عملی جهت توسعه و ترویج فرهنگ اقامه ی نماز  
در بین دانش آموزان متوسطه ی شهرستان نهاوند . فرهنگان ، بهار و تابستان ۱۳۸۷ ، شماره ۳۳ .

## پرسشنامه جذب دانش آموزان به نماز

نظر به اینکه دانش آموزان از ارکان مهم تصمیم گیری در مورد برنامه های آموزشی و پرورشی مدارس هستند بر آن شدیم تا از نظرات سازنده ی شما بمنظور جذب افراد نسبت به این فریضه ی مقدس الهی استفاده نمائیم . لذا خواهشمند است سوالات پرسشنامه را با دقت مطالعه و پاسخ خود را با زدن علامت مشخص نمائید. با تشکر: مهدی اسیوتین

جنسیت: ☐ پسر ☐ دختر / ☐ یایہ تحصیلی: ☐ اول ☐ دوم ☐ سوم ☐

ردیف	موضوع	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	آیا وضعیت فضای نمازخانه ( از نظر مساحت ، نظافت ، فرش ، درجه ی دما و . . . ) در نماز خواندن دانش آموز مؤثر است؟					
۲	آیا هم سالان و هم کلاسی های دانش آموز در نماز خواندن وی مؤثر هستند؟					
۳	آیا آشنایی با احکام، مسائل عملی و شنیدن داستان های نماز در جذب دانش آموز به نماز مؤثر است؟					
۴	آیا نحوه ی برخورد مسئولین مدرسه ( اعم از مدیر ، معاون ، دبیر ، مربی پرورشی و ... ) در جذب دانش آموز به نماز مؤثر است؟					
۵	آیا حضور دبیران ، به ویژه دبیران دروس تخصصی در اقامه ی نماز مدرسه تاثیری در جذب دانش آموز به نماز دارد ؟					
۶	آیا وجود اجبار از سوی مدیر و مربی مدرسه و کاهش نمره ی انضباط در جذب دانش آموز به اقامه ی نماز در مدرسه مؤثر است ؟					
۷	برخورد و رفتار امام جماعت مدرسه و افراد مذهبی ( اعم از مسئولین و دانش آموزان ) تا چه اندازه در رغبت دانش آموز به خواندن نماز تاثیر دارد ؟					
۸	آیا روحانی بودن امام جماعت و عادل بودن وی در میزان جذب دانش آموز به خواندن نماز مؤثر است؟					
۹	آیا برگزاری نماز در اول وقت شرعی ( بلافاصله بعد از اذان) در میزان حضور دانش آموز جهت اقامه ی نماز در مدرسه مؤثر است ؟					
۱۰	آیا وجود وقت معینی به نام زنگ نماز بر میزان حضور دانش آموز جهت اقامه ی نماز تاثیر دارد ؟					
۱۱	آیا میزان تدین پدران و مادران ، در نماز خواندن دانش آموز مؤثر است؟					
۱۲	آیا تسهیل کردن امر وضو ( اعم از استفاده از دمپایی درب نمازخانه ، نزدیک بودن وضوخانه ، بودن شیر آب جهت شستن پاها و . . . ) در میزان حضور دانش آموز جهت اقامه ی نماز در مدرسه مؤثر است ؟					